اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

شنبه
• ۱۵ آذر ۱۳۹۹
• ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲
• ۵ دسامبر ۲۰۲۰

• سال سی‌ویکم دوره جدید شماره ۱۶۷۴ • پیاپی ۲۹۹۲ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۲۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews

مدیریت موضوع هسته‌ای در اختیار شورای عالی امنیت ملی است

رئیس‌جمهوری، دلیل حاضر نشـدن در جلسـه مجلس برای ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۰ را مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا عنوان کرد و گفت: دولت با مصوبه «طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» مجلس موافق نیسـت و آن را برای فعالیت‌های دیپلماتیک مضر می‌داند. اسـحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری نیز با بیان اینکه نمی‌توان با موضوع مهم هسـته‌ای لحظه‌ای و احساسـی برخورد کرد، گفت: مدیریت موضوع هسـته‌ای براسـاس تدبیر رهبر معظم انقلاب به شـورای عالی امنیت ملی واگذار شـده و از اصلی‌ترین مسائل امنیت ملی کشور است. در همین حال نمایندگان مجلس شـورای اسـلامی در نشست علنی روز چهارشنبه، ایراد شورای نگهبان درباره طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها را به‌منظور تامین نظر شورای نگهبان اصلاح کردند. بر این اساس ماده ۶ طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران اصلاح شد و عبارت «یک ماه» به «۲ ماه» و همچنین عبارت «تصویب» به «لازم‌الاجراء» تغییر یافت. در همین حال به گزارش ایرنا، جو بایدن، رئیس‌جمهوری منتخب امریکا بار دیگر بر موضع خود در زمینه بازگشت به برجام تاکید کرد و در عین حال آن را کاری دشوار دانست.

سرمقاله

مدیریت دانایی ۲

گفت‌و گو

دانش، سرمایه اصلی صنایع روز ۱۱

یادداشت‌های امروز

نگاه صنعت خودرو به دانشگاه ۴

دانش رمز ماندگاری صنعت ۶

دانش باید در خدمت کسب‌وکار باشد ۱۰

ما هنوز علم اقتصاد را قبول نداریم ۱۴

بررسی صمت به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

اقتصاد بی‌دانش می‌میرد



دانش‌بنیان‌ها حلقه ارتباطی صنعت و دانشگاه ۳
دانش می‌آید تا صنعت معنا پیدا کند ۴
آینده روشن معدن در دست دانشجویان ۵
در فقدان دانش محکوم به شکستیم ۶
آیا دوره تجربه‌محوری گذشته است! ۷
اصناف با بال دانش اوج می‌گیرند ۱۰
ارتباط معدن و دانشگاه حلقه‌ای مفقوده ۱۲
استقرار مدیریت دانش در بانکداری ۱۴
آموزش، شاه‌کلید کسب سود در بازار سهام ۱۵

طرح: حسین علیزاده

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

رئیس محترم هیات عامل ایمیدرو

با نهایت تاسـف و اندوه فراوان در گذشـت والده مکرمه همسـر گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم تسـلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه غفران الهی و جایگاه رفیع و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

مدیرعامل و هیات‌مدیره شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

رئیس محترم هیات عامل ایمیدرو

با نهایت تأسـف و تألم درگذشـت والده مکرمه همسـر گرامی‌تان را صمیمانه خدمت شما و خانواده محترم تسـلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعـال برای روح پاک آن مرحومه علو درجات و مغفرت الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسالت داریم.

مدیرمسئول و همکاران موسسه فرهنگی و مطبوعاتی صمت

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

معاون محترم وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس محترم هیات عامل ایمیدرو

مصیبت وارده را به حضرتعالی و خانواده محترم و سـایر بسـتگان معزز تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن فقید سعیده، غفران و علو درجات واسعه الهی و برای جنابعالی و عموم مصیبت‌دیدگان، صبر و اجر جزیل مسألت می‌نماییم.

مدیرعامل، هیات‌مدیره و کارکنان شرکت آلومینای ایران

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

معاون محترم وزیر و رئیس هیات عامل ایمیدرو

با تألم و تأسـف فراوان، مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسـلیت عرض نمـوده و از درگاه خداوند رحمـان، غفران الهی برای آن مرحومه و صبر و اجر برای جنابعالی و سایر بازماندگان را خواستاریم.

مدیرعامل و هیات‌مدیره فولاد هرمزگان جنوب

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

معاون محترم وزیر و رئیس هیات عامل ایمیدرو

مصیبـت وارده را بـه جنابعالی و خانـواده محترم تسـلیت عـرض نمـوده، از خداوند متعـال برای آن عزیز سفرکرده آمرزش الهی و برای همه بازماندگان داغدار بقائی با عزت مسألت می‌نمایم.

علی محمدی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

رئیس محترم هیات عامل ایمیدرو

خبر درگذشت والده مکرمه همسر گرامی‌تان موجب تألم و تأثر شدید گردید.

ایـن مصیبت را خدمت جنابعالی و خانواده ارجمند تسـلیت عرض نمـوده و از درگاه خداوند متعال برای جنابعالی و بازماندگان شـریف آرزوی صبر و شکیبایی و برای آن مرحومه، مغفرت الهی و محشور شدن با حضرت فاطمه زهرا(س) طلب می‌نمایم.

روحش قرین رحمت واسعه ان‌شاءالله.

ناصر تقی‌زاده، مدیرعامل وعضو هیات‌مدیره شرکت معدنی و صنعتی چادرملو

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر غریب‌پور

معاون محترم وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس محترم هیات عامل ایمیدرو

بدینوسـیله درگذشـت والده مکرمه همسـر گرامیتان را خدمـت جنابعالی و خانـواده محتـرم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای آن مرحومه رحمت واسـعه الهی و برای جنابعالی و سـایر بازماندگان سلامتی و طول عمر با عزت مسئلت می‌نمایم.

سعید رشیدی، مدیرعامل شرکت فولاد تاراز چهارمحال

اقتصاد بی‌دانش می‌میرد

اقتصاد هنوز به‌طور کامل به‌عنوان یک علم مورد شناسایی قرار نگرفته است. با این تعبیر شاید بتوان گفت اقتصاد یک علم تکامل‌نیافته اما معتبر است. تا اوایل قرن ۱۸ میلادی علم اقتصاد در مرحله ابتدایی بود. تا آن زمان این علم ترکیبی از مباحث سیاسی، اخلاقی، فلسفه و منطق به‌حساب می‌آمد. در آن زمان براساس تعاریف فیلسوفان علم اقتصاد تا جایگاه «اقتصاد سیاسی» پیش رفته و هدف آن اداره ثروت ملل و کشورها به‌شمار می‌رفت. آدام اسمیت که پدر علم اقتصاد محسوب می‌شود، موضوع علم اقتصاد را «تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل» تعریف می‌کند. او همزمان اقتصاد را «علم ثروت» می‌نامد. شاید با تعبیر آدام اسمیت از علم اقتصاد بتوان برای این سوال کلیدی و قدیمی که «علم بهتر است یا ثروت؟» پاسخ یافت.

بیشتر اقتصاددانان دوره کلاسیک طرفدار نظریه ارائه شده توسط آدام اسمیت بودند. آنها هدف علم اقتصاد را دستیابی به ثروت مادی و افزایش رفاه ملت‌ها عنوان می‌کردند.

بعدها آلفرد مارشال، معمار و اقتصاددان دوره نئوکلاسیک، علم اقتصاد را به سمت مطالعه رفتار انسان پیش برد. وی تلاش کرد با بررسی رفتار انسان تعریف جامع‌تری از علم اقتصاد، ارائه دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت به‌نظر او، اقتصاد از یک طرف، مطالعه ثروت است و از طرف دیگر مطالعه فعالیت‌های اقتصادی انسان به‌شمار می‌رود. بر این اساس علم اقتصاد، علمی است که رفتار بشر را به‌عنوان رابط بین نیازهای نامحدود و عوامل تولید کمیاب که موارد استفاده متعددی نیز دارند، مطالعه می‌کند.

علم اقتصاد در این تعریف به تخصیص منابع کمیاب بین استفاده‌های مختلف آنها مربوط می‌شود.

توجه به اقتصاد به‌عنوان یک علم آنجا اهمیت پیدا می‌کند که توسعه و بهبود اقتصاد ملی، مشروط بر توجه به ارگان علمی می‌شود.

این همه در حالی است که در کشورهای در حال توسعه هنوز هم ارتباط بین صنعت و دانشگاه با مشکل مواجه است و هنوز علم و دانش، جایگاه واقعی خود را نیافته است.

در پرونده این هفته صمت به‌مناسبت روز دانشجو به بررسی جایگاه علم و دانش در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران پرداخته و موفقیت‌ها و کاستی‌های این حوزه را بررسی کرده‌ایم. با ما همراه باشید.

سر مقاله

مدیریت دانایی



ناصر بزرگمهر / مدیر مسئول
management@smtnews.ir
به‌نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود

توانا بود هر که دانا بود. می‌خواهم خیلی ساده به یکی از ده‌ها دردی که هر روز می‌بینیم و می‌خوانیم و می‌گذریم، اشاره کنم؛ به موضوع دانایی و نادانی و توانایی و دانش و خرد بپردازم.

ده قرن از روزی که شاعر بزرگ این سرزمین سرود که توانایی در دانایی است و از دانش دل پیر، می‌تواند برنا و جوان شود، گذشته است.

بدون شک تئوری مدیریت دانایی و توانایی، مدیریت دانش و پیروزی عقل بر شمشیر، متعلق به غرب نیست؛ متعلق به بزرگمرد شعر و ادب ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی است.

متاسفانه در حوزه توانایی و دانایی و مدیریت دانش، کتاب‌های بی‌شماری از مولفان غربی ترجمه و چاپ و تدریس می‌شود؛ بی‌آنکه به درونمایه آنها که تبلوری از یک بیت ماندگار بر سردر مدارس ماست توجه شود و فریاد بزنیم که توانا بود هر که دانا بود را شاعر ما در هزار سال قبل، سروده است.

در حوزه دانش و ناتوانی دانایی عمومی و اجتماعی از صبح تا شب، همه با هم انتقاد می‌کنیم؛ بدون آنکه بدانیم مخاطب ما کیست؟ به کی و از چی انتقاد می‌کنیم.

شاید هم واقعا مهم نیست به کی و از چی انتقاد می‌کنیم یا حداقل بحث این یادداشت نیست.

مهم این است که در هر لحظه، همگی با هم، در هر موقعیت مکانی و زمانی، در کوچه و خیابان، در تاکسی و مترو، در خانه و اداره، در مسجد و میخانه انتقاد می‌کنیم، غر می‌زنیم، در درون فریاد می‌زنیم و بر لب سکوت می‌کنیم، لبخند می‌زنیم و از درون می‌پوسیم.

چرا؟

چون به نادانی بیشتر از دانایی احترام می‌گذاریم.

برای یک لقمه نان چرب‌تر در برابر هر واژه نادانی که از دهان هر کس بیرون می‌آید، سکوت می‌کنیم و لبخند می‌زنیم و فرهنگ اعتراض را در خود خفه می‌کنیم.

باید باور کنیم که راه هیچ جامعه‌ای برای رسیدن به توسعه و دموکراسی و آینده بهتر در حوزه ثروت و اقتصاد یا علم و اخلاق و به‌طور کلی فرهنگ مادی و معنوی، از مسیر نادانی نمی‌گذرد.

خوشبختی ظاهری و باطنی برای هر فرد و هر جامعه‌ای فقط یک راه دارد؛ راه دانایی، مسیری که کمی سخت است، مثل بالا رفتن از یک کوه است، بالا رفتن از سربالایی سخت است، اما رسیدن به قله لذتی دارد که هرگز کسانی که فقط سرازیری را تجربه کرده‌اند، نچشیده‌اند. کسانی که در دامنه نشسته و از دور فقط کوه را تماشا می‌کنند و به‌به و چهچه می‌گویند، معنای رسیدن به چکاد کوه بلند دانایی را نمی‌فهمند.

مسیر دانایی از گذرگاه خواندن و دیدن و شنیدن می‌گذرد. تنها راه رسیدن به قله دانایی در ارتباطات گفتاری، نوشتاری و دیداری خلاصه شده است. راه چهارم وجود خارجی ندارد. برای توانا شدن باید از گذرگاه دانایی عبور کرد؛ کمی سخت است، اما تنها راه است.

در عبور از گذرگاه دانایی، باید از دانش بهره برد اما از یاد نبریم که دانش، همه دانایی نیست. دانایی که فردوسی بزرگ از آن می‌گوید، دانایی باخرد است؛ عبور رستم از هفت‌خوان تجربه دیدار و رفتار انسان و حیوان و دیو و دد است.

باید بدانیم که «دانش»، «خِرد» نیست و نمی‌تواند باشد. دانش با خرد و خردمندی متفاوت است، اما راه رسیدن به خرد از مسیر دانش و کسب دانش می‌گذرد.

کارل گوستاو یونگ، فیلسوف مشهور سوئیسی و مبدع روانشناسی ضمیر ناخودآگاه درباره دانش و تفاوت آن با خرد می‌گوید: «دانش گاهی علیه خرد است و مانع بیداری خرد می‌شود. دانش، سکه‌ای تقلبی است؛ تظاهر می‌کند که می‌داند. در حالی که هیچ چیز نمی‌داند، می‌تواند انسان را فریب دهد. این موضوع چنان ظریف و نهان است که اگر فرد واقعا هوشمند نباشد، نمی‌تواند حقیقت آن را تشخیص دهد. در عین حال، این فریب بسیار ریشه‌دار است و از دوران کودکی، در ما شرطی شده است.

دانستن یعنی اندوختن، گرد آوردن اطلاعات و جزئیات. دانستن شما را تغییر نمی‌دهد؛ شما همان که بودید، باقی می‌مانید و فقط مجموعه اطلاعات‌تان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود.

اما خرد، شما را متحول می‌کند و درون شما را به شیوه‌ای تازه شکل می‌دهد. خرد، تحول و دیدن است، دانستن و بودن تازه‌ای را ایجاد می‌کند؛ در نتیجه ممکن است شخصی اصلا مطلع و دانشور نباشد، اما خردمند باشد. همچنین امکان دارد فردی دانشور باشد، اما بسیار بی‌خرد باشد. در حقیقت، چیزی است که در دنیا اتفاق افتاده این است که مردم تحصیلکرده‌تر و باسوادتر شده‌اند، تحصیل در سطح جهان در دسترس همه است، پس همه دانش کسب کرده‌اند، اما خرد گم شده است.

دانش را می‌توان از صفحات کاغذ، به‌راحتی کسب کرد، اما چه کسی به خرد اهمیت می‌دهد؟ خرد، زمان، انرژی، ایثار و سرسپردگی می‌طلبد.»

«خواندن» مهم‌ترین خوانِ هفت‌خوان رسیدن به سیمرغ وجود انسان و خردمندی است. باید کتاب بخوانیم؛ سطحی نخوانیم.

«شنیدن» را مهم بدانیم. گوش کنیم، پای منبر دانشمندان و خردمندان بنشینیم و از تجربه پدر و دانایی مادر بیاموزیم و گوش را به معلم و استاد عاشقی بسپاریم که موی سیاه خود را پای تابلوی سبز و سیاه و سفید کلاس درس با گچ و ماژیک سفید کرده است.

«دیدن» را تجربه کنیم که جهانگرد، مرد روزگار است. از سینما بیاموزیم و از دیدن تابلو نقاشی، لبخند ژوکوند و از عکس ماندگار، حس برتر را تقویت کنیم و ناگفته‌ها را بر صحنه تئاتر و ناشنیده‌ها را از هنر و هنرمند با تماشا کردن و دوست داشتن طبیعت بیاموزیم.

توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود

به شواهد و قرائن رجوع کنیم

شیما نوروزی- پژوهشگر اقتصادی: گاهی در میان انبوه مطالب منتشرشده یادداشت‌هایی درباره اقتصاد مطرح می‌شود.

برخی از این نوشته‌ها بیشتر زنگ خطری است برای علم اقتصاد در کشور و شاید بزنگاهی برای استادان اقتصاد تا تأملی دوباره در نحوه تدریس این علم وارداتی در دانشکده‌های اقتصاد داشته باشند.

متاسفانه در ایران آموزش علم اقتصاد به روش‌شناسی این علم اهمیت کافی نمی‌دهد؛ از این رو برداشت‌ها و تحلیل‌های متفاوتی از یک مسئله ارائه می‌شود.

لازم است به دانشجویان اقتصاد آموزش داده شود که چنانچه بخواهند تحلیلی منطقی از مسائل اقتصادی داشته باشند، باید با توسل به دستاوردهای معرفت‌شناختی و روش‌شناختی علم اقتصاد، مسائل را به‌طور دقیق ببینند و صرفا به روابط علی و معلولی نظریه‌هایی که دهه‌ها پیش در شرایط زمانی و مکانی خاصی مطرح شده‌اند، اکتفا نکنند.

به‌علاوه از تعصب و جزم‌اندیشی در نظریات نحله‌های فکری مختلف دست بردارند و آنچه را با واقعیات جامعه منطبق‌تر است و قدرت پیش‌بینی بیشتری دارد، ملاک قرار دهند تا تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌هایشان تا حد امکان به واقعیات جامعه و اقتصادمان نزدیک باشد.

شومپیتر با تاکید بر تاثیرگذاری ارزش‌های ایدئولوژیک در تبیین‌های تئوریک اقتصادی و پنهان شدن آنان به‌واسطه بکارگیری یک سلسله مفاهیم مجرد، یکی از جنبه‌های اساسی بحران موجود در علم اقتصاد (به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران) را در این مسئله دانسته است.

بر این اساس باید این نکته همواره به دانشجویان اقتصاد گوشزد شود که مهم‌ترین رسالت آنها این است که مسائل تئوریک در هر حوزه‌ای را با مسائل جامعه خود مطابقت دهند، کاستی‌های آن را قبول کنند و از نگاه ایدئولوژیک به مسائل بپرهیزند تا نسخه‌هایی که برای حل تنگناهای اقتصادی ارائه می‌دهند، راهگشا باشد.

▣ جهانی که ساخته‌ایم، ساخته ذهن ماست

داگلاس نورث در کتاب خود با عنوان «فهم فرآیند تحول اقتصادی»، بر نقش باورها در فهم فرآیند تحول اقتصادی تاکید ویژه‌ای می‌کند.

او بر نقش سازه‌های ذهنی تاکید و این مسئله را عنوان می‌کند که جهانی را که ساخته‌ایم، ساخته ذهن ماست. انسان‌ها دائم در حال آزمون این سازه‌های ذهنی در مقابل شواهد هستند تا دریابند آیا آنها ارزش تبیینی دارند یا خیر.

براساس میزان انطباق باورها با واقعیات است که می‌توان گفت سیاست‌هایی که اعمال می‌کنیم، تا چه اندازه نتیجه موردانتظار را در پی خواهند داشت. وی نقش یادگیری براساس تجارب گذشته را در اصلاح باورها، حیاتی عنوان می‌کند و از این زاویه تصلب فکری و تعصب در باورها را ریشه اصلی مشکلات کشورهای در حال توسعه برمی‌شمرد.

▣ رویکرد انتقادی به علم

این اقتصاددان فقید در کتاب دیگر خود باعنوان «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»، بر اهمیت تاریخ و قدرت آموزندگی آن تاکید می‌کند. رجوع به شواهد تاریخی، می‌تواند از تکرار خطاهای گذشته بکاهد و شرایط را برای بهبود مهیا کند. یکی از راه‌های پیشبرد علم، رویکرد انتقادی به آن است. ترویج نظریه‌های رقیب به معرفت اقتصادی عمق می‌بخشد و ضعف‌های نظریات رایج را برملا می‌کند.

همچنین نکاتی که ازسوی نظریه‌های مرسوم نادیده گرفته شده را روشن می‌کند. پذیرش بی‌چون و چرای نظریات اقتصادی، راه را برای تفکر و اصلاح نظریات مسدود می‌کند. رویکرد انتقادی، رجوع به تاریخ و شواهد تجربی تا حدودی علم اقتصاد را قادر به انجام وظایف خود می‌کند.

نورث معتقد است فرض‌های سنتی علم اقتصاد باعث شده اقتصاددانان نتوانند با پاره‌ای مسائل بنیادی دست و پنجه نرم کنند، از این رو جرح و تعدیل این فرض‌ها را برای پیشرفت بیشتر علم اقتصاد ضروری می‌داند. او تاکید می‌کند نظریات نئوکلاسیک یقینا در پیشبرد دانش سهم بسزایی داشته و به‌خوبی می‌تواند بازارهای اقتصادهای کشورهای پیشرفته را تحلیل کند، اما از تبیین مسائل کشورهای درحال توسعه عاجز است. با این مقدمه می‌توانیم به مسائل کشورمان برگردیم.

▣ خط فکری مرسوم در ایران

سال‌هاست که با بکارگیری سیاست‌های پیشنهادی خط فکری مرسوم در قالب تعدیل ساختاری، شوک درمانی و نظایر آن و بدون توجه به بسترهای اولیه برای تحقق دستاوردهای مثبت این‌گونه سیاست‌ها، جامعه با بحران‌های کوچک و بزرگ مواجه شده و باوجود نقدهای پی‌درپی و هشدارهای داده‌شده از سوی دانشگاهیان، شاهد بازبینی در سیاست‌ها یا پاسخ منطقی به نقدهای واردشده، نبوده‌ایم و سکوت در برابر انتقادات، بهترین راهکار برای تصمیم‌سازان اقتصادی بوده است.

دنی رودریک در کتاب ارزشمند خود با عنوان «قوانین اقتصادی» که به‌تازگی ترجمه شده، به محدودیت‌های مدل‌ها برای فهم واقعیات اقتصادی می‌پردازد.

وی در این کتاب به ۳ اشکال اساسی درباره مدل‌های ریاضی اشاره می‌کند. از نگاه رودریک، اشکال اول مدل‌ها، مسئله آزمون‌پذیری است.

وی اشاره می‌کند که بسیاری از مدل‌هایی که اقتصاددانان به‌کار می‌گیرند، آزمون‌پذیر نیستند. مشکل دوم آن است که در بسیاری از موارد با استفاده از پایه‌های آماری واحد، یافته‌های مدل‌های متفاوت با تناقضات فاحش روبه‌رو هستند.

وی تصریح می‌کند که رشته اقتصاد مملو از مدل‌هایی است که در یک دوره زمانی معین و مبتنی بر داده‌های یکسان، نتایج کاملا متناقض نشان می‌دهد. مشکل سومی که وی درباره مدل‌ها ارائه می‌کند، بحث تغییرات پرشتاب است که در این بستر مدل‌ها طراحی می‌شوند. وی تصریح می‌کند که باتوجه به شتاب تغییرات، آزمون اعتبار علمی مدل‌ها با چالش روبه‌رو می‌شود.

علاوه بر تقدم پایه نظری نسبت به مدل‌ها و اشکالات برشمرده، باید توجه داشت که استفاده از الگوهای ریاضی و سنجی در اقتصاد زمانی می‌تواند مفید واقع شود که قدرت تبیین و پیش‌بینی بالایی داشته باشد.

ریاضیات ابزاری در خدمت علم اقتصاد است، نه بیشتر؛ از این رو در بهره‌گیری از اقتصادسنجی و مدل‌های ریاضی باید توجه داشت که الگوهای ریاضی براساس ساده‌سازی بنا شده و احتمال اینکه بسیاری از متغیرهای اساسی در آن کنار گذاشته شوند، وجود دارد.

همچنین میزان مطابقت الگوها با واقعیات، با میزان صحت فروض، ارتباط تنگاتنگ دارد. اساس استفاده از این الگوها نیز نظام آماری قوی و کارآمد است که نبود آن، می‌تواند کارکرد مدل‌های ریاضی را تضعیف کند؛ از این رو اتکای صرف به مدل‌های ساده‌شده ریاضی برای توضیح رفتارهای پیچیده انسانی، یک خطای راهبردی است و لازم است در کنار مدل‌های ریاضی، رجوع به شواهد تاریخی و در نظر گرفتن بسترها و الزامات اولیه تحقق پیش‌بینی‌های این مدل‌ها را نیز در نظر گرفت. الگوهای ریاضی زمانی که قدرت تبیینی نداشته باشند، کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهند که شاید یکی از دلایل شکست سیاست‌های اقتصادی در کشورمان نیز به این مسئله برمی‌گردد.

▣ مجونی از ایدئولوژی و اقتصاد نادرست

استیگلیتز، اقتصاددان شهیر نوبلیست که در سمت‌های مشاور رئیس‌جمهوری و سراقتصاددان و مشاور ارشد بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ فعالیت داشته، در کتاب خود با عنوان «جهانی‌سازی و مسائل آن»، از تجربه خود در عرصه سیاست‌گذاری در بانک جهانی و کاخ سفید این‌گونه می‌نویسد: «در دوره‌ای که عضو و سپس رئیس شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید بودم و نیز در بانک جهانی، می‌دیدم که غالبا تصمیمات به ایدئولوژی یا سیاست آلوده‌اند.

در نتیجه اقدامات خبط‌آمیز بسیاری صورت می‌گرفت؛ اقداماتی که به حل مشکل موجود کمکی نمی‌کرد اما در خدمت منافع یا باورهای صاحبان قدرت بود. وقتی پا به عرصه بین‌الملل گذاشتم، متوجه شدم که تصمیمات برپایه آنچه به‌نظر می‌رسید معجونی از ایدئولوژی و اقتصاد نادرست است، اتخاذ می‌شود؛ تعصباتی که بعضا بر منافع گروه‌های خاصی پرده کشیده بود». وی معتقد است که باید به مسائل با دیدی بی‌طرفانه نگاه کرد و ایدئولوژی را به کناری گذاشت و برای تصمیم‌گیری برای اینکه بهترین اقدام چه می‌تواند باشد، به شواهد و قرائن رجوع کرد.

از فضای مجازی

سیاه‌چاله اقتصاد کلان ایران



یک اقتصاددان به تعارض آرا میان اقتصاددانان، فعالان اقتصادی، دولت و مجلس اشاره کرد و از آن به‌عنوان سیاه‌چاله اقتصاد کلان ایران نام برد.

به‌گزارش مهر، تیمور رحمانی، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در صفحه شخصی خود در اینستاگرام با اشاره به فقدان وحدت در آرای فعالان اقتصادی، کارشناسان و دولت و مجلس درباره مسائل مختلف، در یادداشت کوتاهی باعنوان «سیاه چاله اقتصاد کلان ایران» نوشت: اقتصاددانان غر می‌زنند که بانک مرکزی باید با کنترل نقدینگی تورم را کنترل کند و بانک مرکزی تلاش می‌کند، گوش کند.

بلافاصله فعالان بخش خصوصی غر می‌زنند که با محدود کردن اعتبارات گلوی تولیدکنندگان فشار داده می‌شود.

بانک مرکزی غر می‌زند و می‌گوید اعتبار را بگیرید و دست از سر ما بردارید.

طرفداران فقرا غر می‌زنند که دولت به‌جای تخصص منابع به سرمایه‌داران باید برای حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر اسبق (له‌شده سابق و پودر شده فعلی) منابع اختصاص دهد.

دولت غر می‌زند و با روش‌های هیپنوتیزم مانند متکی به خلق نقدینگی و البته با بوق و کرنا مبلغی صرف برنامه‌های حمایت از فقرا می‌کند.

نمایندگان مجلس غر می‌زنند و انواع طرح‌های بلعیدن نقدینگی را تصویب می‌کنند و... در نهایت بر اثر همه این موارد رشد نقدینگی و تورم تداوم می‌یابد.

نقطه سرخط و پاراگراف عینا تکرار می‌شود.

حالا هی بگویید علم اقتصاد از فیزیک ساده‌تر است.

نظرگاه

بهبود جایگاه بین‌المللی با تعامل دانش و اقتصاد



سورنا ستاری، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری اگر خواهان اقتصادی پویا و موفق هستیم، باید دانش، فناوری و نوآوری را پایه اقتصاد قرار دهیم و متقابلا برای رشد علمی و ارتقای جایگاه کشور باید با پررنگ کردن نقش بخش خصوصی در عرصه پژوهش، ایجاد فرهنگ کسب‌وکار در دانشگاه‌ها و هدایت جوانان به‌سمت کسب‌وکارهای فناورانه نوپا، نقش اقتصاد را در عرصه علمی پررنگ کنیم.

دولت از آغاز راه خود به‌دنبال تحقق اقتصاد دانش‌بنیان بوده است؛ چراکه این اقتصاد راهکار توسعه و پیشرفت کشور است. ستاری افزود: رتبه علمی کشورهای پیشرفته و مقایسه جایگاه جهانی این کشورها در عرصه اقتصاد نشان می‌دهد این دو مقوله دارای ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ با یکدیگر هستند و کشورها به هر میزان که توانسته‌اند به رشد علمی دست یابند اقتصادی پویاتر داشته و از سوی دیگر اقتصاد را در عرصه توسعه علمی و پژوهشی دخیل ساخته‌اند.

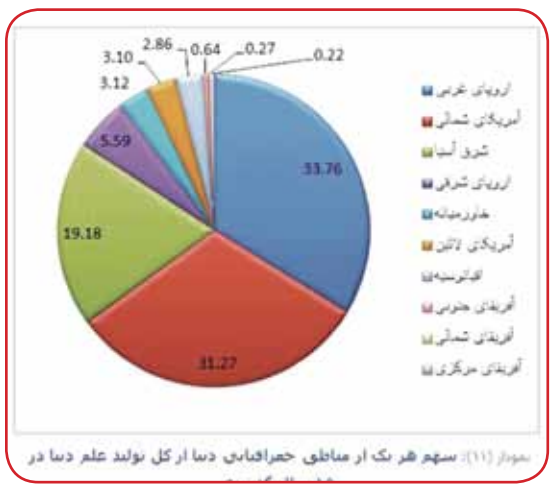
با نگاهی به رتبه‌بندی مقالات دانشمندان کشورمان در مقایسه با دیگر کشورها می‌توانیم شاهد رشد و ارتقای فزاینده این جایگاه باشیم، به‌طوری که کشورمان در عرصه نانو امسال با ارتقایی یک‌پله‌ای، در رتبه پنجم و در میان توسعه‌یافته‌ترین کشورهای دنیا قرار گرفت که با همین نرخ رشد، قرار گرفتن ایران در رتبه چهارم تا پایان امسال دور از انتظار نیست.

این واقعیتی انکارناپذیر است که رشد فزاینده تولید علم کشور زمینه‌ساز تقویت و توسعه جایگاه بین‌المللی ایران خواهد بود؛ بنابراین اگر خواهان اقتصادی پویا و موفق هستیم باید دانش، فناوری و نوآوری را پایه اقتصاد قرار دهیم و متقابلا برای رشد علمی و ارتقای جایگاه کشور باید با پررنگ کردن نقش بخش خصوصی در عرصه پژوهش، ایجاد فرهنگ کسب‌وکار در دانشگاه‌ها و هدایت جوانان به‌سمت کسب‌وکارهای فناورانه نوپا، نقش اقتصاد را در عرصه علمی پررنگ کنیم.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری، رشد کسب‌وکارهای نوپا را هم‌گام با تولید علم کشورمان یادآور شد و گفت: استارت‌آپ‌ها نیز همچون عرصه علمی کشور رشدی نمایان دارند و خلاقیت، نوآوری، اعتماد به‌نفس و پشتکار جدی جوانانی که در این عرصه گام می‌گذارند، این رشد خارق‌العاده را رقم زده است؛ به طوری که برخی از استارت‌آپ‌ها در کمتر از یک سال رشدی هزاردرصدی را تجربه می‌کنند و رشد کمتر از ۱۰ درصدی این استارت‌آپ‌ها در یک هفته، نشان‌دهنده مانع یا خللی در مسیر شتابان آنهاست.

روی‌خط آمار











دانش می‌آید تا صنعت معنا پیدا کند



کاهش تعداد چک‌های برگشتی به مبادله‌ای



استقرار مدیریت دانش در بانکداری

دانش‌بنیان‌ها حلقه ارتباطی صنعت و دانشگاه

محدودیت‌های بین‌المللی منجربه ظهور و بروز فرصت‌های علمی‌صنعتی در کشور شد. فرصت‌های بسیاری در پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان بومی وجود داشت که با قطع همکاری شرکای خارجی، توجه‌ها را به خود جلب کرد. حال صنعتگران چقدر از این ظرفیت استفاده کرده و به رفع نیازهای خود پرداخته‌اند؟

در این راستا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران(ایدرو) اعلام کرده می‌تواند در کنار شرکت‌های دانش‌بنیان به این شرکت‌های نوپا در بخش‌های فرهنگ‌سازی، توانمندسازی و انتشار دستاوردهای نوآوران کمک کرده و شرایط بهم‌رسانی دانش و ایده‌های نوآورانه در بخش‌های صنعتی را فراهم آورد. در این بین عنوان می‌شود که تقویت توان ساخت داخل و بیمه خطرپذیر کسب‌وکارهای نوپا از مهم‌ترین نیازهای این شرکت‌ها برای پیمودن مسیر موفقیت است. بنابراین ایدرو می‌تواند با توانمند کردن شرکت‌های دانش‌بنیان نقش مهمی در ارتقای فناوری واحدهای صنعتی و محصولات بومی داشته باشد. به علاوه اینکه صنعتگران استقبال خوبی از شرکت‌های دانش‌بنیان داشته و توانمند شدن این شرکت‌ها به‌لحاظ شیوه‌های همکاری دوجانبه، می‌تواند بخشی از مشکلات فناوری حوزه صنعت را رفع کند.



عکس: صمت

فاطمه امیراحمدی
editor@smtnews.ir

دانش‌بنیان‌ها پل ارتباطی

محمدمهدی شکورزاده، عضو هیات‌مدیره انجمن تخصصی صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور درباره نحوه همکاری صنعت و دانشگاه در دوره محدودیت‌های بین‌المللی به صمت گفت: اگر بخواهیم واقع‌بینانه به موضوع ارتباط صنعت و دانشگاه بپردازیم باید گفت همکاری‌های خیلی نزدیکی در این مدت شکل نگرفته است. اما ارتباط صنعتگران با شرکت‌های دانش‌بنیان بسیار بیشتر از گذشته شده و چون ارتباط شرکت‌های دانش‌بنیان با دانشگاه‌ها بسیار نزدیک است می‌توان گفت با یک واسطه این همکاری به‌نوعی بین صنعت و دانشگاه شکل گرفته است.وی افزود: خدمات‌دهی خوبی از این طریق به واحدهای صنعتی در حال انجام است به‌ویژه در صنعت خودرو، زنجیره تامین در حوزه مواد اولیه از همکاری و دانش این شرکت‌ها بهره می‌برد. او عنوان کرد: تغییر مواد اولیه و ساخت آنها و حتی مکانیسم‌های جدید در روش‌های تولید و جایگزینی قطعات جدید با قدیمی نتیجه این همکاری بوده است. وی یادآور شد: دانشگاه‌ها دارای اصول خاصی بوده و براساس برخی ضوابط، سرفصل‌های درسی خود را تدوین و تدریس می‌کنند. درحال‌حاضر هم که دانشگاه‌ها تعطیل هستند، صنعتگران نمی‌توانند از امکانات دانشگاهی بهره‌مند شوند؛ بنابراین به‌طور مستقیم ارتباط تنگاتنگی بین دانشگاه و صنعت به‌وجود نیامده است. رئیس انجمن قطعه‌سازان استان خراسان‌رضوی اظهارکرد: شرکت‌های دانش‌بنیان پل ارتباطی صنعت و دانشگاه هستند که می‌توان با آمادگی بیشتر به همکاری با آنها ورود کرد.شکورزاده با بیان اینکه طبیعی است دانشگاه‌ها با چند دهه فعالیت به این سادگی نمی‌توانند تغییر سیستمی داشته باشند، گفت: صنعت روش کار خودش را دارد که بیشتر اجرایی است و وابستگی زیادی به مسائل تئوری ندارد. درحالی‌که در دانشگاه‌ها با توجه به سرفصل‌هایی که دارند، بعد نظری برجسته است. به‌طور قطع، مسائل تئوری می‌تواند تاثیر زیادی در صنعت داشته باشد اما در بعد عملی شرکت‌های دانش‌بنیان موثرتر عمل خواهند کرد.

▣ دولت مشوق باشد

براساس ماده یک قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان مصوب ۱۳۸۹، شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان، با هدف هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه تشکیل شده‌اند. پیش‌تر هم شرکت‌های دانش‌بنیان وجود داشتند اما چرا صنعت از این ظرفیت موجود در کشور استفاده نمی‌کرد؟ شکورزاده در توضیح این موضوع گفت: اوایل انقلاب، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران به‌وجود آمد که تقریبا نقش شرکت‌های دانش‌بنیان کنونی را داشت. در این سازمان برخی از استادان درگیر کارهای تولیدی بودند و درباره مشکلات و چالش‌های فناوری به تحقیق و پژوهش می‌پرداختند. به‌تدریج از دل این سازمان، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان به‌وجود آمدند. وی اظهارکرد: سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران چون دولتی است، ملاحظاتی دارد اما شرکت‌های دانش‌بنیان عمدتا خصوصی هستند. ارتباط شرکت‌های دانش‌بنیان با صنعتگران، هم منبع درآمدی برای آنهاست و هم مشکلات فناوری واحدهای صنعتی رفع می‌شود.



محمدمهدی شکورزاده

در حوزه ارتباط صنعت و دانشگاه، شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند موثرتر عمل کنند

دانشگاهیان باید گام نخست را بردارند

نادر خلدی یکی از فعالان حوزه صنعت هم درباره ارتباط صنعت و دانشگاه در شرایط فعلی به صمت گفت: صاحبان بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی نمی‌توانند بدون تحرک و فعالیت بایستند. آنها همیشه در حال پیگیری امور تولید بوده و فرصت کمی برای برنامه‌های بلندمدت مانند ارتباط با دانشگاهیان داشته‌اند. علاوه‌بر آنکه موضوع را رد نمی‌کنند اما فرصت انجام آن را هم ندارند. از این‌رو دانشگاهیان باید برای این همکاری گام‌های نخست را بردارند. او افزود: آنها می‌توانند با پیشنهاد راهکارهایی که صنعتگر را زودتر و بهتر به نتیجه مطلوب تولید می‌رساند، او را تشویق و ترغیب به‌همراهی کرده و طرح‌های جدید با توجه به ایجاد ارزش‌افزوده بالاتر ارائه دهند.خلدی در توضیح این موضوع که تا صنعتگر اظهار نیاز نکند پژوهشگر چگونه می‌تواند کار را در راستای مشکلات صنعتی پیش ببرد، گفت: در حقیقت صنعتگر احساس نیاز نمی‌کند و به‌هر ترتیبی شده مشکلش را هنگام فعالیت رفع می‌کند. در این‌باره پژوهشگر می‌تواند پیشنهاد رفع مشکل با راهکارهای بهتر و نقشه راهی برای رفع چالش‌های موجود با صرف زمان و هزینه کمتر به صنعتگر ارائه دهد. او ادامه داد: در عصر حاضر با خریدهای آنلاین، دغدغه افراد کمتر شده است. رقابت و خدمات‌دهی فروشگاه‌های برخط سبب شده افراد خریدهای خود را از این طریق در مدت‌زمان کوتاه‌تر و با کیفیت بهتر انجام دهند. طراحی نرم‌افزارهای جدید برای حمایت از مشتریان را می‌توان به مشارکت صنعتگران و دانشگاهیان تسری داد. خلدی عنوان کرد: بیان این نکته هم ضروری است که گاهی صنعتگر ممکن است خود متوجه نیازی که دارد، نباشد، زیرا تولیدکننده به یک روند کاری روزمره عادت کرده است و تصور می‌کند فعالیت مورد نظر به همین اندازه انرژی و زمان نیاز داشته و امری طبیعی است. در این میان، این نخبه و پژوهشگر است که می‌توان با پیشنهاد راهکارهای بهتر او را هوشیار کند. از این‌رو معتقدم پژوهشگران باید برای خدمت به شرکت‌های تولیدی گام نخست را بردارند.

▣ کمک شتابدهنده‌ها به صنعت

در ادامه خلدی با اشاره به فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان گفت: در ایران به‌تازگی فعالیت‌هایی در این راستا در حال انجام است و شرکت‌های دانش‌بنیان که به شتابدهنده هم معروف هستند، گام‌های اولیه را برای همکاری برداشته و کارهای خوبی ارائه داده‌اند. این قطعه‌سازان یادآور شد: در این‌باره باید دولت هم به‌عنوان حامی ورود کند و مشوق‌هایی را برای دو طرف در نظر بگیرد. خلدی با بیان اینکه در جهان این شرکت‌های دانش‌بنیان هستند که پیشنهاد همکاری به صنعتگران می‌دهند، گفت: ایران هم با فاصله حدود ۴ دهه به این سو گام‌های مثبتی برداشته است. به‌عنوان مثال، دولت در کره‌جنوبی راهنمایی می‌کند که صنعتگر اسپانسر دانشجویان رشته‌های فنی‌مهندسی باشد و در مقابل دانشگاه هم خدمات فناوری به آنها ارائه دهد. به‌هر حال، سود برای هر دو طرف قرارداد ضروری است. وی ادامه داد: در ایران گاهی برخی کارخانه‌های بزرگ، خود مبادرت به تاسیس دانشگاه می‌کنند. بیشتر آنها چون خدمات تخصصی نیاز دارند؛ در نتیجه دانشگاه را با سرفصل‌های مورد نیاز خود تعریف و تاسیس می‌کنند. خلدی در پایان گفت: سیاست‌گذاری دولت می‌تواند به تداوم این ارتباط بسیار کمک کند. آگاهی‌دهی و بسترسازی از سوی دولت در این حوزه (تشویق و تقویت ارتباط صنعتگران با شرکت‌های دانش‌بنیان و دانشگاهیان) به رونق تولید انجامیده و درآمد دولت را در حوزه مالیات افزایش می‌دهد.



نادر خلدی

آگاهی‌دهی و بسترسازی از سوی دولت در حوزه ارتباط صنعت و دانشگاه، به رونق تولید می‌انجامد

نیازمندی‌های خارجی

علی جهان‌افروز، کارشناس حوزه صنعت درباره تعامل دانشگاه و صنعت به صمت گفت: ارتباط نداشتن دانشگاه و صنعت موضوعی گسترده بوده که مربوط به امروز و دیروز نیست. با آغاز نهضت داخلی‌سازی نباید انتظار داشت فاصله‌ای که محصول سال‌های متمادی است به این زودی پر شود. او افزود: سرفصل‌های دانشگاه‌ها بدون درنظر گرفتن نیاز صنعت نوشته می‌شود. امتیازی که دانشگاه برای استادان در رتبه‌بندی و ارتقای درجه در نظر می‌گیرد، چاپ مقاله برای نشریات بین‌المللی است، درحالی‌که شاید نیازهای امروز صنعت کشور، مربوط به موضوع‌های ۱۰ تا ۱۵ سال پیش کشورهای صنعتی بوده که موضوع روز ما است.

نوشته‌های استادان اگر قرار است در نشریه‌ای بین‌المللی منتشر شود، باید در راستای دانش روز جهان باشد؛ بنابراین نخست باید شرایطی در دانشگاه‌ها فراهم شود که استادان مایل باشند، روی مسائل ریز صنعت کشور مطالعه کنند.

او ادامه داد: ارتقای درجه اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها بر مبنای نیازهای جوامع پیشرفته تنظیم‌شده که هیچ ارتباطی با وضعیت فعلی صنایع کشور ما ندارد، زیرا چند سالی عقب‌تر هستیم. این فعال صنعت قطعه با بیان اینکه پژوهشگران و دانشگاهیان کشورهای صنعتی درباره نیازهای خود مطالعه می‌کنند، گفت: به همین دلیل صنایع از پروژه‌ها پشتیبانی مالی می‌کنند درحالی‌که دانشگاهیان ما پژوهش می‌کنند بدون اینکه زمینه مطالعاتی آنها ریشه در نیازهای صنعت کشور داشته باشد. به‌عنوان مثال، استاد خارجی در زمینه نانومتریال مطالعه می‌کند و صنایع هزینه پژوهش‌هایش را هم می‌پردازد، چون صنعتگران در حال استفاده از این مواد هستند؛ بنابراین نتایج پژوهش‌ها کاربردی است و تبدیل به ارزش مادی می‌شود. ایران هم در زمینه پژوهش نانومتریال رتبه‌دار است اما اینکه این پژوهش در صنعت داخلی چقدر کاربرد دارد و مورد استفاده قرار می‌گیرد، جای پرسش دارد اما پاسخ آن هیچ است.

جهان‌افروز با نقد رویکرد موجود در مطالعات دانشگاهی، افزود: افتخار ما در حرکت روی مرز دانش، خیلی برای صنایع داخلی کاربرد ندارد شاید به کار صنایع خارجی بیاید؛ البته این موضوع قطعی نیست، زیرا پژوهشگر و استاد ما با شرکت خارجی در ارتباط نیست که نیاز آنها را بداند. به‌احتمال زیاد، کسانی که مدرک دکترای خود را از خارج دریافت می‌کنند، در ادامه همان زمینه‌های مطالعاتی خود، در بازگشت به ایران موضوع را ادامه می‌دهند. از سوی دیگر، رشته‌ای مانند ریخته‌گری که صنایع زیادی در داخل از آن استفاده می‌کنند و رشد تولیدات در این حوزه زیاد است، در دانشگاه جایگاهی ندارد. وی در ادامه اضافه کرد: در نمایشگاه‌هایی مانند متالورژی یک نفر از دانشگاهیان برای بازدید از غرفه‌ها حضور ندارد و فقط خود صنعتگران از غرفه‌ها بازدید می‌کنند. درحال‌حاضر، رشته ریخته‌گری در زمینه متالورژی تبدیل به ۲ واحد دانشگاهی شده است. آنها می‌گویند، دانشجویان ترجیح می‌دهند در رشته‌هایی تحصیل کنند که بتوانند خارج از کشور ادامه تحصیل بدهند. این درحالی است که در کشورهای صنعتی در حوزه ریخته‌گری مطالعات زیادی نمی‌شود. همین امر باعث‌شده متخصص تربیت کنیم که برای کشورهای صنعتی مفید و کارآمد باشد. این فعال صنعت قطعه با بیان اینکه خدمات دانشگاه‌های ما نصیب خارجی‌ها می‌شود به‌ویژه اینکه بهترین دانشگاه‌ها در این‌باره وضعیت بدتری دارند، گفت: بیشترین صادرات افراد تحصیلکرده از سوی بهترین دانشگاه‌های کشور انجام می‌شود که باعث تاسف است.

▣ وظیفه چیست؟

جهان‌افروز در پاسخ به این پرسش که چرا صنعتگر برای نیازمندی‌های خود درخواست و پیشنهاد نمی‌دهد، گفت: بروکراسی اداری از زمانی که صنعتگر بخواهد پروژه‌ای را به دانشگاه بسپارد، از درخواست گرفته تا اجرا، فرآیندی انرژی‌بر و زمانبر است. درحالی‌که استادان کشورهای صنعتی در وقت آزاد به‌عنوان مشاور وارد فعالیت‌های صنعتی می‌شوند، پروژه‌ها را در ارتباط با واحدهای صنعتی تعریف می‌کنند و در دانشگاه طرح را پیش می‌برند.

در نسل چهارم دانشگاه عنوان می‌کنند این صنعتگر است که به دانشگاه سفارش تربیت نیروی انسانی متخصص خود را می‌دهد و با در اختیار قرار دادن آزمایشگاه‌های لازم از دانشگاه می‌خواهد که نیروهای مورد نیاز چند سال آینده‌اش را تربیت کند. این موضوع از سوی استادان آلمانی در یکی از نشست‌های داخلی عنوان شد. جهان‌افروز در این‌باره افزود: یکی از نقاط ضعف ما همین مسئله است. به‌عنوان نمونه، کشور در صنعت ریخته‌گری نیاز به مهندس متبحر دارد درحالی‌که این رشته در دانشگاه‌های کشور جمع شده و به‌ندرت در برخی دانشکده‌ها تدریس می‌شود. بیشتر دانشگاه‌ها به سوی موضوعات نانو و نانومتریال رفته‌اند درحالی‌که نیازهای کشور در حوزه‌های پایین‌تر بدون تکلیف مانده است؛ بنابراین در این حوزه این خود صنعتگر است که بار آنچه دانشگاه باید انجام دهد را به دوش می‌کشد. این فعال صنعت قطعه ادامه داد: کارخانه‌های صنعتی این امر مهم را در واحدهای تحقیق‌وتوسعه با جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و آموزش دوباره آنها انجام می‌دهند. او گفت: در گرایش‌های گوناگون رشته‌های صنعتی سرفصل‌ها باید با توجه به نیازهای صنایع بوده و پاسخگوی خواسته‌های صنعتگران باشد.

جهان‌افروز با بیان اینکه حتی در تربیت مهندس هم ضعف داریم، اظهارکرد: درست است کشور در حوزه تربیت مهندس رتبه‌دار است اما نیاز امروز ما تربیت مهندسانی است که بتوانند در واحدهای صنعتی کار عملی انجام دهند. او گفت: در گذشته برخی هنرستان‌های کشور متولی این امر بودند و با آموزش مهارت‌های عملی به دانش‌آموزان در ادامه آنها را به سوی دانشگاه‌ها هدایت می‌کردند؛ از این‌رو مهندس‌هایی کاربلد با مهارت‌های عملی تربیت و در کارخانجات گوناگون مشغول می‌شدند. درحال‌حاضر در این زمینه با وجود تاسیس دانشگاه‌های علمی کاربردی دچار ضعف شده‌ایم.این صنعتگر اظهار کرد: نیروی انسانی آموزش‌دیده در هنرستان‌ها در ادامه برای دریافت مدرک مهندسی تلاش می‌کنند وارد دانشگاه شوند. نظام آموزشی کشور در آموزش‌وپروش و آموزش عالی خیلی مناسب نیست و مدرک جایگزین تربیت افراد مفید و کارآمد شده است. او گفت: تربیت نیروی انسانی کاربلد دانشگاه را به صنعت نزدیک‌تر می‌کند و به این ترتیب، تعامل مورد انتظار به‌وجود می‌آید.این فعال صنعت قطعه گفت: معضل تعامل نداشتن دانشگاه و صنعت، بیماری مزمنی است. پیش‌تر که در دانشگاه تدریس داشتم در نهایت گفته شد باید حضور فیزیکی بیشتری در دانشگاه داشته باشم که به‌دلیل مشغله‌های صنعتی ممکن نبود و ناچار از فضای دانشگاه خارج شدم. این مسئله خود بخشی از معضل ما در ارتباط صنعت و دانشگاه است. جهان‌افروز در پایان بیان کرد: پیشنهاد می‌شود استادانی که در شرف بازنشستگی وقت آزادتری دارند، به‌عنوان مشاور در واحدهای صنعتی به‌کار گرفته شوند و از آنها خواسته شود، پروژه‌های صنعتی تعریف کنند و به این ترتیب این استادان سفیران دانشگاه در بخش صنعت باشند.



علی جهان‌افروز

استادانی که در شرف بازنشستگی وقت آزادتری دارند، به‌عنوان مشاور در واحدهای صنعتی به‌کار گرفته شوند

یادداشت



تضمین بازار برای دانش‌بنیان‌ها

سیدمحمد سیدجلالی
فعال حوزه دانش‌بنیان‌ها

شرکت‌های دانش‌بنیان در ساخت و تامین برخی قطعات از جمله «های‌تک»ها بسیار کمک‌کننده هستند. آنها در ساخت و تامین قطعاتی مانند حسگر اکسیژن، انواع حسگرهای فشار، دما و... که بخشی از آنها هنوز در ایران خودکفا نشده، می‌توانند نقش حامی دانشی داشته باشند. برخی شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی، نه‌تنها روی این قطعات، بلکه روی تجهیزاتی که برای ساخت این قطعات نیاز است مطالعه داشته و با مهندسی معکوس آنها را بومی‌سازی کرده‌اند.

در زمینه سخت‌افزاری ممکن است فردی با سرمایه‌گذاری دستگاه‌های مورد نیاز را وارد کند اما در کشور افراد متخصصی که بتوانند از این دستگاه‌ها استفاده و با آن کار کنند، خیلی کم هستند. در شرایط فعلی که مشکلات مربوط به نقل و انتقال پول تا حدود زیادی امکان واردات را از بین برده، فرصتی را در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان ظرفیت‌های موجود گذاشته تا به صنعت نزدیک‌تر شوند و تعامل بیشتری بین فعالان این دو حوزه به‌وجود آید. این محدودیت‌ها نوعی فرصت بود که صنعتگر را ناگزیر کرد از ظرفیت‌های داخلی استفاده کند. با این حال، نوعی حمایت معنوی نیاز است تا توانمندی‌ها به‌منصه ظهور برسد. ما به‌عنوان یک شرکت دانش‌بنیان هیچ انتظاری برای حمایت‌های مالی نداریم، اما برای فعالیت نیاز داریم تا سفارش‌گذاری از سوی شرکت‌های صنعتی انجام شود.تولیدکنندگان کاری به آنچه من دانش‌بنیان انجام داده‌ام، ندارند فقط اعلام می‌کنند اگر توان و ظرفیت و دانش مورد نیازش را در ساخت محصول خاص داریم، آن را اعلام کنیم درحالی‌که آزمون و خطا اجتناب‌ناپذیر است، زیرا تولید صنعتی امری نبوده که پیش‌تر من شرکت دانش‌بنیان در آن فعالیت داشته باشم. یکی از نکته‌های مهم در صنعت موضوع تیراژ تولید است. تقاضا باشد شرکت‌های دانش‌بنیان از تعامل و مشارکت استقبال می‌کنند.

اگر مراکز علمی به‌سوی تجاری‌سازی محصولات حرکت کنند، اما مصرف‌کننده به‌عنوان مثال با رفع تحریم‌ها با ۲۰سنت ارزان‌تر مبادرت به واردات کند (چون به‌طور معمول هر تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ای به فکر سود خود است)، تمام سرمایه‌های این شرکت‌ها از بین می‌رود. این با حمایت محصولات داخلی منافات دارد، زیرا این امر باید همیشگی باشد، نه فقط در شرایط سخت که تولیدکنندگان نهایی با مشکل روبه‌رو شده‌اند. در نتیجه الزام و تعهد به خرید باید در داخل وجود داشته باشد و با در نظر گرفتن یک بازه زمانی، شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند به تولید تجاری بپردازند.

یادداشت



ضرورت داشتن زبان مشترک برای همکاری

نادر فرخ
فعال حوزه صنعت

تولید با فناوری روز، ارزش‌افزوده بیشتری برای صنعت دارد. از این‌رو برخی از صاحبان بنگاه‌های اقتصادی مبادرت به راه‌اندازی دانشگاه‌های علمی‌کاربردی در جوار واحدهای صنعتی خود کرده‌اند؛ مراکزی که سرفصل‌های آن را خود با توجه به نیازمندی‌هایی که دارند، تعریف می‌کنند. از این‌رو امکان ارتباط بین مراکز دانشگاه و کارخانه بدون هیچ مانعی فراهم است. به‌طور قطع، این نوع مشارکت‌های علمی‌صنعتی باعث پربارتر شدن پروژه‌ها خواهد شد.

مشکلاتی در مسیر ارتباط بین صنعت و دانشگاه مانند نبود درک متقابل و تطبیق نداشتن نیازهای آموزشی و نیازهای صنعت وجود دارد که منجر به جدایی صنعت و دانشگاه شده، امید است هر دو طرف به یک زبان مشترک برسند و اعتماد کافی حاصل شود.

مشارکت نداشتن پژوهشگران و صنعتگران در امر تولید به علت‌هایی برمی‌گردد که نمی‌توان یک طرف را مقصر اعلام کرد. صنعت نیازمندی‌هایی دارد که باید از سوی دانشگاهیان با راهکار اجرایی دیده شود.

از سوی دیگر، پژوهشگران نیز برای مطالعه و تحقیق و ارائه راه‌حل‌های عملی نیاز به بسترهایی دارند که باید از سوی صنعتگران فراهم شود.

آگهی فراخوان عمومی شناسایی تامین کنندگان دستگاه حفاری
شرکت معدنی و صنعتی چادرملو
نوبت اول

شرکت معدنی و صنعتی چادرملو در نظر دارد نسبت به شناسایی و ارزیابی شرکت‌های واجد شرایط جهت تامین دستگاه‌های حفاری با شرایط ذیل دعوت به عمل آورد:
۱- دستگاه حفاری مغزه‌گیری تا عمق ۲۰۰۰ متر
۲- دستگاه حفاری مغزه‌گیری با عمق بیش از ۲۰۰۰ متر
۳- دستگاه حفاری RC با عمق بیش از ۲۵۰ متر
لذا ضروری‌است مستندات و مدارک‌ذیل حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ به آدرس ایمیل commercial@chadormalu.com ارسال گردد.
۱. اساسنامه و روزنامه رسمی
۲. آخرین آگهی تغییرات شرکت
۳. مشخصات فنی و کاتالوگ دستگاه
٤. گواهی مالیات بر ارزش‌افزوده
٥. گواهی نمایندگی انحصاری و خدمات پس از فروش
٦. ارائه توضیحات لازم درخصوص نحوه خدمات پس از فروش و تامین قطعات یدکی
۷. نحوه تحویل دستگاه‌ها در گمرک ایران و یا درب کارخانه تولیدکننده
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۲۱-۲۶۲۰۸۰۴۵ و ۰۲۱-۲۶۲۰۸۰۳۴ تماس حاصل فرمایند.

یادداشت

نگاه صنعت خودرو به دانشگاه



امیرحسن کاکایی
عضو هیات‌علمی دانشگاه علم و صنعت

همیشه درباره دانشگاه و صنعت و ارتباط آن صحبت‌های زیادی شده است. اما این دفعه می‌خواهم کمی در زمینه نگاه صنعت خودرو به دانشگاه و دانشگاهیان و عارضه‌یابی آن صحبت کنم. تحقیقات برای کاربرد در صنعت خودرو، کاری زمانبر و پرهزینه است. به‌عنوان مثال، یک فناوری اصیل در توسعه موتور، از ایده‌پردازی اولیه و تحقیقات تئوریک تا انجام آزمایش‌های کامل در آزمایشگاه‌های پیشرفته موتور دست‌کم ۱۰ سال زمان می‌برد. وقتی هم مشخص شد این ایده از نظر فنی کاربردی است، اگر ظرفیت تجاری‌شدن و تولید اقتصادی پیدا کند، از هنگامی که از سوی یک خودروساز یا مجموعه‌ساز پذیرفته شود تا زمانی که در یک خودرو به کار برود، دست‌کم بین ۵ تا ۱۰ سال زمان می‌برد. البته این زمان درباره ابعاد دیگر خودرو متفاوت است و به‌طور قطع زمان‌ها متغیر است. اما این موضوع قطعی است که زمان این مراحل بسیار طولانی است و امکان ندارد یک فناوری اصیل جدید مثلا طی ۲ سال روی خودروها کاربردی و همگانی شود. البته این در زمینه نوآوری‌های اصیل صدق می‌کند. وقتی یک فناوری از سوی خودروسازان بزرگ مورد استقبال قرار گرفت، اگر به اندازه کافی در دسترس قرار گرفت و کاربرد آن اقتصادی باشد، از سوی دیگر خودروسازان هم مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اما کاربرد دوباره از سوی دیگر خودروسازان هم زمانبر است و در موضوعی مانند موتور دست‌کم ۵ تا ۶ سال طول می‌کشد. کمترین زمان برای نوآوری برای کاربرد یک موتور جدید روی یک خودرو موجود است که حداقل ۱۸ ماه زمان می‌برد. مفهومی به‌نام کالیبراسیون حداقل کاری است که برای بکارگیری یک موتور موجود روی یک خودرو موجود برای نخستین‌بار مورد نیاز است. بماند که انجام چنین کار حداقلی نیز نیازمند صرف میلیاردها تومان هزینه است.

خودروسازی ما تاکنون مبتنی برای بازنگری و کپی‌کاری از روی خودروها و فناوری‌های موجود بوده است. حتی در همین کپی‌کاری، هر وقت نیازی به نوآوری بوده، تا حدود ۲۰ سال پیش از مشاوران خارجی که به فناوری مسلط بوده‌اند، استفاده می‌کرده‌اند. البته از حدود ۲۰ سال پیش با انجام چند کار جدید، از جمله تاسیس مرکز تحقیقات ایران‌خودرو، مرکز تحقیقات موتور ایران‌خودرو(ایپکو) و مرکز تحقیقات سایپا، کارهای اساسی در زمینه توسعه کاربرد فناوری و نه توسعه فناوری انجام شد. البته در جایی مانند ایپکو، پا را فراتر از این گذاشتند و توانستند برخی فناوری‌ها را هم توسعه بدهند و در زمینه طراحی موتور توان طراحی مستقل خودرو با فرض دسترس بودن فناوری‌ها در قطعات و مجموعه‌های مورد استفاده، پیدا کردند. بنابراین در این زمینه امروز دست صنعت خودرو کشور نسبت به زمینه‌های دیگر بازتر است. اما در بیشتر زمینه‌ها، از جمله الکترونیک خودرو، سیستم‌های تعلیق، اکسل، بدنه و مواد به‌کار رفته در آن، نور و نورپردازی، سیستم‌های مخابراتی و... تقریبا در نقطه صفر هستیم. حتی در زمینه‌ای مانند گیربکس تا همین یکی‌دو سال گذشته، هیچ کاری در زمینه توسعه فناوری در کشور رخ نداده بود. البته برای اینکه از انصاف دور نشویم باید یادآوری کنم که در بکارگیری فناوری‌ها و طراحی، توانایی‌ها رشد داشته است. به‌تازگی هم کارهایی در راستای توسعه کاربرد فناوری در گیربکس‌ها و دیگر زمینه‌های یادشده با عنوان نهضت داخلی‌سازی، از سوی دو خودروساز بزرگ انجام‌شده که همگی فعلا از نوع کار مهندسی کاربردی است و نه پژوهشی و توسعه فناوری. اما چرا این گونه است؟ پس این همه که دم از ارتباط صنعت و دانشگاه می‌زنیم، چه شده است؟

خودروساز و قطعه‌ساز هر وقت نیازی پیدا می‌کند و می‌خواهد قطعه یا محصول جدیدی که بازار لازم دارد به‌دست آورد، به‌دنبال فناوری تجاری شده است و وقت پژوهش دانشگاهیان و هزینه کرد برای پژوهش را، حتی برای درک فناوری ندارد، چه برسد به توسعه فناوری. البته از آنجا که خودروسازی و قطعه‌سازی ما که در بهترین حالت، یک صنعت پیرو بوده، همیشه شرکت‌های خارجی بوده‌اند که بتوانند فناوری مورد نیاز را فوری در اختیار قرار دهند. البته منظور از فوری، همان زمان‌های حداقلی در صنعت است. بدین ترتیب نظام دانشگاه و دانشگاهیان، هیچ‌گاه برای کارهای واقعی در صنعت مفید نبوده است. البته در برخی موارد مانند موتور، خوشبختانه کارهای تحقیقاتی زیادی در کشور شده که در جایی مانند ایپکو، جمع‌آوری شده و شرکتی مانند ایپکو، امروز با انباشت دانش و مهارت توانایی‌های بالایی پیدا کرده است. البته در این سال‌ها خروجی‌های انسانی دانشگاه‌ها مورد بهره‌برداری گسترده صنعت قرار گرفته است. در حال حاضر، سطح سواد در صنعت خودرو نسبت به دیگر صنایع بالاست و در خیلی از موارد لکوموتیو دیگر صنایع هستند. اما به‌طور قطع می‌توانم بگویم که پژوهش و استفاده از نتایج پژوهش‌های دانشگاهی در صنعت خودرو اصولا فراگیر نیست و آنچه داریم، عمدتا نمایشی و تشریفاتی است.

به‌تازگی هم با یک مشکل جدیدتر روبه‌رو شده‌ایم که خود ما دانشگاهیان مقصر اصلی آن هستیم. در حدود یک دهه اخیر، به‌دنبال توسعه مدرک‌گرایی در جامعه، با افزایش بی‌رویه دانشگاه‌ها و به‌ویژه افزایش بی‌پشتوانه ظرفیت در مقطع تحصیلات تکمیلی، عملا اخذ مدارکی مانند کارشناسی ارشد و دکترا، تبدیل به یک بازی لاکچری شده است. افراد در صنعت خودرو، از فضای کلی جامعه دور نبوده و با استفاده حداکثری از این فرصت تاریخی، شروع به ارتقای جایگاه خود در سازمان خود کردند، بدون اینکه نیاز واقعی مطرح باشد. خوب در چنین حالتی این متخصص، دیگر حرف‌های من معلم را گوش نمی‌دهند. متاسفانه این موضوع، رابطه دانشگاه و صنعت را خیلی پیچیده‌تر کرده و آینده بسیار تاریکی را پیش‌رو قرار داده است. توهم دانایی از نادانی بدتر است. ما امروز با تعدادی دانشگاهیان و صنعتگرانی روبه‌رو هستیم که به‌شدت توهم دانایی دارند. قبلا می‌دانستند که نمی‌دانند و هر وقت نیازی داشتند، دانشگاهیان را مورد مشورت قرار می‌دادند و در نهایت فناوری را از خارج کشور می‌خریدند. اما این روزها، با تصور اینکه می‌دانند، خود شروع به اقدام می‌کنند. نتیجه این روند، بسیار روشن است و من می‌ترسم آن را به تصویر بکشانم. به‌هرحال ارتباط صنعت و پژوهش هنوز برقرار نشده، به‌زودی به‌طور کامل قطع خواهد شد. آنچه باقی خواهد ماند مسئولانی با مدرک دکترا خواهد بود و نمایش‌هایی به‌نام ارتباط صنعت و دانشگاه. البته در صنعت افراد غیرتمند و اندیشمند زیادی وجود دارند و کار می‌کنند که امیدوارم جلوی این جریان خطرناک را بگیرند و نگذارند مدرک‌گرایی و نمایش‌ها ما را از مسیر توسعه واقعی مبتنی بر دانش دور کند.



عکس: صمت

ضرورت مشارکت علم (دانش) و ثروت (صنعت)

دانش می‌آید تا صنعت معنا پیدا کند

فاطمه امیراحمدی
editor@smtnews.ir

«علم بهتر است یا ثروت» یک سوال و شعار قدیمی که ممکن است هنوز هم در مواجه با آن نتوان پاسخ سریع و دقیقی داد. بسیاری معتقدند کسب علم، کسب ثروت را به‌دنبال دارد. هرچند این نظریه مخالفان خاص خود را هم دارد. با این همه، امروز در دنیای تولید و فناوری، کفه ترازوی «علم» سنگین‌تر شده، زیرا بسیاری از شیوه‌های تولید و تجارت از دل نظریه‌ها بیرون آمده است. هر تئوری و نظریه‌ای هم باید عملیاتی شود و این گاهی برخلاف آن چیزی است که در ایران اتفاق می‌افتد. حالا این سوال مطرح می‌شود که تولید علم چقدر به کمک صنعت آمده است؟ وقتی رضا امیرخانی (نویسنده) برای نوشتن یکی از رمان‌های خود سر از امریکا درمی‌آورد و از تجربه خود در این کشور پهناور می‌گوید، در جایی اشاره می‌کند که چگونه کلاس‌های درس برای نمونه جامعه‌شناسی، در وسط یک مرکز خرید یا به‌قولی بازار برگزار شده است؛ دیگر دانشگاه به معنای تجمیع دانشکده‌ها در یک جا با دیوارهای بلند و ورودی‌های سختگیرانه که باید با کارت شناسایی یا در نهایت با زور و اغماض یا از درهای فرعی وارد سرزمین مقدس آن شوید، نیست. یکی از نقش‌های برجسته عملکرد دانشگاه در صنعت است. محدودیت‌های بین‌المللی توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی را بیشتر کرده و با آغاز نهضت داخلی‌سازی انتظار است دانشگاه در سناریو تعمیق ساخت داخل و کاهش وابستگی‌ها بیشتر نقش‌آفرین باشد. برای ارتقای دانش فنی و توسعه در استانداردهای کیفی، ارتباط دانشگاه و صنعت در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا تعمیق ساخت داخل همراه با ارتقای دانش فنی و حرکت به سوی نوآوری و فناوری پایدار خواهد بود؟

چالش نقدینگی



ابوالفضل خلخالی

دانشگاه علم و صنعت که دارای دانشکده تخصصی در حوزه صنعت خودرو است را باید یکی از قطب‌های همکاری صنعت و دانشگاه به‌شمار آورد. این همکاری نه‌چندان پررنگ آغاز شده است. ابوالفضل خلخالی، مدرس دانشکده مهندسی خودرو دانشگاه علم و صنعت در این‌باره به صمت گفت: با توجه به اینکه در شرایط تحریم ناگزیر به داخلی‌سازی شده‌ایم، ممکن است این امر باعث شود دقت و کیفیت لازم در محصولات آن گونه که باید لحاظ نشود؛ تا امروز این گونه احساس نمی‌شود که خودروسازان یا زنجیره تامین آن، نیاز به این تعامل برای ارتقای دانش فنی و مطالعه در این حوزه را احساس کرده باشند که بخواهند در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند. وی افزود: این امر ملموس نیست که تولیدکنندگان برای داخلی‌سازی نیاز پیدا کرده باشند که به‌سراغ دانشگاه و دانشگاهیان بروند. خلخالی با بیان اینکه صنعتگران تا به حال هم تولید داشتند، گفت: مهندسی معکوس یک موضوع سهل‌الممتنع است. به‌عنوان مثال، تاکنون سازنده دیسک‌ترمز پراید را تولید می‌کرده، در نهضت داخلی‌سازی عنوان می‌کند، می‌تواند دیسک‌ترمز برلیانس را هم بسازد. این دو قطعه ممکن است در شکل شبیه یکدیگر باشند اما موضوع قابل اهمیت عملکرد آنهاست. برای رسیدن به عملکرد مورد نظر در دیسک‌ترمز برلیانس باید به‌طور دقیق نوع و ترکیب مواد اولیه و... محاسبه شود که تحلیل‌های مهندسی نیاز دارد. محل این تحلیل‌های مهندسی و... در دانشگاه است یا در بخش‌های مهندسی که با دانشگاه‌ها همکار و در ارتباط باشند. پیگیری موضوع در جهان برای ساخت قطعه‌ای مشابه همین گونه است. وی تصریح کرد: برداشت‌ها از رویکرد خودروسازان و زنجیره تامین آنها می‌گوید نیازی به این تعامل وجود ندارد. این مدرس دانشگاه با اشاره به امضای تفاهمنامه‌ای در این حوزه با انجمن قطعه‌سازان کشور، گفت: با امضای این تفاهمنامه قرار بود مراجعه صنعتگران به دانشگاه بیشتر شود، اما مسائل و مشکلات اقتصادی بزرگ‌ترین چالش آنها بوده که برای حل آن باید چاره‌اندیشی کرد. باید مرکزی برای تامین مالی و درآمد واقعی به‌وجود آید که به‌دنبال اجرای پروژه‌های اینچنینی باشد.

نقش پارک‌های علم و فناوری

خلخالی در ادامه چالش‌های موجود در تعامل صنعت و دانشگاه به مسائل فرهنگی اشاره کرد و گفت: اعتماد لازم بین صنعت و دانشگاه وجود ندارد. دانشگاه دید مثبتی به همکاران صنعتی خود ندارد و شاید همه استادان دانشگاه تمایل به همکاری صنعتی نداشته باشند. از سوی دیگر، بسیاری از صنایع کشور هم اعتقادی به فعالیت‌های علمی و دانشگاهی ندارند؛ بنابراین درباره داخلی‌سازی که با اراده ملی شکل گرفته، هنوز نمی‌توانیم بگوییم که کیفیت یا استانداردها براساس دانش روز جهان در حال پیگیری است، چون این مهم در تعامل با دانشگاه شکل می‌گیرد و این ارتباط هنوز به‌معنای واقعی به‌وجود نیامده یا اگر هم در برخی شرکت‌های دانش‌بنیان تعاملی وجود دارد، پایه‌های این همکاری محکم نیست. پارک‌های علم و فناوری به‌وجود آمدند تا پلی بین دانشگاه و صنعت باشند، اما خروجی برجسته‌ای از سوی این مراکز در صنایع داخلی ملموس نیست. خلخالی در پاسخ به این پرسش که روال معمول در کشورهای صنعتی چگونه است و در این حوزه پارک‌های علم و فناوری چقدر نقش‌آفرین هستند، گفت: روش‌های گوناگونی از تعامل در کشورهای صنعتی وجود دارد. یک مدل این است که شتابدهنده‌ها ورود کنند تا بتوانند در حوزه تامین مالی کمک کنند. مشکل ما در اولویت‌بندی‌هاست؛ از سرمایه‌گذار و شتابدهنده‌ها استفاده می‌کنیم اما کارهای در حال انجام، اولویت کشور و نیاز صنعت به‌شمار نمی‌روند. حتی در این مسیر سرمایه‌ها هم هرز می‌رود. به‌عنوان مثال، در صنعت خودرو که صنعتی پول‌ساز و یکی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور است، شتابدهنده و سرمایه‌گذاری ورود نمی‌کند، زیرا عنوان می‌شود خودروساز خودش سرمایه‌دار است. او افزود: در زمان تحریم در مدیریت منابع مالی باید دقیق‌تر باشیم و در گلوگاه‌های صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی تاثیرگذار در اقتصاد کشور، باید از شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه تجهیزات الکتریکی و تولید فرمان برقی، ECU (ای‌سی‌یو) و ترمز ABS (ای‌بی‌اس) استفاده کنیم. در این حوزه‌ها ساختار مناسبی برای پیوند سرمایه‌گذار و گروهی که دانش فنی در اختیار دارد، وجود ندارد. خلخالی در پایان گفت: حمایت‌های موجود از شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز شتابدهنده جزو اولویت‌های اصلی کشور برای صنعت خودرو نیست و نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر دارد.

به مشارکت اعتقادی ندارند



محمدحسن سعیدی

محمدحسن سعیدی، عضو هیات‌علمی دانشگاه صنعتی شریف درباره جدایی صنعت از دانشگاه به صمت گفت: در رشته‌های فنی مهندسی لازم است دانشجویان دوره‌های کارآموزی را طی کنند اما برنامه‌ای مدون و جدی از سوی دانشکده‌ها یا صنعت برای توسعه این ارتباط طراحی نشده، در حالی که موضوع مهمی است. وی افزود: فعالان صنعت، بهای لازم را به دانشجویان این رشته نمی‌دهند. بازدید دانشجویان و حضور در محل کار، دید دانشجو را کامل می‌کند و این در حالی است که مدرسان دانشگاه‌های فنی اصرار دارند ۲۴۰ ساعت درس عملی دانشجویان به‌وسیله یک سرپرست صنعتی مورد ارزیابی قرار گیرد. او اضافه کرد: حتی تورهای خارجی باعث می‌شود جهان‌بینی دانشجو نسبت به رشته‌ای که در حال تحصیل در آن است، شکل بگیرد و بداند کشورش در کجای این صنعت قرار دارد.

ضرورت تامین بودجه

عضو هیات‌علمی دانشگاه صنعتی شریف در عین حال از پیچیدگی‌های کار گفت و عنوان کرد: وقتی قرار است کارهایی با برنامه‌ریزی انجام شود به‌قول مولانا «پای استدلالیون چوبین بود، پای چوبین سخت بی‌تمکین بود» خواهد شد. وی تصریح کرد: از سویی این امر نیاز به‌حداقل بودجه در بخش پژوهش دانشگاه دارد، زیرا چنین مسائلی از دغدغه استادان مهندسی نیز است. سعیدی از تجربه نه‌چندان دور این دانشکده در بحث همکاری صنعت و دانشگاه خبر داد و عنوان کرد: اینترشیپ «Intern Ship» (همکاری صنعت و دانشگاه) در جهان در حال پیگیری است که در گذشته نیز چنین پروژه‌ای در شرکت مگاموتور داشتیم که براساس آن، استاد و دانشجو در طول یک هفته ملزم بودند یک روز حضور فیزیکی در این شرکت داشته باشند و به‌طور عملی، آموزش‌ها را دنبال کنند که نتایج بسیار خوبی به‌همراه داشت. وی توضیح داد: این روند برای ۶ ماه تا یک سال ادامه داشت و استادان به همراه دانشجویان خود، وارد خط تولید شده و کلاس درس را در محیط کار برگزار می‌کردند.

ظهور توانمندی مهندسان در خارج

چالش دیگر از نو نوشتن برنامه‌های هر بخش با تغییر مدیریت و بایگانی شدن کارهای قبلی است. استاد دانشکده مکانیک دانشگاه صنعتی شریف ادامه داد: اگر صنعتگران از این موضوع حمایت کنند و به شکل عملی وارد میدان شوند، به‌طور قطع دانشگاه از آن استقبال می‌کند، چراکه به‌دنبال این هستیم تا محصولی پربارتر و خروجی‌هایی داناتر داشته باشیم. او تاکید کرد: صنایع درگیر کار خود هستند و به این مهم توجه ندارند در حالی که دانشگاه مصرانه به‌دنبال این مسئله است. سعیدی در پاسخ به این پرسش که چرا درخواست‌ها از سوی گروه مربوط پیگیری نمی‌شود تا کارها زودتر به سرانجام برسد، عنوان کرد: اگر این مسئله دارای قانون یا مصوبه‌ای باشد که نوعی الزام را به‌وجود آورد، موضوع قابل پیگیری خواهد بود اما وقتی قانونی وجود ندارد، صنعت به همین راحتی نمی‌پذیرد، زیرا اولویت‌های خود را متمرکز بر مشکلات و برنامه‌های کوتاه‌مدت خود کرده است. این مدرس دانشگاه با تاکید بر اینکه این موضوع نیاز به برنامه‌ریزی ساختاری دارد و نگاه دوراندیشانه‌ای در این‌باره وجود ندارد، اظهار کرد: ادعای این سخن نیز این است که وقتی فارغ‌التحصیلان وارد کشوری می‌شوند و از آموخته‌های خود در بخش‌های صنعتی و پژوهشی آن کشور استفاده می‌کنند، می‌درخشند.

عملکردها شفاف شود



حمیدرضا تقی‌راد

حمیدرضا تقی‌راد، عضو هیات‌علمی دانشکده برق خواجه نصیرالدین طوسی درباره نقش مراکز علمی در تولید به صمت گفت: طراحی پلتفرم و تولید قطعات مورد نیاز آن سطوح مختلفی دارد. امروز اگر به خودروهای روز جهان نگاه کنیم، سطح هوشمندی این خودروها بسیار بالا رفته و تحولات اساسی را در این صنعت شاهد هستیم. او افزود: صنعت خودرو به‌دنبال آن قطعه کشور با وجود پیشینه ۴۰ ساله در امر مونتاژ از این نظر حتی از همتایان چینی خود عقب‌تر است. لازم است در این‌باره کمی به فضای پژوهش نزدیک شویم. این مدرس دانشگاه درباره تاثیر مطالعات و پژوهش‌ها در صنعت خودرو به نمونه‌هایی اشاره کرد و گفت: امروز بسیاری از خودروها پارک دوبل خودکار یا سرعت کروز خودکار دارند. پردازش تصویر و نیز راداری که در این خودروها وجود دارد از آسیب آنها جلوگیری می‌کند علاوه‌بر این، سیستم ترمز در تمام این خودروها نیز خودکار است. سامانه بازدارنده سرعت یا کروز کنترل، سامانه‌ای خودکار برای مهار سرعت در وسایل نقلیه است. این سامانه یک خودمهار کاری است که با کنترل جریان سوخت سبب پایداری سرعت می‌شود. تقی‌راد به پروژه‌های پژوهشی مراکز علمی کشور اشاره کرد و گفت: دانشگاه‌های داخلی به‌لحاظ مطالعاتی کارهایی در این زمینه‌ها داشته‌اند؛ درنتیجه دانشگاه‌ها به‌لحاظ پژوهشی کارهای زیادی در این حوزه‌ها انجام داده‌اند اما به‌دلیل شفاف نبودن همکاری‌ها، پیش‌تر ارتباطی پیوسته و مناسب بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با خودروسازی شکل نگرفت و طرح‌های پژوهشی در خود دانشگاه‌ها باقی می‌ماند و ظرفیت بازار موجود در داخل نیز از سوی سازندگان خارجی پر می‌شد.

تدوین پروژه‌های بازارمحور

تقی‌راد در ادامه اظهار کرد: امروز فناوری مانند مهندسی برق در محصولات خودرویی زیاد دیده می‌شود اما به‌دلیل نبود ارتباط در این زمینه خلأهایی در محصولات داخلی وجود دارد. وی افزود: در این زمینه پیشنهاد می‌کنم دانشگاهیان نگاهی به بازار داشته باشند و کارها و پروژه‌های پژوهشی خود را به سمت محصولات مورد استفاده صنعت سوق دهند. همچنین بر صنعتگران است از دانشی که در دانشگاه‌ها وجود دارد، استقبال کنند. وی تاکید کرد: گفتمان مستقیم بین صنعت و دانشگاه وجود ندارد و اگر ارتباطی باشد تنها از سوی اشخاص به‌شکل حلقه‌های محلی است. در سایر کشورها این گونه نیست و در کشوری مانند کره و حتی چین توسعه خودروسازی آنها مرهون فعالیت‌های پژوهشی مراکز دانشگاهیان است. یکی از چالش‌هایی که صنعتگر به آن اشاره می‌کند این است که اگر طرح خود را به مراکز علمی یا دانشگاهی سفارش دهد، در جاهای دیگر پخش می‌شود از این رو نمی‌توان اعتماد لازم را کرد. تقی‌راد در این‌باره اظهار کرد: این مسئله راه‌حل دارد و آن ثبت اختراع و حفظ مالکیت معنوی است. ثبت مالکیت اقتصادی طرح‌ها و ایده‌ها موجب خروج از این وضعیت برای آنها می‌شود. امروز به قانون کپی‌رایت اعتقاد نداریم و این گونه می‌شود که کپی کردن موردی شاید به نفع باشد اما در عمل به ضرر تولیدکنندگان دانش فنی کشور و در سطح کلان، صنعت تمام می‌شود. او گفت: معتقدم در صنعت نیاز وجود دارد و ایده در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد و در این بحث بسیاری از ایده‌هایی که مطرح می‌شود و در پروپزال‌ها می‌آید در جاهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته در نتیجه این سخن برعکس است و طرح‌ها و ایده‌های دانشگاهی است که در بخش‌های مختلف نشر داده می‌شود بدون رعایت حق مالکیت معنوی ایده‌پرداز. تقی‌راد ادامه داد: این وظیفه سازمان‌های قانون‌گذار و جامعه علمی و فرهنگی کشور است که این مسئله را به‌طور جدی پیگیری کند. چالش‌ها بسیار است. این مدرس دانشگاه برای برون‌رفت از این مسئله نیز پیشنهاد کرد: در این راستا باید دانشگاه‌ها یک گام به سمت نیازها جلو بیایند و صنعت نیز یک گام به سمت فناوری‌های نوین حرکت کند. نخستین گام راه را برای دو طرف هموار می‌کند؛ حداقل هموارتر از شرایطی که امروز در آن قرار داریم. سال‌ها این موضوع عنوان می‌شود اما هنوز اتفاق خاصی در این‌باره رخ نداده است. تقی‌راد گفت: کلید کار اقتصاد است. برای اینکه حیات دانشگاه‌ها حفظ شود باید این امر محقق شود و صنعت نیز برای اینکه ادامه فعالیت داشته باشد و بتواند وارد میدان رقابت شود باید به این سمت حرکت کند. او افزود: صنایع کشور از جمله خودرو و نیز مراکز آموزشی و دانشگاهی همچنان ارتزاق دولتی دارند و به استفاده از پول نفت عادت کرده‌اند و این نقطه آغاز ضعف‌هاست. البته معتقد نیستم این منبع باید به‌طور کامل قطع شود اما امروز بحث اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد درآمدها و خزانه‌ای که برای سازمان‌های مختلف وجود دارد، محدود است. اگر بازار فروش محصولات خود را به سایر کشورها گسترش دهیم می‌توانیم با فناوری روز حرکت کنیم زیرا تنها با استفاده از فناوری است که صنعت می‌تواند حیات خود را ادامه دهد. تقی‌راد تاکید کرد: مسیر سختی است و در این رقابت افراد زیادی ممکن است حذف شوند اما آنهایی که می‌مانند کسانی هستند که می‌توانند صنعت خودرو کشور را تغییر دهند.

سخن پایانی

بنابر این گزارش فقط در مقطعی در حوزه تدریس همکاری عملی بین صنعت و دانشگاه به‌وجود آمد و دانشجویان در فضای صنعتی واقعی چند ساعتی را آموزش عملی می‌دیدند. ادامه این روند می‌تواند در کنار فعالیت‌های پژوهشی در ارتباط صنعت و دانشگاه مفید باشد و دانش‌آموختگان با توجه به نیازمندی‌های موجود صنعت ملی آموزه‌های خود را فرا بگیرند. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد هر یک از دو طرف معامله (تولیدکننده و پژوهشگر) انتظار دارد دیگری برای همکاری، نخستین گام را بردارد، چون این امر، وزنه مالی را به سوی پیشنهاددهنده همکاری سنگین‌تر می‌کند. در حال حاضر با توجه مشکلات نقدینگی نه دانشگاه‌ها هزینه‌های پژوهش را می‌پذیرد و نه صنعتگر. این مسئله با توجه به نقش پررنگ دولت در حوزه مدیریت به‌دست نهادهای دولتی میانجی مانند سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) از زیرمجموعه‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت حل می‌شود.

آینده روشن معدن در دست دانشجویان

منیر حضوری
editor@smtnews.ir

در حالی که ارتباط معدن و دانشگاه از جمله موارد موردتاکید است، کارشناسان بر این باورند که به این مسئله چندان که باید توجه نشده است. تاثیرگذاری دانشگاه، دانشجویان و سازمان‌های دولتی در رشد معدن و اقتصاد کشور از مواردی است که دغدغه فعالان این حوزه است. روزنامه صمت به‌مناسبت روز دانشجو با فعالان بخش معدن گفت‌وگو کرده تا تاثیر دانش در توسعه معدنکاری را جویا شود. گزارش ما را بخوانید.

توسعه معدنکاری با کمک دانشگاه

علیرضا شهیدی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در گفت‌وگو با صمت با بیان اینکه کشور در تبدیل کانسار به معدن دچار ضعف جدی است، به اهمیت نقش دانشگاه در توسعه بخش معدن پرداخت و گفت: در ۱۰ سال گذشته معدن بزرگی از کشورمان کشف و ثبت نشده، از همین رو نیاز است که دانشگاه‌ها و مراکز علمی در این زمینه راه‌حل‌هایی ارائه دهند؛ به‌عبارتی آینده بخش معدن در گرو مطالعات علمی و در دست دانشجویان است.

شهیدی اظهار کرد: ایران یک درصد تولید آهن دنیا را در اختیار دارد، همچنین تولید سرب و روی در سال بیش از ۲۰ میلیون تن است که اینها نشان می‌دهد به اطلاعات پایه برای عملکرد خوب نیاز داریم.

او با اشاره به اقدامات سازمان زمین‌شناسی برای توسعه بخش معدن گفت: سازمان زمین‌شناسی چندین بار زمین را پایش و نقشه‌ها را آماده کرده است. برای اینکه شناختی از زیر زمین داشته باشیم، از سال ۸۱ به ژئوفیزیک هوایی روی آورده‌ایم. در این راستا خطوط پرواز به ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر رسیده و ۶۴۰ هزار کیلومتر خطی برداشت هوایی داشته‌ایم.

رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ادامه داد: در سال ۸۳ اطلس ملی نقشه‌های موضوعی زمین‌شناسی توسط سازمان منتشر و ظرفیت ۱۴ ماده معدنی بررسی شد. این اطلس تلفیقی از زمین‌شناسی، نقشه‌های زمین‌شناسی و سایر اطلاعات بوده و براساس مقیاس ۱۰ برابر دقت خود را افزایش دادیم. در دهه ۹۰ اکتشافات به میزان ۵۵۰ هزار کیلومترمربع و ژئوفیزیک هوایی در ۶۴۰ هزار کیلومتر طبق برنامه توسعه ششم برنامه‌ریزی و انجام شده است.


عکس: صمت

ایران یک درصد تولید آهن دنیا را در اختیار دارد، همچنین تولید سرب و روی در سال بیش از ۲۰ میلیون تن است که اینها نشان می‌دهد به اطلاعات پایه برای عملکرد خوب نیاز داریم

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به وضعیت اکتشاف در دنیا اظهار کرد: از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۶ در دنیا بسیاری از کانسارها تبدیل به معدن شده‌اند اما در کشور ما این مسیر بسیار طولانی شده و سال‌ها طول می‌کشد که این معضل باید رفع شود.

رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی به راهکارهای رفع این معضل اشاره و اظهار کرد: انجام اکتشافات عمقی را باید مدنظر قرار دهیم. در این زمینه برنامه‌ریزی‌هایی شده؛ به این صورت که باید ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار کیلومتر خطی ژئوفیزیک هوایی انجام دهیم که البته ۱۵۵ هزار کیلومتر مربع انجام شده و برای ادامه کار از آنجایی که توان ما بیش از این نیست به کمک بخش خصوصی نیازمندیم. او اشاره کرد: این اکتشافات با استفاده از روش‌هایی همچون ژئوفیزیک و ژئوشیمی، هیدروژئوفیزیک و حفاری اکتشافی انجام شده است.

اهمیت تغییر نگرش

منصور قربانی، استاد دانشگاه با اشاره به وضعیت دانشگاه‌های کشور به صمت گفت: ۱۱۰ موسسه علمی در حوزه معدن و زمین‌شناسی دانشجو تربیت می‌کنند که باید بررسی شود چه میزان از این آموزش‌ها کاربردی و عملیاتی هستند.

او ادامه داد: امروز دانشجویان علوم زمین و معدن باید اکتشاف کنند و در زمینه تولید و بهره‌برداری آموزش ببینند. در این بین انجمن علوم زمین دو محور همگرایی موسسات علمی و اهمیت به موضوعات اکتشافی را جزو رویکردهای خود قرار داده است. رئیس انجمن زمین‌شناسی ایران اظهار کرد: نگاه ما به بخش معدن اشتباه است، این در حالی است که درآمد ناخالص کشور در حوزه معدن می‌تواند از ۱۲ به ۲۲ درصد برسد و ظرفیت بیش از این را هم دارد. البته برای این کار اطلاعات پایه‌ای که سازمان زمین‌شناسی تهیه کرده، در سطح منطقه بی‌نظیر است. قربانی با بیان اینکه بسیاری از مطالعات و اقدامات در حوزه زمین‌شناسی از دهه قبل از انقلاب شروع شده، گفت: در ۳۰ سال اخیر در اکتشاف نفت و گاز در خاورمیانه رتبه اول را داشته‌ایم. میزان ذخایر قطعی نفت ما ۳۰ سال پیش حدود ۸۰ میلیارد بشکه بوده اما امروز این رقم به ۲ برابر رسیده است. او در ادامه با اشاره به ضعف در اکتشاف بیان کرد: ذخایر بزرگ معدنی تا ۵ سال دیگر به پایان خواهد رسید و پروژه‌های فعلی بخش معدن نیز کوچک هستند. در حالی که در احداث تونل، جاده و اتوبان وضعیت خوبی داشته‌ایم، در حوزه معدن عملکرد مناسبی ارائه نداده‌ایم.

رئیس انجمن زمین‌شناسی گفت: هیچ سازمانی در کشور مرکزی که توان پیش‌بینی آینده را داشته باشد، راه‌اندازی نکرده است. حتی وزارت صنعت، معدن و تجارت هم مجله‌ای برای پیش‌بینی نرخ مواد معدنی ندارد. شرکت ملی نفت ایران هم بخش بالا و پایین‌دستی دارد که هر کدام فعالیت خود را انجام می‌دهند اما بخشی که آینده‌نگر باشد در آن احداث نشده است. این استاد دانشگاه عنوان کرد: ۵۰ درصد اقتصاد ما وابسته به زمین است و آنچه زمین‌شناسان باید به آن توجه کنند، افزایش صنعت معدنی در کشور با مدیریت صحیح و بهره‌برداری از ۶۸ نوع ماده معدنی موجود در کشور است تا بتوان در آینده در حوزه


علیرضا شهیدی


منصور قربانی

سخن پایانی...

کارشناسان بارو دارند کشور در تبدیل کانسار به معدن دچار ضعف جدی است و برای رفع این مشکل باید به نقش دانشگاه توجه کرد. باتوجه به اینکه در ۱۰ سال گذشته معدن بزرگی از کشورمان کشف و ثبت نشده، نیاز است که دانشگاه‌ها و مراکز علمی در این زمینه راه‌حل‌هایی ارائه دهند.

به‌باور کارشناسان امروز دانشجویان علوم زمین و معدن باید دست به اکتشاف زده و آموزش‌های لازم برای رشد تولید و بهره‌برداری را ببینند. در این بین انجمن‌های مختلف مثل انجمن علوم زمین می‌توانند به این روند کمک کنند.

خبر

افزایش اشتغال با پروانه بهره‌برداری

بررسی آمارهای نیمه نخست امسال به‌استناد پروانه‌های بهره‌برداری از معدن نشان می‌دهد برای ۲ هزار و ۵۴۱ نفر فرصت اشتغال ایجاد شد؛ ضمن اینکه در دوره مشابه سال گذشته این میزان ۲ هزار و ۵۹۸ نفر بود.

به گزارش ایرنا جداول آماری وزارت صنعت، معدن و تجارت مقایسه میزان اشتغال برپایه پروانه بهره‌برداری معدن در نیمه ابتدایی ۹۹ نسبت به ۹۸ افت ۲.۲ درصدی را نشان می‌دهد. ضمن اینکه بحران کرونا در سال ۹۹ همه مشاغل را تحت تاثیر قرار داد.

رشد ۳۵.۷ درصدی سرمایه‌گذاری اکتشاف برپایه آمارهای مورد بررسی در نیمه نخست امسال هزینه عملیات اکتشاف به رقم ۵۷۴.۹ میلیارد ریال رسید که نسبت به ۴۲۳.۵ میلیارد ریال عملکرد نیمه ابتدایی پارسال افزایش ۳۵.۷ درصدی را ثبت کرد.

اشتغال مجوزهای صادره (فصلی)

برابر آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت فصل تابستان نسبت به بهار امسال مجوزهای اشتغال از رشد ۲۱.۵ درصدی برخوردار شد.

فصل تابستان برای اشتغال هزار و ۳۹۴ نفر مجوز صادر شد که بیشترین آن سهم تیر با ۵۶۰ نفر بود، مرداد به ۵۲۹ نفر رسید، اما شهریور کمترین میزان در ماه‌های تابستان را با ۳۰۵ نفر به خود اختصاص داد.

علاوه براین در فصل بهار امسال مجموع مجوزهای اشتغال هزار و ۱۴۷ نفر را نشان داد.

آمارهای وزارتخانه یادشده گویای آن است که ۵ هزار و ۶۰۰ معدن فعال در سطح کشور وجود دارد و از این رقم به‌طور متوسط سالانه ۴۰۰ میلیون تن مواد معدنی استخراج می‌شود که ۶۰ تا ۶۵ درصد آن مصالح ساختمانی است.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

نوبت اول
شماره مجوز: ۱۳۹۹.۵۱۱۱

شرکت مجتمع گاز پارس‌جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه	مناقصه شماره R2-99/016 تقاضای شماره R2-4020499032-RK	
شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید کولرهای گازی پالایشگاه دوم مجتمع گاز پارس جنوبی	
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.	
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۲۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد. تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت وجه نقد، مبلغ نقدی می‌بایست به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۲۲۲۲۰۰۵ بانک ملی شعبه علویه کد ۷۷۲۵ بنام پالایشگاه دوم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارائه گردد.	
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال	
تاریخ گشایش پاکت‌های فنی	۱۳۹۹/۱۲/۱۴	تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط ۱۳۹۹/۱۱/۰۴
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۹/۱۲/۰۴	تاریخ گشایش پاکات مالی ۱۴۰۰/۰۱/۱۷
آدرس و تلفن مناقصه‌گزار	استان بوشهر، شهرستان عسلویه، شهر نخل تقی، منطقه ویژه انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه دوم (فازهای ۲ و ۳)	

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.TENDER.BAZRASI.IR - WWW.IETS.MPORG.IR و WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۳۱۳۹۸۹ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

«آگهی فراخوان»

شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

نوبت اول

ردیف	نوع فراخوان	شماره	موضوع	مهلت دریافت اسناد	مهلت ارائه پیشنهاد
۱	تجدید مناقصه	۹۹۰۱۴۹۱ R۲	عملیات تکمیلی لازم جهت راه‌اندازی آنالایزرهای دودکش فولادسازی به روش کلید در دست(EPC)	۱۳۹۹/۰۹/۱۹	۱۳۹۹/۰۹/۲۶
۲	مناقصه	۹۹۰۱۴۱۵	خرید ۳۰۰عدد رولیک نورد ۳۰۰	۱۳۹۹/۰۹/۱۹	۱۳۹۹/۱۰/۰۱
۳	مناقصه	۹۸۰۲۸۸۷	خرید گهواره پایینی بستر غلطک‌های میکسر	۱۳۹۹/۰۹/۲۰	۱۳۹۹/۱۰/۰۱

ضمناً لیست استعلام‌های مربوط به خریدهای متوسط (بدون برگزاری مناقصه) در سایت شرکت به آدرس ذیل درج می‌گردد.

سایر موارد:

۱- **زمان دریافت اسناد:** از تاریخ نشر آگهی نوبت اول تا پایان ساعت اداری مهلت دریافت اسناد (مندرج در جدول)

۲- جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس www.esfahansteel.ir مراجعه فرمایید.

روابط عمومی ذوب‌آهن اصفهان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شماره مناقصه: ۱۳۹۲۴۳

شرکت فولاد هرمزگان جنوب

موضوع مناقصه: خدمات نگهداری و توسعه خدمات سخت‌افزاری و شبکه کامپیوتری و نظارت تصویری در شرکت فولاد هرمزگان جنوب

مدت قرارداد: ۱۲ ماه از تاریخ ابلاغ

مناقصه‌گزار: شرکت فولاد هرمزگان جنوب

نحوه دریافت اسناد: کلیه متقاضیان با ارسال اسناد ذیل به ایمیل hakimi.s@hosco.ir و یا فکس ۰۷۶-۳۳۵۳۰۱۴۵ می‌توانند نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند:

۱- واریز مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه مرکزی هرمزگان، به نام شرکت فولاد هرمزگان جنوب بابت خرید اسناد مناقصه

۲- نامه اعلام آمادگی که در آن ایمیل رسمی آن شرکت به همراه شماره تماس کارشناس مربوطه ذکر شده است. لازم به ذکر است تمامی مکاتبات، اطلاعیه‌ها و اصلاحات از طریق ایمیل مذکور به مناقصه‌گران اعلام خواهد گردید.

توضیحات:

۱- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۲،۰۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیارد و پنجاه میلیون) ریال

۲- **نوع تضمین:**

الف- ضمانتنامه بانکی به نفع کارفرما: مدت اعتبار تضمین بانکی حداقل سه ماه بوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

ب- فیش واریز وجه نقد معادل مبلغ ضمانت‌نامه به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه مرکزی هرمزگان

ج- مطالبات حال شده از شرکت فولاد هرمزگان جنوب با تائید امور مالی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

۳- شرکت‌کنندگان ملزم به ارائه پروانه فعالیت خدمات افتا (خدمات فنی یا عملیاتی) و گواهی صلاحیت ایمنی از سازمان تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشند.

ج) **جدول زمانی انجام مناقصه:**

آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکات	تاریخ گشایش پاکات الف و ب
۹۹/۰۹/۲۳	۹۹/۱۰/۰۱	۹۹/۱۰/۰۲

نکته۱: ملاک مهلت برای دریافت اسناد از مناقصه‌گزار، تاریخ فیش واریزی می‌باشد.

نکته۲: تاریخ بازگشایی پاکات ج متعاقبا اعلام خواهد شد.

متقاضیان برای آگاهی بیشتر به سایت www.hosco.ir مراجعه و یا با شماره ۰۷۶-۴۴۸۴۳۲۱۴ (امور قراردادها) تماس حاصل فرمایند. قابل ذکر است که هزینه‌های چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

آگهی مناقصه عمومی ۹۹/۱۰

سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان

دستگاه مناقصه‌گزار: سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان

۱- **موضوع مناقصه:** طراحی و کاربری‌سازی ۸ دستگاه شاسی اسکانیا با شرایط مشخصات فنی مندرج در شرایط مناقصه.

هشت دستگاه شاسی‌های مورد نظر به تفکیک نوع کاربری‌سازی عبارت است از: پنج دستگاه شاسی جهت کاربری آتش‌نشانی اطفاییه فوق سنگین اسکانیا P410 با شاسی ۲۸ تن، دو دستگاه شاسی اسکانیا جهت بالابر هیدرولیکی تلسکوپی- مفصلی آتش‌نشانی ۴۲ متری و یک دستگاه شاسی جهت کاربری آتش‌نشانی امداد و نجات سنگین اسکانیا P410 با شاسی ۲۸ تن

تبصره: انجام موضوع مناقصه (طراحی و کاربری‌سازی ۸ دستگاه)، تماما به نفر برنده واگذار می‌گردد و وی ملزم است نسبت به کاربری‌سازی تمامی ۸ دستگاه به شرح موضوع مناقصه اقدام نماید.

۲- **زمان و محل دریافت اسناد مناقصه:** از تاریخ انتشار آگهی ، حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۳/۲۰) روز پنجشنبه مورخه ۹۹/۰۹/۲۷ مراجعه به سایت سازمان و یا دبیرخانه ستاد مرکزی سازمان واقع در اصفهان- میدان بزرگمهر- ابتدای خیابان سلمان فارسی

۳- **زمان ارسال پیشنهادات:** از تاریخ انتشار آگهی، حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۳/۲۰) روز پنجشنبه مورخه ۹۹/۰۹/۲۷

۴- **فروش اسناد مناقصه:** (دبیرخانه یا سایت سازمان) به مبلغ ۷۰۰،۰۰۰ ریال (هفتصد هزار ریال) و واریز به حساب شماره ۷۰۰۱۲۵۰۰۱۲۵۸ نزد بانک شهر شعبه چهارراه نوربارن اصفهان به نام سازمان

۵- سازمان در رد یا قبول هر کدام از پیشنهادات مختار است.

۶- تمامی پیشنهادات جهت تعیین نفر یا نفرات برنده **ساعت ۰۸/۰۰** روز **شنبه** مورخه **۹۹/۰۹/۲۹** در محل ستاد مرکزی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان واقع در میدان بزرگمهر ابتدای خیابان سلمان فارسی بازگشایی می‌گردد.

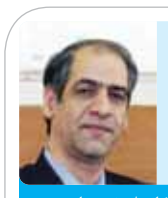
۷- واریز سپرده نقدی شرکت در مناقصه به حساب شماره ۷۰۰۷۸۶۷۲۹۰۳۱ نزد بانک شهر شعبه چهارراه نوربارن اصفهان به نام سازمان و یا ارایه ضمانت‌نامه معتبر بانکی با سررسید ۳ماه ماهه قابل تمدید تا ۳ ماه دیگر، به مبلغ ۲۱،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (بیست و یک میلیارد و چهارصد میلیون ریال) الزامی است. سایت مرتبط جهت اعلان آگهی WWW.isfahan.ir/atashneshani

تلفن: ۳۰-۳۲۶۴۷۶۲۰-۰۳۱ (داخلی ۲۳۴ پاسخگویی در خصوص شرایط عمومی مناقصه و نحوه ارسال مدارک، داخلی ۲۰۵، ۲۰۶ و همراه ۰۹۱۳-۲۱۰-۵۹-۹۳ آقای ایوبی پاسخگویی درخصوص مشخصات فنی)

سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان

یادداشت

دانش رمز ماندگاری صنعت



محمد کشانی/ عضو هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد

در دنیـای کنونی دانـش از الزامات اصلی فعالیت‌های بشری محسـوب می‌شود. نقش دانش در صنایع نیز به‌شـدت پررنگ اسـت چراکه در فقدان دانش، تولید میسر نمی‌شود. حتـی اگر بدون دانش فعالیـت تولیدی آغاز شـود، اقتصادی نخواهد بود و نباید به تداوم آن امید داشت.

دانـش زمینه ایجـاد فناوری‌هـای جدید را فراهـم می‌کنـد و از این منظـر در صنایع مختلف اهمیت می‌یابـد. در همین حال، دو عنصر دانش و فناوری به الزامات اولیه فعالیت صنایـع و تداوم تولید آنها تبدیل شـده‌اند و توسعه آنها ضروری به‌نظر می‌رسد.

توجه به دانش و به‌دنبال آن توسعه فناوری در کشور ما و در صنعت فولاد نیز مورد توجه قرار دارد تا جایی‌که به این موضوع در مباحث توسـعه‌ای افق ۱۴۰۴ نیز اشاره شده است. با این وجود، برای پاسـخ به این سـوال که آیا صنایع فولاد کشور همگام با فناوری‌های روز گام برمی‌دارند یـا خیر، باید انواع محصولات تولید شـده و روش تولید آنها را جدای از هم مورد توجه قرار داد.

اما می‌توان با استفاده از برخی شاخص‌ها به آسـانی دریافت صنعت فولاد ما درحال‌حاضر همراه با دانـش روز دنیا پیش نرفته اسـت. با ایـن وجود، اقدامـات خوبی بـرای بهبود دانـش و توسـعه فنـاوری در ایـن صنعت اجرایی شـده است. به‌عنوان مثال، در صنعت فـولاد ما ضریب مصرف انرژی در مقایسـه با اسـتانداردهای جهانی بالاتر اسـت. رفع این چالـش به فناوری‌های جدیـدی نیاز دارد. یا مصرف آب در صنعت فولاد کشور در مقایسه با کشـورهای اروپایی یا چین به مراتب بالاتر است.

بهینه کردن مصـارف در روند تولید فولاد، از اهمیـت ویـژه‌ای برخـوردار اسـت و بـه فناوری‌های جدید نیاز دارد.

بدون‌تردید بهره‌گیری از دانش روز جهان در قالب فناوری‌هـای نوین زمینه کاهش قیمت تمام‌شده تولید را فراهم می‌کند و بدین‌ترتیب از مزیت رقابتی در بخـش صادرات بهره‌مند خواهیم شد. در همین حال، سودآوری صنایع نیز به مراتب افزایش می‌یابد.

در این میان، کشـف دلایـل عقب‌ماندگی دانشـی کشـور در حوزه صنعت فـولاد گام نخسـت برای رفع آن اسـت. بخش عمده‌ای از این کاستی‌ها به‌دنبال تحریم و محدودیت در روابط بین‌المللی ایجاد شده است. به‌عنوان مثـال، پـس از برجام قـرار بـود طرح‌های توسـعه برخی شـرکت‌های فولادی کشـور همراه برندهای مطرح اروپایی اجرایی شـود امـا تحریم‌هـای مجدد ایـالات متحده علیه ایـران نقطه پایان این همکاری‌ها بود. درواقع بـا وجـود محدودیت‌های کنونـی در روابط بین‌المللی ما با سـایر کشورها، گویی درهای کشـور به روی ورود فناوری‌های جدید بسته شده است.

البتـه صنایع فـولادی در طول سـال‌های گذشـته تلاش کرده‌اند تا از این فرصت برای توسـعه دانش داخلی و بومی‌سـازی استفاده کنند. به‌عنوان مثال، شرکت فولاد خوزستان از چنـد سـال گذشـته مباحث بهـره‌وری مصـرف انـرژی، آب و حتی الکتـرود را آغاز کرد. اقدامات خوبی هم در طول این سـال‌ها اجرایی شـده است. اما هنوز با استانداردهای جهانی فاصله داریم و باید برای بهبود شرایط تلاش کنیم.

در سـند چشم‌انداز توسعه کشور نیز تولید ۵۵ میلیون تن فولاد هدف‌گذاری و بر مبنای آن سرمایه قابل‌توجهی به این زنجیره جذب شـده اسـت اما انتظار می‌رود بخشی از این سـرمایه‌گذاری به فناوری‌های جدید و تولید محصولات ویـژه اختصاص یابد. از جمله این محصولات ویژه می‌توان به اسلب‌های عریض فـولادی یا ورق‌هـای صنعت نفـت و گاز و قطعات آلیاژی اشاره کرد.

اگـر تولید محصولات ویـژه آنطور که باید مورد توجه نباشـد، صنعت فولاد ما در آینده مزیـت رقابتی خود را از دسـت می‌دهد. در همین حال ناچار خواهد بود برای تامین نیاز خود به محصولات پیشـرفته از واردات کمک بگیرد.

درحال‌حاضر جهان به سمت و سوی تولید محصولات جدید پیـش می‌رود؛ بدین‌ترتیب شـما از تولید محصولات جدیـد باز خواهید ماند.

در گفت‌وگو با فعالان صنعت فولاد مطرح شد:

در فقدان دانش محکوم به شکستیم

مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir



عکس: مهدی کاوه‌ای

مدیریـت دانش و اسـتفاده از نظام پیشـنهادات در صنعت فولاد اهمیت ویژه‌ای یافته اسـت، چراکه زمینـه افزایش راندمان تولید را فراهم می‌کند

در عصر حاضر، دانش‌محوری در اولویت سازمان‌ها قرار گرفته، تا جایی‌که از دانش با عنوان سـرمایه سازمانی یاد می‌شود. توجه به دانش در صنایع مختلف نیز مورد توجه قـرار دارد. از آنجـا که ایران در رده ۱۰ فولادسـاز بزرگ جهان جای دارد و در همین حال کشور ما از ظرفیت‌های ویژه‌ای برای توسـعه این صنعت برخوردار است، بنابراین دانـش تولید این فلز اسـتراتژیک از اهمیت ویژه‌ای برای ما برخوردار اسـت. هرچنـد تحریم‌هـای بین‌المللی در طول سـال‌های گذشته مانع ورود دانش تولید این فلز به کشور شده‌اند. در چنین شرایطی، تکیه بر دانش داخلی و بومی‌سازی فناوری‌های تولید اهمیت ویژه‌ای یافته است.

تحریم مانع ورود دانش

عزیـز قنواتی، مدیرعامل شـرکت فولاد آتیه خاورمیانه در گفت‌وگو با صمت تاکید کرد: یکی از پارامترها و عوامل موثـر در رقابت‌های صنعتی و تولیـد فولاد بهره‌گیری از فناوری‌های جدید جهان اسـت اما تحریم‌های بین‌المللی و انواع محدودیت‌هایی که در سال‌های گذشته بر فعالیت صنایع ما سایه افکنده، مانع ورود دانش به کشور شده‌اند. به بیانی ساده‌تر در شرایط تحریم امکان ورود فناوری‌های جدید به کشـور وجود ندارد. در چنین شرایطی، مدیریت دانـش و اسـتفاده از نظام پیشـنهادات در صنعت فولاد اهمیت ویژه‌ای یافته است، چراکه زمینه افزایش راندمان تولید را فراهم می‌کند. در همین حال، ضایعات را به‌شدت کاهش می‌دهد. به‌علاوه آنکه نقشی موثر در رشد کیفیت محصـولات نیز ایفـا می‌کند. بدین‌ترتیـب امکان رقابت محصولات فولادی ما با مجموعه‌های تولیدی که با دانش روز جهان همگام هستند، فراهم خواهد شد.

ایـن فعال صنعت فولاد در ادامه افزود: در دنیای کنونی شرکت فولادی که به دانش موثر خود توجه نکند، محکوم به شکسـت خواهد بود. یک شـرکت تولیـدی مانند یک موجود زنده اسـت؛ بنابراین باید در مسـیر فعالیت خود از متدهـای روز جهان و فناوری‌های نوین اسـتفاده کند. در ایـن میان، دانش نیز می‌توانـد کمبود نقیصه فناوری را جبران کند.

توسعه دانش، سرمایه‌گذاری بلندمدت

وی گفت: در شـرکت‌های بزرگی ماننـد فولاد مبارکه بهره‌گیری از دانش روز و تلاش برای توسـعه آن مشـهود اسـت. مدیریت دانش و تطبیق با فناوری‌های روز جهان در ایـن مجموعه فـولادی مورد توجه ویژه اسـت. البته تلاش برای توسعه دانش فرآیندی هزینه‌بر است؛ بنابراین آنچنـان در صنایع کوچـک مورد توجه قرار ندارد. فنواتی افزود: دانش نقش موثری در تولید محصولات پیشـرفته بـازی می‌کنـد. تفـاوت در کیفیت محصولات مشـابه از تفـاوت در دانش و فناوری بـه‌کار رفته در تولید آنها رقم می‌خورد. اگر بتوانیم از دانش روز جهان در مسـیر تولید محصولات اسـتفاده کنیم، بسیاری از کمبودها و نقایص برطرف می‌شـود. در همیـن حال، بهره‌گیـری از دانش روز در تولیـد فـولاد نه‌تنها در کیفیـت تولید محصولات اثرگذار اسـت، بلکه در همین حال به رشد راندمان تولید و بهره‌وری نیز منجر خواهد شـد. بر همین اسـاس، امید می‌رود مدیران شـرکت‌های فولادی به این اصل مهم که اسـتفاده از مدیریت دانش و همچنین دانش روز در تولید فولاد چه تاثیر شـگرفی بر روند فعالیت‌شـان دارد، توجه کنند. هزینه برای تولید دانش به منزله سرمایه‌گذاری در توسـعه یک صنعت است. در ادامه نیز باید دانش و تجربه ایجادشده ازسوی شرکت‌های مختلف به اشتراک گذاشته شود تا بدین‌ترتیب واحدهای صنعتی کشور بتوانند نقیصه پایین بودن فناوری را جبران کنند.



عزیز قنواتی



سیدمهدی نقوی

توسعه فناوری اجرایی می‌شود

سیدمهدی نقوی، معاون فناوری فولاد مبارکه اصفهان در گفت‌وگو با صمت و درباره اقدامات انجام‌شـده ازسوی این شرکت برای رشد دانش و توسعه فناوری گفت: شرکت فـولاد مبارکه اصفهان به‌عنوان یـک واحد ایجاد صنعت، طراحی شـده است. واحدی پیشتاز و سرآمد که به‌عنوان یک الگوی ملی بنگاهداری تعریف شـده؛ بنابراین طبیعی اسـت که فناوری‌های روز جهان در این واحد برای تولید فولاد به‌کار گرفته شده است.

وی افـزود: خوشـبختانه مـا ایـن مرحله را پشت‌سـر گذاشته و اکنون وارد فاز جدیدی شده‌ایم؛ یعنی به‌دنبال آن هستیم که با طراحی یک سیستم برای تحقق اقتصاد نسـل چهـارم، گام برداریم. فعالیت بـرای تحقق اقتصاد نسـل چهارم در ۴ حوزه دنبال می‌شـود. در همین راستا به‌دنبال کشـف مسیری هستیم که به‌واسطه آن، شرکت فولاد مبارکه همگام با یک شـرکت جهان‌تراز گام بردارد. بنابرایـن مفاهیمی مانند بهبود و ایجاد محصولات جدید، بهبود فرآیندها و تکنولوگ شـدن فـولاد مبارکه، تحول دیجیتال یا اقتصاد دیجیتال و اقتصاد چرخشی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نقوی خاطرنشـان کرد: برای هرکدام از موارد یادشـده راهکار و نقشـه راهی طراحی و فناوری‌های به‌کار رفته در شـرکت فولاد مبارکه مطالعه شده است. نقاط ضعف این مجموعه در مقایسه با نمونه‌های مشابه جهان شناسایی و به ۴ حوزه یادشده ورود کرده‌ایم.

طرح تحول دیجیتال

معـاون فناوری فـولاد مبارکـه افزود: شـرکت فولاد مبارکـه برای تحقق طرح تحول دیجیتال که نخسـتین و مهم‌ترین گام در اقتصاد نسـل چهارم به‌شـمار می‌رود، سلسله فعالیت‌هایی را ترتیب داده است. ایجاد مرکز تحول دیجیتـال با همکاری دانشـگاه تهـران و معاونت علمی و فناوری ریاسـت‌جمهوری، نخسـتین اقدام در این زمینه اسـت. خرداد ماه کلنگ سـاختمان این پـروژه به زمین زده شـد؛ امیـد داریم این پروژه در بهمن امسـال افتتاح شـود. در ادامه ره‌نگاشت مدونی را برای حرکت به سمت هوشمندسـازی این واحد عظیم فولادی تدوین کرده‌ایم؛ درنتیجـه امید مـی‌رود در افـق ۱۴۰۴، واحدی فولادی هوشمند در کلاس جهانی داشته باشیم.

سخن پایانی

بومی‌سـازی در کنـار دسـتیابی بـه دانش فولادسـازی زمینه توسعه پایدار صنعت فولاد را فراهم می‌کند؛ بنابراین باید به‌دنبال کشف حلقه گمشده تبدیل دانش به فناوری و سپس تبدیل فناوری به صنعت باشیم و آن را نهادینه کنیم.

حرکت بورس خلاف جهت بازار

با برگزاری جلسـات توجیهی درباره شـیوه‌نامه ساماندهی عرضه و تقاضای زنجیره فولاد بر اجرای هر چه سریع‌تر این شیوه‌نامه تاکید شد اما باوجود تمامی این موارد، باز هم شـاهد تخلف بورس کالا و فولادسـازان هسـتیم، به‌طوری‌کـه قیمت پایه عرضه شـمش فولادی از سـوی بـورس کالا برای معاملات روز سه‌شـنبه ۱۱ آذر با ۸۴۰ تومان رشد نسبت به هفته گذشته ۹ هزار و ۷۷۰ تومان اعلام شـد. به‌گزارش می‌متالز، ایـن پایه قیمت حتی از نـرخ معاملات میلگـرد در بازار نیز بالاتر اسـت. درحال‌حاضـر، قیمت میلگرد در بـازار ۱۰ هزار و ۲۰۰ تومـان معاملـه می‌شـود در حالی‌که قیمت شـمش فولادی درب کارخانه از سوی بورس کالا بـا لحاظ ۹ درصد مالیـات ارزش‌افزوده حدود ۱۰ هزار و ۷۰۰ تومان اعلام شـد و بدین‌ترتیب قیمت شـمش فولاد در بـورس کالا کیلویی ۵۰۰ تومان گران‌تر از میلگرد در بازار آزاد، قیمت خورد. با این وجـود، همچنان دلیل گران‌فروشـی بورس کالا و فولادسـازان در این شرایط مشخص نیست. البته کامـلا واضح اسـت که این گران‌فروشـی به قصد عرضه بی‌ثمر در بورس کالا و دریافت مجوز صادرات است و امید آن می‌رود مسئولان در وزارت صنعت، معدن و تجارت که برای رسـیدن به شـیوه‌نامه و اجرای آن ساعت‌ها وقت گذاشتند به موضوع ورود کرده و مانع گرافروشـی بورس کالا شـده و قیمت پایه را براسـاس نرخ‌های شیوه‌نامه تعیین کنند و با متخلفان برخورد قانونی داشـته باشـند، چراکه اگر قرار باشـد در بدو اجرای این شـیوه‌نامه شاهد شیطنت‌هایی باشیم، این شیوه‌نامه اجرایی نخواهد شـد. این رشـد قیمت پایه در حالی انجام‌شده که طبق شـیوه‌نامه در صورت عدم‌دریافت تقاضا برای محصولـی بایـد در هفته بعد بـا ۵ درصد کاهش قیمت عرضه می‌شـد. اگر با نرخ‌های سـی‌آی‌اس نیـز قیمت‌گذاری انجام می‌شـد بایـد رقم ۸ هزار و ۸۷۰ تومـان لحاظ می‌شـد که نسـبت به هفته گذشته کاهشی بود اما برخلاف توقع بازار و انتظار کاهش نرخ بورس کالا در حرکتی ناگهانی و بدون دلیل، قیمت پایه را نسبت به هفته گذشته ۹ درصد افزایش داد. این رشـد قیمت شـمش فولادی در بورس کالا که همه تولیدکنندگان پایین‌دسـتی را شـوکه کرده در حالی رخ داده که واحدهای القایی تولیدکننده شمش فولادی که هزینه تمام‌شده آنها بسـیار بالاتر از واحدهای ذوبی اسـت نیز در بازار شمش را با نرخ ۹ هزارو ۲۰۰ تومان می‌فروشند.

افزایش ارزش صادرات زنجیره آلومینیوم

بررسـی آمار تجـارت خارجی کشـور در ۷ ماه نخسـت امسـال در بخش معـدن و صنایع‌معدنی گویـای آن اسـت کـه ارزش صـادرات زنجیـره آلومینیـوم و محصولات آن بـا تحقق رقم ۱۰۱.۱ میلیون دلار، نسبت به مدت مشابه سال گذشته به رشد ۵۶ درصدی رسـید. به‌گزارش دنیای معدن، جـداول آمـاری گمرک جمهوری اسـلامی ایران حکایت از آن دارد که ارزش صادرات بخش معدن و صنایع‌معدنـی در دوره ایـن گزارش به رقم بیش از ۳ میلیـارد و ۴۹.۴ میلیـون دلار رسـید. بر پایه این بررسـی، صادرات حجمی زنجیره آلومینیوم و محصولات آن در دوره این گزارش ۶۱ هزار و ۱۴۷ تن ثبت شـد که نسـبت به دوره مشـابه در سال ۹۸ رشـد ۸۴ درصدی نشان می‌دهد. صادرات فلز آلومینیوم در ۷ ماه نخسـت امسال بالاترین میزان رشـد صادرات در بخش فلزات را نشـان می‌دهد، ضمـن اینکه تولیـد این فلز راهبـردی با فعالیت کارخانه شـمش در جاجرم (خراسـان شمالی) و سـاپکو (لامرد استان فارس) روند رو به رشد دارد. همچنین واردات زنجیـره آلومینیوم و محصولات هم در ۷ ماهه امسال به رقم ۱۰۲ و ۹۱ تن رسید، که در مقایسـه با سال گذشته ۱۰۲ درصد افزایش دارد و ارزش آن نیـز افزون بر ۱۵۴.۳ میلیون دلار بود که در مقایسـه با ۷ ماه نخسـت سـال گذشته ۱۱ درصد افزایش نشـان می‌دهد. بررسی کارنامه تجارت خارجی در دوره ۷ ماهه امسـال (فروردین تا پایان مهر) گویای آن است ارزش صادرات بخش معدن و صنایع‌معدنی به ۳ میلیارد و ۴۹.۴ میلیون دلار رسـیده کـه ۱۶.۷ درصـد از ارزش صادرات غیرنفتـی را به خود اختصـاص داد. برپایه جداول آمـاری تجارت خارجی کشـور مجمـوع صادرات بخـش معـدن و صنایع معدنی در ۷ ماه نخسـت امسـال از نظـر حجمی ۲۱ میلیـون و ۱۷۶ هزار و۹۲۱ تن را نشـان می‌دهد. گفتنی اسـت ارزش کل تجارت خارجی کشور در ۷ ماه نخست امسال بـه ۳۸ میلیـارد و ۲۷۸ میلیون دلار رسـید که با وجود کاهش ۲۳ درصدی در ارزش دلاری نسـبت به مدت مشابه سال قبل، در مقایسه با شهریور که ۳۴ درصد بود، حدود ۱۱ درصد بهبود یافته است. بررسی آمار تجارت خارجی کشور در بخش معدن و صنایع معدنی نیز گویای آن است که تراز به نفع صادرات کشور با رقم بیش از یک میلیارد و ۲۹۴.۷ میلیـون دلار رسـیده و پیش‌بینی شـده تا پایان امسال نیز در این بخش شاهد تراز مثبت باشیم.

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب استان گلستان

نوبت دوم
شناسه ۱۰۵۴۳۳۷

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

شـرکت آب و فاضلاب اسـتان گلسـتان در نظر دارد: تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پروژه‌های مشـروحه ذیل را از طریق سـامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه در تاریخ ۹۹/۰۹/۱۲ می‌باشد.

ردیف	موضوع تجدید فراخوان مناقصه	مهلت دریافت اسناد	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	زمان بازگشایی	ساعت بازگشایی	محل تامین اعتبار	دستگاه نظارت
۱	عملیات راهبردی و نگهداری شبکه و تصفیه‌خانه فاضلاب شهرهای کردکوی، بندرگز و ترکمن- تجدید	۹۹/۰۹/۱۷	۳۸,۱۱۱,۸۱۵,۱۸۸	۱,۲۳۳,۳۶۰,۰۰۰	۹۹/۱۰/۰۲	۸صبح	داخلی	معاونت بهره‌برداری و توسعه فاضلاب

مهلت تسلیم پیشنهادها: تا ساعت ۱۴ دوشنبه مورخ ۹۹/۱۰/۰۱
- فیزیک پاکت الف پس از بارگزاری در سامانه ستاد، در مهلت تعیین شده و لاک و مهرشده به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب گلستان تحویل داده شود.
نشانی کارفرما: استان گلستان، گرگان، میدان بسیج، سایت اداری، شرکت آب وفاضلاب استان گلستان
- به پیشنهادهای فاقدامضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد ازانقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
لذا پیمانکاران واجد شرایط دارای صلاحیت بهره‌برداری و نگهداری از تصفیه‌خانه و شبکه فاضلاب از شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۱۷۳۲۴۲۶۳۰۶(دفتر قراردادها) تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵
شرکت آب و فاضلاب استان گلستان

شرکت سدی و صنعتی گل‌گهر

آگهی تمدید مهلت تحویل پاکات مناقصه عمومی تجدید شده شماره ۹۹/۳۴/ع

بدین‌وسـیله به اطلاع کلیه شـرکت‌کنندگان در مناقصـه عمومی با موضوع "طراحی ،خرید ، نصب و راه‌اندازی سیسـتم اطفاء حریق گازی FM۲۰۰ دفاتر پایگانی به‌طور توأم و بصورت EPC" می‌رساند مهلت تحویل پاکات مناقصه از روز شنبه مورخ ۹۹/۹/۱۵ به روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۹/۲۵ موکول گردید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسـناد مناقصه بـه آدرس الکترونیکـی WWW.GEG.IR مراجعه و اسـناد مذکور را به همراه فرم پرسـشـنامه ارزیابـی تأمین‌کنندگان از قسـمت تأمین‌کنندگان و مشـتریان - مناقصه‌ها دانلود نمایند. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسـارت مختار می‌باشد.

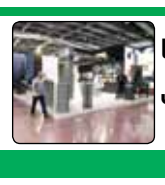
مدیریت قراردادها و معاملات
شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر

با ما
سبک زندگی اقتصـادی
را گسترش دهید
آخرین اخبار و تازه‌ترین تحلیل‌ها را در پایگاه خبری «گسترش‌نیوز» دنبال کنید
www.Gostaresh.news
Telegram.me/smtnews

گسترش
تجارت
شنبه
۱۵ آذر ۱۳۹۹
۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲
۵ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۱۶۷۴
پیاپی ۲۹۹۲



اصناف با بال دانش اوج می‌گیرند



چشم امید ما به ۱۴۰۰ است



زخم «ترال» بر پیکر دریا

مروری بر جایگاه دانش در اقتصاد و تجارت کشور

آیا دوره تجربه‌محوری گذشته است!



پیمان صفردوست: اقتصاد و تجارت یک علم است و همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند اما اینکه هر کس چه برداشتی از علم دارد و بر چه مبنایی آن را تعریف می‌کند، جای بحث دارد. عده‌ای علم را حاصل تحصیلات آکادمیک و حصول آن را در محیط‌های دانشگاهی ممکن می‌دانند و در مقابل گروهی بهترین معلم را تجربه می‌دانند و تجربه‌های عملی را به‌عنوان علم برمی‌شمارند. گرچه هر دوی این تعریف‌ها در جایگاه خود دارای ارزش است، اما به‌نظر می‌رسد نگاه به اقتصاد و تجارت در کشور ما روی کاغذ آکادمیک‌محور است اما در مقام اجرا مبتنی بر تجربیات فعالان و دست‌اندرکاران آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل نمی‌توان موضع واحدی در برابر آن اتخاذ کرد. اما به راستی در کشوری مثل کشور ما واقعا نگاه علمی به مقوله اقتصاد و تاثیر گذاری دانش در آن به حدی است که بتوان جایگاهی برای آن متصور بود؟ با توجه به نزدیک شدن به ۱۶ آذر و مطرح شدن نام دانش و دانشجو در این شماره صمت پرسش درباره جایگاه دانش در تجارت کشور را با کارشناسان اقتصادی کشور مطرح کرده‌ایم که پاسخ‌های آن را در ادامه می‌خوانید:

تولید دانش با صنعت همخوانی ندارد



حسین محمودی اصل - کارشناس اقتصاد و کارآفرینی: دانش در دنیای امروز مجموعه مدونی است که می‌توان در یک مدل تحقیقاتی به آن دست یافت یا از طریق پژوهش‌های میدانی و تجربه آن را کسب کرد و در هر دوصورت این عامل می‌تواند گام‌های مهمی در پیشبرد اهداف اقتصادی، صنعتی و تجاری کشور بردارد. البته دانش و همراهی آن با صنعت و تجارت در کشور ما با مشکلات فراوانی همراه است و به همین دلیل کارآیی لازم را در برآورده کردن انتظارات حوزه‌های کاربردی ندارد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما این است که دانش ما معمولا بومی نیست و تلاش چندانی نیز در بومی‌سازی آن با شرایط فعلی کشور نشده است؛ بنابراین وقتی از فضای دانشگاه و پژوهش به عرصه عملیاتی وارد می‌شوند، معمولا قابلیت‌های مطلوب را ندارند. به‌عبارت دیگر باید گفت دانشی می‌تواند برای تولید، صنعت و تجارت مفید باشد که از بطن واقعی تجارت و تولید برگرفته شده باشد. در حال حاضر خروجی‌های پژوهش‌ها و یافته‌های این بخش، در بسیاری موارد قالب کاربردی به خود نمی‌گیرند و به همین دلیل کمتر مورد استقبال اهالی صنعت و تجارت واقع می‌شوند. به همین جهت باید بستری در این زمینه مهیا شود تا اقدامات پژوهشی منطبق بر نیازهای صنعت، برآمده از دل آن و براساس یافته‌ها و داده‌های صنایع مربوطه شکل بگیرد تا قابلیت کاربرد و تعمیم به صنعت و سایر صنایع را به شکل مطلوب داشته باشد. آنچه که از رابطه کنونی دانش و حوزه‌های تولید، صنعت و تجارت کشور برمی‌آید این است که تا امروز این رابطه و تعامل آنچنان که باید و شاید مقبول و مناسب نبوده است. این موضوع به روشنی در اختلاف رتبه رشد علمی تک‌رقمی کشور در مقابل رتبه ۱۲۰ کسب‌وکار آن و همچنین وابستگی به درآمدهای نفتی به‌چشم می‌خورد. در واقع این عدم همخوانی نشان می‌دهد که بخش زیادی از علم تولیدشده یا قابلیت کاربرد در صنعت را ندارد یا مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. به‌طور حتم اگر صنعت کشور بتواند از دانشگاه و یافته‌های علمی آن به افزایش مناسب تولید، بهره‌وری و سودآوری برسد، فعالان اقتصادی و تجاری برخورد بهتری با این موضوع خواهند داشت. به بیان دیگر اگر همخوانی مطلوب بین دانش و صنعت ایجاد شود، صنعت برای همراه شدن دانش با محصول خود سرمایه‌گذاری می‌کند و در مقابل این سرمایه‌گذاری، راهکارهایی را دریافت می‌کند که در نهایت می‌تواند به سودآوری و بهره‌وری بیشتر در حوزه‌های مربوطه بینجامد. البته همانطور که گفته شد، این شرایط مطلوب زمانی ایجاد خواهد شد که بسترهای مناسب برای این کار در فضاهای دانش‌محور کشور ایجاد شود؛ اما وقتی دانشگاه‌های کشور ما خودگردان نیستند و توان ایجاد استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای سودآور را ندارند، چگونه بخش صنعت می‌تواند انتظار ایجاد تحول از دانشگاه‌ها داشته باشد. دانشگاه‌ها اگر قرار است گامی عملی در تولید و تجارت کشور بردارند، حتما می‌بایست به سمت ایجاد یک دانشگاه کارآفرین حرکت کرده و تجربه‌های علمی و عملی در حوزه‌های تخصصی خود را فراهم کنند تا بتوانند پشتیبان مناسبی برای صنعت کشور باشند.

نگاه ژنرال‌های اقتصادی اشتباه است



محمدرضا مودودی - کارشناس اقتصاد بین‌الملل: در نگاه کلی اقتصاد یک علم است، اما شرایط فعلی اقتصادی که گرفتار آن هستیم سبب شده بسیاری علم اقتصاد را ناکارآمد تلقی کنند که به‌نظر می‌رسد اتفاقا بسیاری از گرفتاری‌های اقتصادی امروز ما ناشی از این است که ما در طول این سال‌ها به این باور که اقتصاد یک علم است، نرسیده‌ایم و بیشتر تلاش کرده‌ایم با ابزار تجربه به این میدان بزرگ ورود پیدا کنیم. این پافشاری بی‌دلیل در این سال‌ها باعث شده ما وارد دور باطلی بشویم و اتفاقات تلخ حاصل از تجربه‌محوری را در طول این سال‌ها به‌صورت مداوم تکرار کنیم. اگر ما در این مدت به این موضوع نگاه علمی داشتیم و می‌توانستیم با مستندسازی و تحلیل این موضوع را پیش ببریم و نگاهی تطبیقی به موضوع تحریم‌ها داشتیم شاید امروز دوباره مرتکب اشتباهاتی نمی‌شدیم که در سال‌های اول دهه ۹۰ مرتکب آن شدیم. بحث دیگر در این باره این است که هرچه بیشتر پیش می‌رویم تاثیر دانش در توسعه اقتصادی باتوجه به پیشرفت فناوری و ضریب نفوذ آن پررنگ‌تر می‌شود. اگر در سال‌های نه‌چندان دور فعالیت‌های اقتصادی بیشتر مبتنی بر تجربیات انجام می‌شد، امروز با نفوذ و ورود دانش و فناوری در صنعت کشورهای مختلف دنیا، فعالیت‌های مبتنی بر رویکردهای دانش‌بنیان نقش مهمی در ایجاد بازارها و نفوذ در آنها بازی می‌کنند و در این میان کسانی که نتوانند خود را با دانش روز و فناوری‌های جدید هماهنگ کنند، به‌راحتی از این چرخه خارج می‌شوند و بازار خود را از دست می‌دهند. باید قبول کنیم که امروز سهم دانش در تولید، تجارت و اقتصاد بسیار جدی است و مدیریتی که نتواند خود را باتوجه به این موضوع به‌روز کند و بخواهد پرسش‌های امروز را با استدلال‌های دیروز پاسخ دهد، قطعا یک مدیریت شکست‌خورده خواهد بود. امروز نمی‌توانیم حوزه‌ای از اقتصاد را ببینیم که نقش دانش در آن کمرنگ باشد و این‌طور می‌توان گفت که امروز دوره تجربه‌محوری جای خود را به دانش‌محوری داده و نگاه سنتی به تجارت، مدیریت و توسعه اقتصادی به فراموشی سپرده شده است. وقتی در کشور ما موضوع دانش در مدیریت را فقط محدود به مدرک تحصیلی کرده‌اند و تلاشی برای بروزرسانی دانش و رویارویی با چالش‌های روز نمی‌کنند، مدام باید منتظر تجربیات تلخی در دوره‌های مختلف باشیم که هزینه آن از جیب مردم پرداخت می‌شود و در عین حال ضربه‌های مهلکی را به توسعه اقتصادی ما وارد می‌کند. در هر حال تجارت عصر حاضر دیگر نمی‌تواند مبتنی بر تجربیات باشد، اما به‌نظر می‌رسد حوزه‌های بالادستی هنوز به این باور نرسیده‌اند و می‌خواهند خود را با تکیه بر تجربه در این عرصه نگاه دارند. اگر نگاهی به چهره‌های حاضر در حوزه‌های کلان مدیریت اقتصاد کشور بیندازیم، متوجه می‌شویم که این افراد غالبا چهره‌های قدیمی هستند که برای اینکه صندلی مدیریتی خود را واگذار نکنند، همیشه این بهانه را می‌آورند که کشور امروز باتوجه به تحریم‌ها و مواجهه با اقتصاد مقاومتی، در شرایط بسیار خاصی است که جوانان به‌دلیل بی‌تجربگی نمی‌توانند از پس مدیریت آن برآیند و تجربه خود را تنها راه‌حل عبور از این تنگناها می‌دانند. اما واقعیت قضیه این است که اگر ما امروز، بعد از ۴ دهه در شرایط ناپایدار اقتصادی به‌سر می‌بریم و نارضایتی عمومی از این بخش به چشم می‌خورد و پروژه‌های مدیریت اقتصادی در همه ابعاد شکست خورده است، به‌دلیل مدیریت نامطلوب همین ژنرال‌های تجربه‌محور اقتصادی است که پشت میزهای مدیریتی نشسته‌اند. این افراد به‌دلیل اینکه اعتقادی به دانش روز در مدیریت اقتصاد و همچنین انرژی جوان ندارند، نمی‌توانند میزهای مدیریتی خود را به جوانان بسپارند و نکته تاسف‌بار در این موضوع این است که این افراد می‌خواهند باز هم با همان متدها و روش‌های شکست‌خورده قدیمی و نخ‌نما شده و تکراری وارد کارزار امروز اقتصاد شوند. نتیجه چنین رویکردی همین می‌شود که مدام به نقطه آغاز برمی‌گردیم و باز هم همان اشتباهات را تکرار می‌کنیم و باز هم نتیجه‌ای جز شکست نداریم. مدیران اقتصادی کشور اگر بپذیرند که اقتصاد، مدیریت و تجارت از جنس علم هستند و مدام در معرض به‌روز شدن قرار دارند، در دایره مدیریتی خود از افرادی استفاده می‌کنند که با دانش روز و فناوری‌های جدید آشنا هستند.

لجبازی نکنیم...

اقتصاد این روزهای کشور ما کشتی در دل توفانی است که اگر سکان آن زودتر به ناخدای آشنا به توفان سپرده نشود، ممکن است با بحران‌های بیشتر و غیرقابل جبرانی مواجه شود. اینکه چه شد ما با این همه ظرفیت‌های اقتصادی و توان بالقوه تجاری، به اینجا رسیدیم مهم نیست؛ کاری هم به این موضوع نداریم که ضربات داخلی بر پیکر اقتصاد ما تا امروز مهلک‌تر از تمام تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی بوده، اما در هر حال این کشتی ماست و غرق شدنش به نفع هیچ کدام ما نیست. اگر برنامه‌ای لازم است، بریزیم و اگر چراغی لازم است، روشن کنیم. باید از این توفان بگذریم؛ حتی اگر لازم باشد کلاه ناخدایی را به جوانان راه‌بلد بدهیم که با هزینه خود ما برای هدایت کشتی‌های گرفتار توفان‌شده تربیت شده‌اند.

پروژه ملی شیرین سازی و انتقال آب خلیج فارس به صنایع جنوب شرق کشور

معرفی پروژه

۱ احداث تاسیسات آب شیرین کن

این بخش از پروژه با هدف نمک زدایی سالیانه ۱۸۰ میلیون متر مکعب آب دریا در محل تاسیسات آب شیرین کن واقع در ۳۰ کیلومتری غرب شهرستان بندر عباس و در ساحل خلیج فارس و در قالب ۳ مدول انجام می شود

ظرفیت شیرین سازی	میزان انتقال به صنایع	آب اختصاص یافته به استان هرمزگان
۱۸۰ میلیون متر مکعب در سال	۱۳۰ میلیون متر مکعب در سال	۵۰ میلیون متر مکعب در سال

مدول اول این طرح به ظرفیت ۶۰ میلیون متر مکعب در سال آماده افتتاح می باشد

۲ احداث خطوط انتقال آب:

این بخش از پروژه شامل احداث ایستگاه های پمپاژ و ۸۲۰ کیلومتر خط انتقال آب از محل تاسیسات آب شیرین کن بندر عباس به صنایع منطقه گل گهر، مس سرچشمه و چادرملو در استانهای کرمان و یزد در قالب سه قطعه است. مشخصات هرقطعه به شرح ذیل است.



قطعه اول انتقال آب
این خط لوله به طول ۳۰۰ کیلومتر
از محل تاسیسات آب شیرین کن بندرعباس شروع شده و تا محدوده مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر امتداد دارد.

قطعه دوم انتقال آب
این خط لوله به طول ۱۵۰ کیلومتر
از محدوده مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر شروع و تا صنایع مس سرچشمه ادامه دارد.

قطعه سوم انتقال آب
این خط لوله به طول ۳۷۰ کیلومتر
از محدوده مجتمع مس سرچشمه شروع و تا صنایع فولادی چادرملو در استان یزد ادامه دارد.

آنچه که امروز شاهد افتتاح آن هستیم

بهره برداری مدول اول آب شیرین کن به ظرفیت ۶۰ میلیون متر مکعب در سال و قطعه اول خط انتقال آب به طول ۳۰۰ کیلومتر از بندر عباس به مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر با مشخصات ذیل

میزان سرمایه گذاری ارزی	میزان سرمایه گذاری ریالی	میزان اشتغال زایی در زمان اجرای پروژه	میزان اشتغال زایی در زمان بهره برداری
۳۰۰ میلیون یورو	۷,۲۰۰ میلیارد تومان	۸,۰۰۰ نفر به صورت مستقیم	۱,۲۰۰ نفر به صورت مستقیم



شرکت صدفی و صنعتی گل گهر
روابط عمومی و امور بین الملل

آرامش برای همه، اطمینان برای یک صنعت



نهادناظر صنعت بیمه به اقتضای اتفاقات روز حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی، برنامه‌های راهبردی خود را پیش می برد.
همه گیری ویروس کرونا حادثه کوچکی نبود که فعالیت‌های صنعت بیمه و بخش‌های نظارتی آن را با تغییراتی روبرو نکند.
آنچه در پی می آید گزارشی از عملکرد نهادناظر صنعت بیمه است که در کنار دستاوردهای ریز و درشت نه نیم نگاه بلکه نگاه عمیقی هم به مهار پیامدهای ویروس کرونا و کاهش تلفات روانی آن داشته و دارد.
گزارش مختصر زیر نگاهی دارد به عملکرد و دستاوردهای این صنعت:



شمای کلی صنعت

شرکت بیمه‌ایران در نقش تنها شرکت بیمه دولتی به همراه ۲۴ شرکت بیمه غیردولتی: آسیا، البرز، دانا، پارسیان، توسعه، رازی، کارآفرین، سینا، ملت، دی، سامان، نوین، پاسارگاد، معلم، میهن، کوثر، ما، آرمان، تعاون، سرمد، تجارت نو و حکمت صبا به همراه دو شرکت تخصصی بیمه زندگی به نام‌های: خاورمیانه و باران در سرزمین اصلی و ۶ شرکت بیمه غیردولتی: امید، حافظ، ایران معین، آسماری، متقابل کیش و متقابل اطمینان متحد قشم در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و نیز ۲ شرکت بیمه اتکایی امین و اتکایی ایرانیان فعالیت می‌نمایند.

بدین ترتیب، تعداد کل شرکت‌های بیمه در کشور به ۳۳ شرکت می‌رسد.

در سال ۱۳۹۸ همراه با گسترش شبکه فروش و خدمت‌رسانی بیمه، تعداد شعب شرکت‌های بیمه به ۱۳۱۷ شعبه در سراسر کشور، نمایندگان بیمه فعال به ۷۷،۲۰۸ نماینده جنرال (نمایندگان بیمه عمر به ۳۹،۲۵۸ نماینده فعال)، کارگزاران بیمه (اعم از حقیقی و حقوقی) به ۹۶۵ کارگزاری فعال و تعداد ارزیابان خسارت بیمه به ۶۵۲ ارزیاب فعال افزایش یافته است.

تعداد کل دفاتر ارتباطی شرکت‌ها یا کارگزاران بیمه خارجی فعال در کشور، در سطح ۶ مرکز باقی مانده است. علاوه بر این بیمه مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر صنعت بیمه و پژوهشکده بیمه به‌عنوان بال پژوهشی این نهاد در صنعت بیمه ایفاگر نقش خود برای سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر صنعت بیمه است.

عملکرد صنعت بیمه

حق‌بیمه تولیدی:

«بر اساس آمار سال ۱۳۹۸، مقدار حق‌بیمه تولیدی شرکت‌های بیمه مستقیم به حدود ۵۹/۱ هزار میلیارد تومان رسیده است که در مقایسه با سال گذشته حدود ۳۵/۸ درصد رشد نشان می‌دهد.

روند تغییرات حق‌بیمه تولیدی در کشور (به هزار میلیارد تومان)

«به لحاظ نقش شرکت‌های بیمه در بازار، سهم و وزن اصلی همچنان بر دوش شرکت‌های بیمه‌ایران و آسیا است که در مجموع ۴۱/۵ درصد از حق‌بیمه بازار را تولید کرده‌اند. در سال ۱۳۹۸، سهم بخش غیردولتی از حق‌بیمه تولیدی بازار بیمه به ۶۸/۶ درصد افزایش یافته است. همچنین میزان انحصار شرکتی در بازار بیمه بر اساس شاخص هرفیندال- هیرشمن (مجموع مجذورات سهم هر یک از شرکت‌های بیمه) در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته و به میزان ۱۳۴۶ رسیده است. این مقدار حکایت از نیمه‌متمرکز و شبه رقابتی بودن بازار بیمه کشور دارد اما چنانچه این میزان به زیر ۱۰۰۰ واحد برسد، بازار بیمه از نظر شاخص یاد شده کاملاً رقابتی و غیرمتمرکز خواهد بود.

حق‌بیمه سرانه

«در سال ۱۳۹۸، شاخص حق‌بیمه سرانه (نسبت حق‌بیمه تولیدی به جمعیت کشور) در مقایسه با سال گذشته ۱۵۷ هزار تومان افزایش یافته و به ۷۱۱ هزار تومان رسیده است. این شاخص طی پنج سال اخیر روند صعودی داشته به‌نحوی که نسبت به ابتدای دوره ۲/۵ برابر شده است.

ضریب نفوذ بیمه

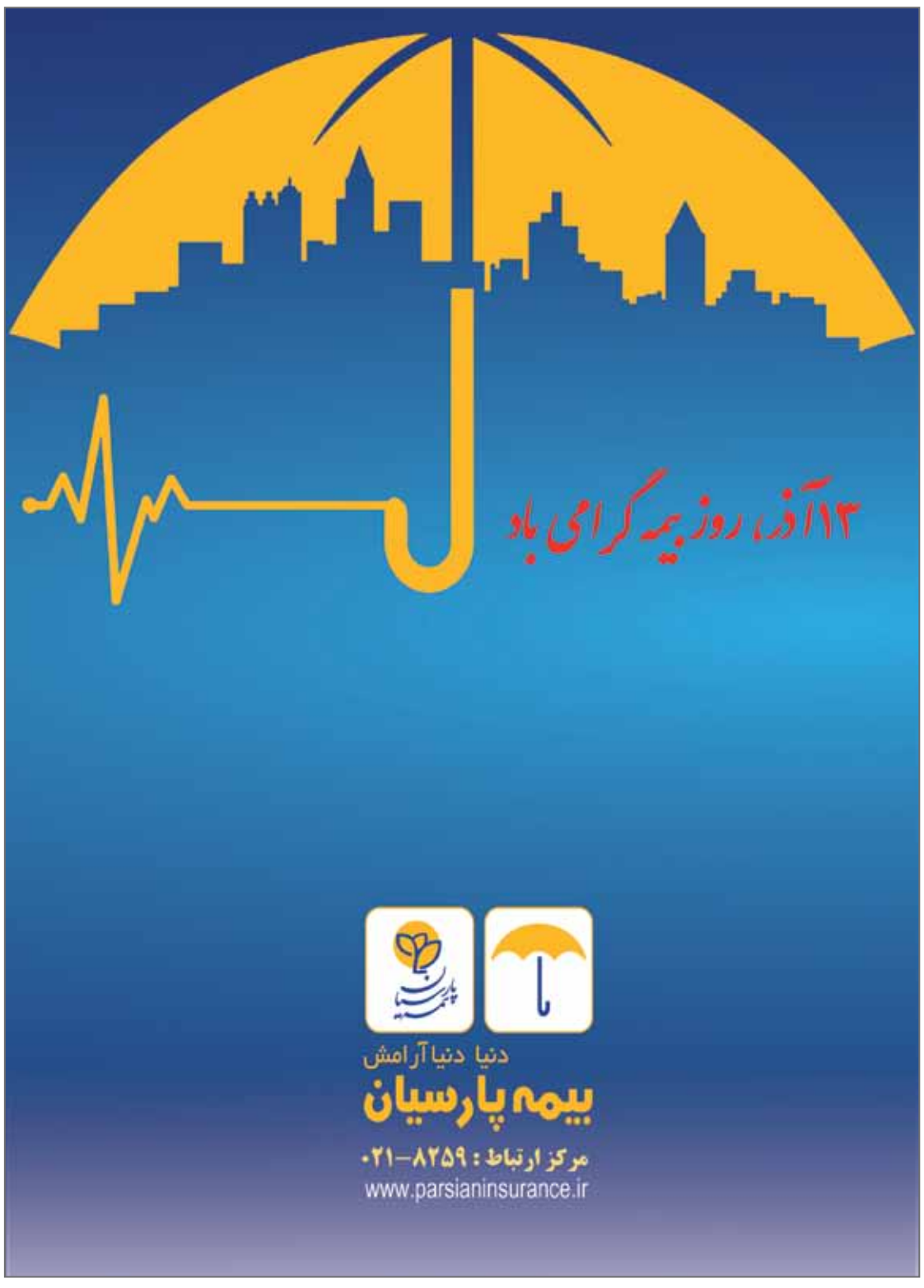
«ضریب نفوذ بیمه (نسبت حق‌بیمه تولیدی به تولید ناخالص داخلی برحسب قیمت جاری) برای سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) در حدود ۲/۵ درصد است. بدین ترتیب، شاخص مذکور طی پنج سال اخیر همواره از روند صعودی برخوردار بوده و نسبت به سال گذشته حدود ۰/۱ واحد افزایش نشان می‌دهد.

اگرچه میزان ضریب نفوذ بیمه در دنیا به‌مراتب از کشور ما بالاتر است (۲/۹ برابر در سال ۱۳۹۸) اما میزان این شاخص در کشور ما، به‌ویژه طی چند سال اخیر از سطح منطقه بالاتر رفته است (به‌طور نمونه در سال ۱۳۹۸، حدود ۰/۶ واحد بیشتر).

جایگاه کشور ما از حیث ضریب نفوذ بیمه در دوره پنج‌ساله اخیر، با ۱۱ پله صعود به رتبه ۵۱ در دنیا رسید و در منطقه با ۲ پله ارتقاء در مکان سوم ایستاد.

بیمه‌های زندگی

«حق‌بیمه تولیدی بیمه‌های زندگی بر اساس آمار سال ۱۳۹۸ حدود ۸/۷ هزار میلیارد تومان بوده است که در مقایسه با سال قبل ۳۷/۴ درصد رشد نشان می‌دهد. بررسی آمار این رشته در بازار بیمه حاکی از افزایش ۲/۵ واحدی در سهم از پرتفوی این رشته در مقایسه با ابتدای دوره پنج سال اخیر دارد. همچنین طی سال ۱۳۹۸ این میزان با ۰/۲ واحد افزایش نسبت به سال قبل به ۱۴/۷ درصد رسیده است.





ضریب خسارت

«ازآنجاکه به دلیل مقدماتی بودن آمار سال ۱۳۹۸ و عدم اعلام ارقام نهائی خسارات معوق و ذخایر حق‌بیمه‌این سال، محاسبه ضریب خسارت بازار بیمه کشور (حاصل تقسیم خسارت واقع شده به حق‌بیمه عاید شده) امکان‌پذیر نیست؛ لذا از نسبت خسارت (حاصل تقسیم خسارت پرداختی به حق‌بیمه تولیدی) به‌جای ضریب خسارت استفاده می‌شود.

بر این اساس، نسبت خسارت بازار بیمه در سال ۱۳۹۸ معادل ۵۶/۳ درصد است که ۷/۲ واحد در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته است. لازم به ذکر است در محاسبه نسبت خسارت، هزینه‌های صدور و کارمزد شبکه فروش و هزینه‌های اداری- عمومی شرکت‌های بیمه در نظر گرفته نمی‌شود.

علت اصلی کاهش نسبت خسارت طی سال ۱۳۹۸، عملکرد شرکت بیمه‌ایران است که با برخورداری سهم ۳۱/۴ درصد از حق‌بیمه‌های تولیدی و ۳۳/۹ درصد از خسارت‌های پرداختی بازار، نسبت خسارت خود را ۶/۸ واحد کاهش داده است.

* به دلیل مقدماتی بودن آمار سال ۱۳۹۸ و عدم اعلام ارقام نهائی خسارات معوق و ذخایر حق‌بیمه‌این سال، محاسبه ضریب خسارت بازار بیمه کشور امکان‌پذیر نیست؛ لذا از نسبت خسارت به‌جای ضریب خسارت استفاده‌شده است.

بررسی آمارها در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که نسبت خسارت ۱۱ شرکت بیمه: حافظ ۱۱۰/۱٪، رازی ۷۸/۳٪، میهن ۶۹/۱٪، امید ۶۸/۱٪، معلم ۶۳/۷٪، نوین ۶۱/۸٪، ایران ۶۰/۸٪، ملت ۶۰/۶٪، البرز ۵۹/۷٪، دانا ۵۷/۵٪ و سرمد ۵۷٪ بالاتر از سطح بازار بیمه (۵۶/۳ درصد) بوده است.

سهم بیمه‌های زندگی

«طبق آمار سال ۱۳۹۸، حق‌بیمه‌های رشته زندگی در کشور به حدود ۱/۷ میلیارد دلار رسیده و طی پنج سال اخیر ۱/۹ برابر شده است.

در سال ۱۳۹۸، همراه با رشد ۸/۸ درصدی کل حق‌بیمه تولیدی کشور (بر پایه دلار) در مقایسه با سال گذشته، رشد دلاری حق‌بیمه‌های زندگی نیز ۹/۸ درصد افزایش پیدا کرده است. این امر موجب شده که سهم بیمه زندگی در بازار بیمه به ۱۴/۷ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یابد.

سهم از پرتفوی بیمه زندگی در بازار بیمه، نسبت به ابتدای دوره پنج سال اخیر معادل ۲/۵ واحد افزایش نشان می‌دهد. این در حالی است که شاخص مذکور در مقایسه با بازار بیمه دنیا (به میزان ۴۶/۳ درصد در سال ۱۳۹۸) و بازار بیمه منطقه (با ۲۷/۴ درصد در سال مذکور) به‌مراتب پائین‌تر است.

مطابق آخرین آمارها، کشور ما بر مبنای حق‌بیمه تولیدی رشته زندگی طی پنج سال اخیر با ۳ پله صعود در منطقه جایگاه سوم را کسب کرده است. به‌علاوه، در رده‌بندی کشورهای دنیا از حیث تولید حق‌بیمه زندگی، جمهوری اسلامی ایران در مکان پنجاه و یکم قرار گرفته که نسبت به ابتدای دوره مذکور ۵ پله صعود کرده است.

برترین اقدامات بیمه مرکزی

- تاسیس صندوق بیمه حوادث طبیعی
- حذف نسخه فیزیکی بیمه‌نامه شخص ثالث در راستای اهداف دولت الکترونیک، اقتصاد هوشمند و کاهش مراجعات بیمه گذاران به شرکت‌های بیمه؛
- انعقاد قرارداد مازاد خسارت حوادث فاجعه‌آمیز (CAT) در رشته‌های آتش‌سوزی، مهندسی و پول در صندوق برای ۱۲ شرکت بیمه رازی، آرمان، دی، کوثر، میهن، سرمد، سامان، تعاون، سینا، کارآفرین، معلم و تجارت نو با راهبری بیمه مرکزی
- راه‌اندازی و تقویت سامانه نظارت و هدایت الکترونیکی صنعت بیمه موسوم به سنهاب
- اعطای مجوز تخصصی به شرکت‌های بیمه «خاورمیانه» و «باران» با تمرکز بر صدور بیمه‌های زندگی
- صدور مجوز برای ارایه ۱۶ محصول جدید بیمه‌ای
- ارزیابی ریسک واحدهای بزرگ صنعتی و غیرصنعتی
- تهیه تولید و انتشار «کتاب سالنامه آماری کشور» و «گزارش سالیانه لاتین»
- بررسی محاسبات ذخیره ریاضی و مشارکت در منافع بیمه‌های اندوخته دار
- برنامه‌ریزی برای تسهیل ورود استارتاپ‌های بیمه‌ای برای ارایه خدمات آنلاین
- بررسی کفایت ذخایر در رشته بیمه شخص ثالث
- طراحی و پیاده‌سازی نظام شایسته سالاری مبتنی بر مدیریت دانش در سطح صنعت بیمه
- طراحی و ایجاد آرشیو نظامند بیمه مرکزی ج.ا.ایران با قابلیت‌های مختلف:
- راه‌اندازی مرکز پاسخگویی تلفنی چهار شماره‌ای ۲۳۴۲
- گنجاندن ۱۱۵ مطلب بیمه‌ای در کتب درسی دانش‌آموزان و ارایه آموزش بیمه‌ای به دانش‌آموزان
- تهیه، تولید و پخش مجموعه تلویزیونی دور برگردون در شبکه سوم سیما با هدف کاهش تلفات جاده‌ای (۵۲قسمت)
- طراحی و راه‌اندازی سامانه یکپارچه نظارت بر بیمه‌های باربری و نظارت بر بیمه‌های آتش سوزی
- اعمال بیش از هشت مرحله بخشودگی حق بیمه مربوط به موضوع بند (ب) ماده ۲۴ قانون بیمه شخص ثالث (جرائم صندوق تامین خسارت‌های بدنی) درخصوص انواع گروه‌های خودرویی در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ترویج فرهنگ بیمه؛
- پرداخت مبلغ ۸،۲۶۰ میلیارد ریال به مراجع درمانی در جهت کمک به مقابله با شیوع بیماری کرونا.
- در دستور کار قرار گرفتن ایجاد مرکز ملی مدیریت ریسک و ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای در زمینه مدیریت ریسک به بخش‌های تولیدی به منظور ایجاد شناخت و نهادینه شدن امر مدیریت ریسک در فرآیندهای تولیدی

مهم‌ترین تقدیرنامه‌ها

- کسب رتبه نخست فاوای بیمه مرکزی در بین تمامی دستگاه‌های اجرایی
- برگزیده شدن طرح پیاده‌سازی نظام شایسته‌سالاری مبتنی بر مدیریت دانش در سطح صنعت بیمه به‌عنوان اقدام برجسته و برتر وزارت امور اقتصادی و دارایی در جشنواره شهید رجایی
- دریافت نشان توسعه فرهنگ بیمه به اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل بیمه مرکزی در هفدهمین دوره سمپوزیوم بین‌المللی روابط عمومی‌ها
- تقدیر از پدافند غیرعامل بیمه مرکزی در پروژه مانور ارزیابی برق دستگاه‌های اجرایی

بر اساس آمار سال ۱۳۹۸، مقدار حق‌بیمه تولیدی شرکت‌های بیمه مستقیم به‌حدود ۵۹/۱ هزار میلیارد تومان رسیده است که در مقایسه با سال گذشته حدود ۳۵/۸ درصد رشد نشان می‌دهد

نقش بیمه در سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر توسعه پایدار دولت‌ها

محمدصالح چیت‌گران
عضو هیات‌مدیره بیمه تعاون



دستیابی به توسعه پایدار به‌عنوان یکی از دغدغه‌های دولت‌ها سال‌هاست که توجهات را به خود جلب کرده است. تلاش‌های بین‌المللی جامع و مختلفی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به منظور ارتقای توجه به مساله توسعه، تدوین شده است؛ دولت‌ها نیز سیاستگذاری‌های داخلی خود را در راستای اجرایی کردن این راهبردها و برنامه عمل‌ها تنظیم می‌کنند. توسعه پایدار به‌عنوان یک راهبرد، موضوعات مختلفی را تحت پوشش قرار می‌دهد که علاوه بر پایداری زیست‌محیطی، پایداری در تولید و همینطور توسعه انسانی را نیز شامل می‌شود. رویکرد توسعه انسانی ایجاب می‌کند که دیدگاه مبتنی بر تضمین برخورداری از حقوق و آزادی‌های بشری به‌عنوان بخشی از سیاستگذاری‌های توسعه‌ای در نظر گرفته شود.

در این میان تضمین دستیابی برابر به حقوق اقتصادی و اجتماعی نقشی محوری خواهد داشت. رویکرد تضمینی در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تعهد دولت‌ها به اتخاذ اقداماتی با حداکثر منابع در دسترس و با رویکرد دستیابی تدریجی به کلیه حقوق مندرج در این میثاق، با استفاده از تمام ابزارهای مناسب استوار است. به عبارتی دولت‌ها نه‌تنها موظفند تا از اقدامات قانونگذاری برای تحقق این مهم استفاده نمایند، بلکه موظفند تا از کلیه ابزارهایی که برای دستیابی به این حقوق می‌تواند موثر باشد؛ بهره گیرند. در این میان سیاست‌های بیمه را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از ابزارهای مناسب دانست. این نهاد می‌تواند از یک سو در دستیابی به برخی از این حقوق اقتصادی و اجتماعی موثر باشد و از سوی دیگر می‌تواند زمینه برای حفظ این حقوق را نیز فراهم کند. هر چند ماده ۹ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق به تامین اجتماعی شامل بیمه اجتماعی را به‌عنوان یکی از حقوق افراد به رسمیت می‌شناسد، با این وجود به‌نظر می‌رسد لازم است تا نقش گسترده‌تری برای بیمه‌ها در نظر گرفته شود. بهره‌گیری از سیاست‌های بیمه‌ای مناسب می‌تواند زمینه در تسهیل دستیابی به برخی از دیگر حقوق اجتماعی و اقتصادی، همچون دسترسی به امکانات سلامت، توسعه اشتغال نیز موثر باشد. در عین حال توجه به برابری (به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی توسعه پایدار) مستلزم بهره‌گیری از تمام ابزارهایی است که به افزایش توانمندی اقشار ضعیفتر کمک می‌کند. در شرایطی که کشور با تحریم مواجه است و این امر بر اشتغال و توانایی برای دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار است، استفاده از هرگونه ابزار مناسب دیگری که می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای حفظ توانمندی افراد جامعه بکار گرفته شود؛ واجد اهمیت است. بیمه‌ها به‌عنوان یکی از این ابزارها می‌توانند ایفا نقش کنند؛ لذا لازم است تا پتانسیل‌ها و کارآیی این ابزار شناخته و خلاهای قانونی و مسیر دولت در ایران در ۸۵ سال گذشته از زمانی که نهاد بیمه را تاسیس شده است بررسی شود تا نقاط ضعف و قوت آن شناسایی گردد.





یادداشت

دانش باید در خدمت کسب‌وکار باشد



مجتبی بیگدلی/ رئیس انجمن انبوه‌سازان مسکن و ساختمان

نقش دانش در فضای کسب‌وکار و تولید کشور نقش بی‌بدیلی است که باید مورد توجه همه گروه‌ها قرار گیرد؛ اما نه دانشی که صرفا جنبه آکادمیک داشته باشد و محدود به فضای داخل کلاس و دانشگاه شود، زیرا این نوع دانش به‌دلیل درنیامیختن با شرایط واقعی و بومی در حوزه کسب‌وکار نمی‌تواند انتظارات را برای ارتقای سطح بهره‌وری در این حوزه برآورده کند.

ما نیازمند دانشی هستیم که بتواند دردی را از فضای کسب‌وکار جامعه درمان کند و به همین دلیل به دانشی نیاز داریم که رنگ و بوی کارگاه و میدان عمل داشته باشد. دانش باید در عرصه فعالیت‌های بدیهی و عینی خود را به محک بگذارد.

دانش صرف و کلاسیک که شرایط واقعی را تجربه نکرده، هیچ وقت نتوانسته در جامعه ما نیازهای حوزه‌های مختلف کسب‌وکار را برطرف کند. در واقع حلقه مفقوده چرخه کسب‌وکار کشور همین نبود ارتباط با دانشگاه است. دانشجوی ما باید در فضای واقعی تولید و صنعت قرار بگیرد و سمت و سوی این عرصه را درک کند.

دانشگاه‌ها باید به‌سوی فضاهای کسب‌وکار پیش بروند و افراد را برای ادامه مسیر کسب‌وکار تربیت کنند؛ شاخصی که در فضاهای دانشگاهی امروز ما با استانداردهای جهانی فاصله دارد، این درحالی است که برای دستیابی به موفقیت در توسعه، فضاهای دانشگاهی در خدمت ارتقای حوزه کسب‌وکار، تولید و صنعت هستند و باتوجه به نیازهای این حوزه‌ها شکل می‌گیرند؛ روندی که در کشور ما برعکس است و این تلقی وجود دارد که کسب‌وکار باید در خدمت فضاهای دانشگاهی باشند.

در کشورهای پیشرفته و کشورهای صنعتی، دانشگاه و واحدهای دانشگاهی بدون دلیل و قارچ‌گونه تعریف نمی‌شوند و نگاه مدرک‌محور وجود ندارد.

در واقع در این سال‌ها در کشور ما به‌جای اینکه دانشگاه محیطی برای تربیت افراد برای ورود به فضای کسب‌وکار باشد، خود تبدیل به کسب‌وکاری برای ارائه مدرک شده و دانش‌آموختگان نیز طعمه‌هایی برای رونق این بازار و درآمدزایی هستند. با این رویکرد نمی‌توان به کاربردی شدن دانش دانش‌آموختگان این مراکز برای ایجاد بهره‌وری در کسب‌وکار امید داشت.

اگر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه فضاهای دانشگاهی شکل گرفته، حتما باتوجه به نیاز آن کشورها و متناسب با فضای کسب‌وکار آنها شکل گرفته‌اند تا دقیقا در خدمت گلوگاه‌های کسب‌وکارها و توسعه تجارت و تولید باشند و مشکلات آن را حل کنند، اما متاسفانه در کشور ما رویه به این شکل نبوده و نیست.

ما از نظر ظرفیت‌های اقتصادی جزو ۲۰ اقتصاد برتر دنیا هستیم اما در عمل و موقعیت‌های بالفعل چه زمانی توانسته‌ایم به جایگاه خود دست پیدا کنیم؟!

ما در مراکز آموزشی کشور به‌جای حل مشکلات به خلق مشکل پرداخته‌ایم و یک سری دانش‌آموخته بدون هدف، بدون شغل و سردرگم را تحویل جامعه داده و این تراژدی بزرگ را در بازار کسب‌وکار کشور رقم زده‌ایم.

دانش اگر می‌خواهد خدمتی به جامعه انجام دهد باید در کنار محیط‌های کسب‌وکار و همراه با نیاز این حوزه حرکت کند و به‌جای رویکرد مارکتینگ باید به کارآفرینی مبتنی بر دانش بیندیشد و در این راستا حرکت کند.

برای رسیدن به این هدف نیاز است نگاه تصمیم‌سازان کشور در این حوزه تغییر کند و نگاه کارآفرینی به موضوع دانش در کشور وجود داشته باشد و از سوی دیگر فضای لازم و مناسب برای ایجاد موقعیت کارآفرینی در کشور باز شود.

کشورهایی که امروز در حوزه کسب‌وکار جزو اقتصادهای موفق محسوب می‌شوند، همه در دوره‌ای این تغییر رویکرد را تجربه کرده و در مسیر درست توسعه قرار گرفته‌اند و ما نیز اگر به‌دنبال موفقیت در حوزه کسب‌وکار هستیم باید با همین رویکرد وارد این کارزار شویم.

نگاهی به نقش رویکرد دانش‌محور در حوزه کسب‌وکار

اصناف با بال دانش اوج می‌گیرند

پیمان صفردوست
editor@smtnews.ir



طرح: آیدا فریدی

امروز وقتی از بازار کسب‌وکار و اصناف صحبت به میان می‌آید، به‌طور قطع تصویر یک حجره که چرتکه‌ای به دیوار آن آویزان شده و پیرمردی که پشت میز آن نشسته به ذهن متبادر نمی‌شود. کسب‌وکار امروز دنیا دیگر مبتنی بر مولفه‌های سنتی و قدیمی نیست و با معیارهای علمی روز منطبق شده است. فعالان کسب‌وکار حالا برای اینکه بتوانند خود را در چرخه تجارت و سودآوری حفظ کنند، باید به چندین هنر آراسته باشند و علوم و فنون شاخه تخصصی خود را بیاموزند.

اصناف کشور ما نیز باتوجه به تغییر و تحول ایجاد شده در حوزه اطلاعات اقشار مختلف جامعه، نیازمند این ارتقا و روزآمد شدن هستند و در برخی موارد می‌بینیم که حتی برخی صنوف و اتحادیه‌ها برای عقب نماندن از این تغییر و تحولات، واحدهای دانشگاهی و تخصصی نیز تاسیس کرده‌اند اما دو پرسش مهم در این زمینه این است که اولا چه درصدی از اصناف ما توانسته‌اند با این بروزرسانی‌ها همراه شوند و کسب‌وکار خود را به شکل دانش‌محور اداره کنند و ثانیا این دانش‌محور شدن تا چه اندازه در ایجاد بهره‌وری در اصناف ما موثر بوده است؟

روزنامه صمت به بهانه روز دانشجو این پرسش‌ها را با فعالان اصناف و کارشناسان این حوزه مطرح کرده که شرح آن را در ادامه می‌خوانید:

> کسب‌وکار امروز دنیا دیگر مبتنی بر مولفه‌های سنتی و قدیمی نیست و با معیارهای علمی روز منطبق شده و فعالان کسب‌وکار حالا برای اینکه بتوانند خود را در چرخه تجارت و سودآوری حفظ کنند، باید به چندین هنر آراسته باشند

راه زیادی در پیش داریم



جلال‌الدین محمد شکریه- نایب رئیس اول اتاق اصناف ایران: آموزش شاهراه بهره‌وری و موتور متحرکه عقلانیت، تفکر و دانش‌افزایی است.

این ۴ مبحث باعث می‌شود ما فعالان اصناف لحظه به لحظه خود را به علوم و دانش‌ها مجهز و تدبر را بر صنوف حاکم کنیم.

ما باتوجه به رشد فناوری و مراودات اجتماعی، اینترنت، ایجاد مشاغل جدید و ورود نیروهای تحصیلکرده جوان به عرصه تولید، توزیع و خدمات فنی چاره‌ای نداریم جز اینکه خود را به دانش روز مجهز کنیم.

نیل به این مهم از چند منظر قابل‌بررسی است:

می‌توانیم از ظرفیت‌های مجموعه فنی‌وحرفه‌ای کشور به‌صورت پودمان یا دوره‌ای استفاده کنیم که این موضوع هم درباره نیروهای جدید و هم درباره نیروهای شاغل و قدیمی می‌تواند در افزایش دانش کاربردی‌شان موثر باشد.

علاوه بر این می‌توان از ظرفیت‌های موجود در مجموعه دانشگاه جامع علمی-کابردی و حتی سایر دانشگاه‌های کشور برای این کار استفاده کرد و به آموزش فعالان در رسته‌های شغلی مختلف در قالب دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در کشور پرداخت.

همچنین می‌توان از ظرفیت پایان‌نامه‌های تحصیلی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا استفاده کرد. برای این کار اتاق اصناف باید در مواردی که به آموزش نیاز دارد، تفاهمنامه‌هایی را با دانشگاه‌های مختلف یا وزارت علوم امضا کند تا این پایان‌نامه‌ها برای مباحث علمی و آموزشی صنوف ما در بخش‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

در مقاطع پایین‌تر نیز می‌توان با هنرستان‌ها در قالب پودمان قراردادهایی را که پیش‌تر با وزارت آموزش و پرورش تنظیم شده بود بروزرسانی کرد و ارتقا داد تا آموزش از این مسیر نیز محقق شود.

در حقیقت باید گفت بدون استفاده از دانش این مسیر قابل‌عبور نخواهد بود و بی‌توجهی به این موضوع در اصناف باعث خواهد شد در کمتر از یک دهه، اصنافی که به آموزش و دانش روی نیاورده‌اند از این عرصه حذف شوند.

واحدهای تولیدی، توزیعی و خدماتی ما همه نیاز به علم روز دارند و نمی‌توان تنها با اتکا به دانش قدیمی و تجربه گذشته در عرصه رقابت باقی ماند. علاوه بر این آگاهی و اطلاع از قوانین، بازار سرمایه و بورس که امروز تبدیل به جزءلاینفک از حوزه اصناف شده‌اند، تنها با اتکا به دانش روز امکان‌پذیر است.

در حال حاضر ضریب نفوذ دانش در اصناف ما بسیار بالاست و بسیاری از صاحبان مشاغل دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. البته باید پذیرفت در حال حاضر سازماندهی مناسب و مطلوب در این حوزه وجود ندارد و توجه به مسئله آموزش بیشتر به شکل فردی بوده است.

ما در این موضوع پیگیر هستیم و قصد هیات رئیسه اتاق اصناف در دوره جدید این است که موضوع آموزش در این حوزه را از طریق صنوف و با تمرکز بیشتر پیگیری کند.

در حال حاضر خود اتحادیه‌ها و واحدهای صنفی هم به اهمیت موضوع آموزش و کسب دانش آکادمیک در پیشبرد اهداف صنفی پی برده‌اند. حوزه‌هایی مانند املاک، فرش و هتلداری به موضوع آموزش دانشگاهی ورود پیدا کرده‌اند که این موضوع می‌تواند نویدبخش روزهای خوب در این حوزه باشد.

امیدواریم این موضوع در اصناف کشور به‌صورت نهادینه درآید و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز هرچه سریع‌تر در این زمینه کمک کند تا دانش در ساختار تجارت و کسب‌وکار کشور به‌عنوان یک مولفه اصلی ایفای نقش کند.

> در کمتر از یک دهه، اصنافی که به آموزش و دانش روی نیاورده‌اند از این عرصه حذف می‌شوند

باید به فرصت‌سازی‌ها بیندیشیم



علی فاضلی - عضو هیات رئیسه اتاق اصناف ایران: بدون تردید دانش یکی از مولفه‌های اصلی در حوزه‌های مختلف جامعه از جمله کسب‌وکار و اصناف است و تاثیر فراوانی در ارتقای این بخش دارد اما اینکه ما چقدر در حوزه بکارگیری دانش در حوزه کسب‌وکار تلاش کرده‌ایم موضوع بسیار گسترده‌ای است که نیاز به مطرح شدن مسائلی مانند نظام بودجه‌ریزی کشور در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله به‌ویژه دوره‌های چهارم، پنجم و ششم دارد.

متاسفانه نظام آموزش باوجود همه گام‌های خوبی که در این سال‌ها برداشته، متناسب با جامعه بزرگ ایران پیش نرفته و برنامه‌ریزی مناسب در زمینه آن صورت نگرفته است.

در حوزه بنگاه‌های صنفی به‌ویژه در حوزه تعمیر و نگهداری که مختص اصناف است، باتوجه به پیشرفت فناوری همگامی‌های لازم صورت نگرفته است. البته این موضوع به‌معنی این نیست که همه تقصیرها بر گردن دولت است، بلکه ما هم در این موضوع مقصر بوده‌ایم، زیرا آنچنان که باید به این موضوع نپرداخته و بستر مناسب این کار را به‌وجود نیاورده‌ایم. ما در حوزه اصناف باید بستر آموزش را فراهم می‌کردیم و برنامه‌های مدونی را در این زمینه ایجاد می‌کردیم که متاسفانه به آن نپرداخته‌ایم.

برخی از اتحادیه‌های ما عملکرد بسیار خوبی در این زمینه داشته‌اند و حتی الان دارای دانشگاه‌های تخصصی هستند اما باز هم می‌بینیم که بیشتر اصناف از این موضوع بسیار دور مانده‌اند.

یقینا مجموعه وزارت کار، تامین اجتماعی و اتاق‌های اصناف باید توجه بیشتری به این موضوع می‌کردند و گام‌های بلندتری در این عرصه برمی‌داشتند. در حال حاضر گرچه مجموعه فنی و حرفه‌ای وزارت کار برنامه‌هایی را اعلام کرده اما این برنامه‌ها چندان مناسب و متناسب با این حوزه نبوده است.

حوزه دانش حوزه‌ای است که می‌تواند در ایجاد اشتغال پایدار گام‌های بسیار مهمی بردارد. البته رسیدن به این نقطه اراده‌ای را می‌طلبد که باید در مجموعه اتاق‌های اصناف، بازرگانی و تعاون ایجاد شود.

در هر حال اگر بخواهیم یک جمع‌بندی در این موضوع داشته باشیم، متاسفانه باید گفت موضوع آموزش و گسترش دانش در حوزه اصناف تاکنون چندان متناسب با ظرفیت‌ها و شرایط کشور طراحی نشده و کم‌کاری‌هایی در این بخش دیده می‌شود. به‌نظر می‌رسد دولت و زیرمجموعه‌های آن باید تصمیم قطعی‌تری در این زمینه داشته باشند.

اگر بخواهیم در این حوزه به گذشته نگاه کنیم، قطعا متوجه فرصت‌سوزی‌های زیادی که در بکارگیری دانش در حوزه کسب‌وکار شده، می‌شویم و نمی‌توانیم منکر آن شویم. ما در دهه سوم و چهارم انقلاب بیشتر باید به این موضوع می‌پرداختیم و با سهل‌انگاری فرصت‌های زیادی را در این بخش از دست دادیم و به‌نظر می‌رسد مجریان امر در آن بسیار ضعیف عمل کرده‌اند.

در هر حال گذشته را نمی‌توان بازگرداند و به‌جای حسرت فرصت‌سوزی‌ها را خوردن باید نگاه‌مان به آینده و فرصت‌سازی‌هایی باشد که می‌توان در این حوزه انجام داد.

در وضعیت کنونی، به‌طور قطع کشور و فضای کسب‌وکار آن نیاز به برنامه‌ریزی‌های مدون و جامع دارد و ما باید بتوانیم با تجربه‌ای که از گذشته حاصل کرده‌ایم، آینده فضای کسب‌وکار، تولید و تجارت کشور را به‌شکل مطلوب‌تری طراحی کنیم. صاحبان بنگاه‌ها را در مسیر بکارگیری دانش همراهی و بسترهای مناسبی را برای همگامی‌های موثر حوزه‌های دانش و کسب‌وکار ایجاد کنیم.

در نهایت اینکه کسب‌وکار امروز دیگر نمی‌تواند تنها برپایه تجربیات سنتی به فعالیت خود ادامه دهد و برای بروزرسانی و ایجاد بهره‌وری، نیاز به بکارگیری دانش و علم دارد که اگر غیر از این باشد، بسیاری از اصناف در عرصه رقابت و انتخاب‌های طبیعی، از این گردونه حذف خواهند شد.

> کسب‌وکار امروز دیگر نمی‌تواند تنها برپایه تجربیات سنتی به فعالیت خود ادامه دهد و برای بروزرسانی و ایجاد بهره‌وری، نیاز به بکارگیری دانش و علم دارد

فضای امروز اصناف سنتی نیست



رسول جهانگیری - عضو هیات رئیسه اتاق اصناف ایران: تجربه نشان داده افرادی که به سمت علم و دانش رفته‌اند، در زمان نوسانات اقتصادی و رکود مشکل کمتری دارند و براساس کیفیت کار و علم و دانشی که پیش‌تر آموخته‌اند، پیش می‌روند؛ به‌عبارتی دیگر تکیه بر دانش یکی از شرایط شکل‌گیری رقابت سالم میان واحدهای صنفی است. در واقع این‌طور می‌توان گفت که رقابت واحدهای صنفی با هم یک اصل است اما این رقابت باید ویژگی‌هایی داشته باشد و در چارچوبی قرار بگیرد تا از مسیر سازنده خود خارج نشود و این چارچوب می‌تواند بستر علمی ایجاد شده در کسب‌وکار باشد.

فرض کنیم فردی کارگاهی تولیدی یا واحد توزیعی و خدماتی دارد و چند نفر کارگر هم برای او کار می‌کنند. حال اگر افراد جدیدی وارد این منطقه شوند و فعالیت مشابهی را در آن راه‌اندازی کنند، کسب‌وکار گروه اول دچار خدشه می‌شود؛ از این رو ممکن است به تقلب، گرانفروشی، کم‌فروشی و... دست بزند که این به‌معنای هزینه‌های اضافی برای مصرف‌کننده است. در این شرایط برای ایجاد رقابت سالم میان واحدهای صنفی چه باید کرد؟

واقعیت این است که قطار رشد و توسعه به‌سرعت در حال حرکت است و کسبه باید خود را با سرعت آن منطبق کنند تا از این رشد و توسعه جا نمانند. در بسیاری از موارد ما شاهد این موضوع هستیم که بعضی از کسب‌وکارهای اینترنتی از کسب‌وکارهای سنتی پیشی گرفته‌اند که نمود آشکار آن در حوزه حمل‌ونقل است؛ بنابراین کسبه باید خودشان را به علم روز تجهیز کنند و این موضوع باید برای آنها به شکل یک اولویت درآید.

جامعه صنفی امروز دارای مزیتی نسبت به ۵۰ سال قبل و حتی ۲ دهه گذشته شده و آن این است که غالب جامعه صنفی امروز ما، افراد تحصیلکرده هستند.

روزی بیشتر افراد تحصیلکرده کشور در منصب‌های دولتی وارد می‌شدند و پشت میز می‌نشستند اما حالا افراد جدیدی که وارد اصناف شده‌اند، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند. این افراد علم دارند و از نظر مدرک تحصیلی هم فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد هستند.

این موضوع به این معناست که فضای اصناف دیگر بومی و سنتی نیست و بسترهای آموزشی در حوزه اصناف فراهم شده و نکته حائز اهمیت در این موضوع این است که این ویژگی تنها منحصر به اصناف تهران نیست و به پدیده‌ای سراسری در کشور بدل شده است. این‌طور می‌توان گفت که فراوانی دانشگاه‌ها اگر هزار عیب داشته باشد، این یک حسن را هم دارد که به این وسیله جامعه ما تحصیلکرده شد و سطح سواد ما که روزی ابتدایی بود حالا کارشناسی و کارشناسی ارشد شده است.

در فضای رقابتی اینچنینی آن واحد صنفی موفق می‌شود که از ظرفیت علم و دانش بهره ببرد. البته باید این نکته را نیز در نظر گرفت که شرایط کشور ما خاص است و عادی نیست. به سبب اعتقاداتی که ما داریم و حس حمایت از مظلومی که در ما نهادینه شده، افراد زورگوی دنیا موانعی برای ما ایجاد کرده‌اند. گاهی مواد اولیه به‌موقع به تولیدی‌های ما نمی‌رسد و او قدرت رقابت سالم را پیدا نمی‌کند. افرادی که به سمت علم و دانش رفته‌اند در زمان نوسانات اقتصادی و رکود مشکل کمتری دارند و براساس کیفیت کار و علم و دانشی که پیش‌تر آموخته‌اند، پیش می‌روند. ممکن است در دوره رکود، بعضی از مشاغل به تعطیلی کشیده شوند اما برندها و کسانی که روی برندسازی کار کرده‌اند و رقابت سالم دارند، هزینه‌های خود را براساس علم و دانشی که دارند کاهش داده و در نتیجه در این بازار متلاطم، می‌توانند کار کنند. با همه این توصیف و توضیحات، قسمت عظیمی از رونق کسب‌وکار و فعالیت ما به دولت وابسته است. متاسفانه خصوصی‌سازی به شکلی که مد نظر ما بود اجرایی نشد. اگر این چنین می‌شد حالا شرایط بهتر بود.

سخن آخر

گرچه باتوجه به اظهارنظر دست‌اندرکاران حوزه اصناف فضای کلی کسب‌وکار کشور علمی‌تر از گذشته شده، اما به‌نظر می‌رسد که این حرکت بیش از آنکه زیر یک چتر واحد و با برنامه‌ریزی‌های مدون باشد، به‌صورت خودجوش بوده و نمی‌توان آن را به حساب برنامه‌ریزی‌های نهادهای بالادست گذاشت.

در مسیر دانش‌محور شدن بی‌شک فرازوفرودهای زیادی در مسیر اصناف خواهد بود که اگر نظام‌یافته آن را هدایت کرد، می‌توان نتایج مقبول‌تری را در این حوزه انتظار داشت.

گفت‌وگو

توسعه فولاد در سایه دانش محقق می‌شود

دانش، سرمایه اصلی صنایع روز

مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir



عکس: آیدا فریدی

دانش، محور اصلی توسعه فناوری، محصولات و خدمات جدید در تمام جهان به‌شمار می‌رود، چراکه دانش عامل انجام پژوهش، تولید ایده و نوآوری است. همین موارد نیز دلایل منسجمی برای پیشرفت هستند

در عصر کنونی دانش از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و به‌نوعی موتور محرک صنایع محسوب می‌شود. بر همین اساس نیز مدیریت دانش به‌عنوان شاخه‌ای جداگانه مورد توجه قرار دارد و در قالب الگویی برای توسعه آینده تعریف می‌شود. بدون تردید بهره‌گیری از دانش زمینه بهبود عملکرد مجموعه‌های گوناگون را فراهم می‌کند. نقش دانش در صنایع و روند توسعه صنایع نیز غیرقابل انکار است.

بخش معدن و صنایع وابسته به آن در طول سال‌های گذشته در رده صنایعی بوده‌اند که رشد سریعی را از آن خود کرده‌اند. بدون تردید بهره‌گیری از دانش روز جهان نیز تاثیر بسزایی بر عملکرد این صنایع و تسریع توسعه آنها داشته است، تا جایی که اغلب شرکت‌های بزرگ معدنی و صنایع معدنی جهان مدیریت دانش را در اولویت فعالیت‌های خود قرار داده‌اند.

اما این موضوع در کشو ما آن‌گونه که باید هنوز مورد توجه قرار نگرفته است؛ یعنی در مواردی متعددی شاهدیم که دانش مناسب در زمان مناسب در اختیار صنایع قرار ندارد. همین موضوع نیز از رقابت‌پذیری این واحدها در سطح جهانی می‌کاهد؛ بنابراین بهره‌گیری از سرمایه‌های دانشی ضروری و پیش‌شرطی برای توسعه به‌شمار می‌رود.

حال برای بررسی نقش دانش در حوزه صنایع معدنی و به‌ویژه صنعت فولاد با علی محمدی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان گفت‌وگو کرده‌ایم. علی محمدی در گفت‌وگو با صمت تاکید کرد: در حال حاضر دانش در سازمان‌های فولادی جایگاه ویژه‌ای دارد و مدیران حوزه صنعت به‌خوبی می‌دانند برای حفظ رقابت و حضور در بازار جهانی لازم است سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در امر مدیریت دانش انجام شود. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

تولید دانش در حوزه صنایع از چه میزان اهمیت و چه جایگاهی برخوردار است؟

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که روند فعالیت مدیران صنعت فولاد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، توسعه فناوری، طراحی محصول و ارائه خدمات جدید است. در شرایطی که رقابت تنگاتنگ میان کسب‌وکارهای دنیای معاصر شدت گرفته، توسعه فناوری و طراحی محصول جدید یک توانمندی و مزیت راهبردی بسیار موثر در میدان رقابت به‌شمار می‌رود.

بسیاری از سازمان‌ها از محل توجه به دانش و مدیریت آن، مزیت‌هایی کسب کرده‌اند که قدرت رقابتی آنها را در مقیاس نمایی افزایش داده است، تا جایی‌که نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد اگر فناوری‌های جدید بتوانند با هزینه بیشتری، وارد بازار شوند، به‌سرعت هزینه اضافی خود را جبران کرده و کامیابی سازمان را به‌دنبال خواهد داشت.

آنچه روشن و واضح است این است که تولید دانش و تبدیل آن به نوآوری در حوزه صنعت برای سازمان‌های سرآمد، استراتژی بااهمیت و باارزشی محسوب می‌شود.

سازمان‌های پیشرو به‌طور مستمر می‌کوشند قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرآیند تولید دانش و توسعه فناوری خود را بهبود بخشند و به کمک آن با دستیابی سریع‌تر به محصولات تازه‌تر، در میدان رقابت بر رقیبان خود پیروز شوند. بنابراین بهره‌مندی از دانش‌های قابل عرضه در میدان فناوری بخش بسیار مهمی از هر کسب‌وکار را تشکیل می‌دهد. پویایی و رشد سازمان‌ها به کمک این فرآیند تحقق می‌یابد و در حقیقت بقا و تداوم حیات یک سازمان در گرو عملکرد واحدهای تولید دانش، پژوهش و فناوری است.

گفتنی است سازمان‌های سرآمد برای ارتقای فعالیت‌های خود هزینه‌های بسیاری را متحمل شده و می‌شوند تا با توسعه فناوری‌ها و با توسعه سطح رقابت سازمان‌ها و افزونی عرضه بر تقاضا و سایر تحولات دنیای معاصر، نیازها و انتظارات مشتریان را برآورده کنند.

چه عواملی در تحقق توسعه دانش و تولید فناوری‌های جدید موثر هستند؟

نگرش فرآیندی به توسعه فناوری می‌تواند دانش سازمان را از چشم‌اندازهای گوناگون نسبت به آن افزایش دهد و زوایای ناپیدای آن را آشکار کند. لازم به یادآوری است که در عرصه رقابت همیشه دو طرف برنده نیستند، چه بسیارند سازمان‌هایی که با وجود بکارگیری منابع وافر، سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجه و حتی با استفاده از تازه‌ترین فناوری‌ها، پیروز میدان نبوده‌اند، زیرا عوامل موثر دیگری نیز در فرآیند توسعه فناوری و ارائه محصول جدید باید وارد شوند.

منابع انسانی، مدیران و کارکنان و روش‌های عمل آنها را باید در رده این عوامل موثر دانست. توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که توسعه منابع انسانی برای سازمان‌های سرآمد یک مزیت استراتژیک محسوب می‌شود. گفته می‌شود دنیای رقابت می‌تواند از هرچیزی و از هر مزیتی کپی‌برداری کند اما منابع انسانی تنها مزیت‌هایی هستند که قابل کپی‌برداری نیستند. این یک مزیت انحصاری است (مگر از طریق خرید بسته‌های دانش فنی).

در ادامه باید خاطرنشان کرد که هم‌اکنون مسئله دانش در سازمان‌های فولادی جایگاه ویژه‌ای دارد و مدیران حوزه صنعت به‌خوبی می‌دانند برای حفظ رقابت و حضور در بازارهای جهانی لازم است سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در امر مدیریت دانش انجام شود.

به نظر شما، آیا توجه به حوزه دانش در صنایع و به‌ویژه صنعت فولاد ایران، آنطور که باید مورد توجه قرار دارد؟

پیتر دراکر از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان مدیریت، در جایی عنوان می‌کند که در دنیای کنونی مهم‌ترین منابع اقتصادی، دیگر سرمایه یا منابع طبیعی و نیروی کار نیستند. در اقتصاد مبتنی بر دانش، سرمایه بنیادی دانش است و دانش خواهد بود.

دانایی به‌نحو چشمگیری از سرمایه‌های مالی و فیزیکی پیشی می‌گیرد. در سازمان‌های امروزی دانش یا دانستن و دانش‌آفرینی عامل اصلی بقا و رشد سازمان‌ها در شرایط رقابتی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین در عصر کنونی که عصر دانایی نام گرفته، باید با بکارگیری دانش از شیوه‌های مختلف به مزیت‌های رقابتی پایدار دست یافت. در همین حال در راه استفاده بهینه از منابع در اختیار سازمان، گام نهاد.

توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که رقابت سازمان‌های امروز، میان نیروی انسانی آنهاست و توانمندی ذهنی آنها، ارزش نیروی انسانی را نشان می‌دهد. در طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ جهان، پس از پایان پروژه، ۳۰ درصد آورده‌های سازمانی، خروجی فیزیکی نیست، بلکه سرمایه‌های فکری است که درون ذهن کارمندان ما در دورترین نقاط پروژه تولید شده است؛ بنابراین اگر سازمان، برنامه‌ای برای مدیریت، ذخیره‌سازی و استفاده مجدد از آنها نداشته باشد، ۳۰ درصد سرمایه‌گذاری‌اش را از دست داده است.

مدیریت دانش این است که ما به همان نسبت که به تجهیزات، ساختمان و برندمان اهمیت می‌دهیم، برای سرمایه‌هایی با تجدیدپذیری طولانی‌مدت یعنی نیروی انسانی نیز اهمیت قائل شویم. در همین حال باید خاطرنشان کرد نیروی انسانی، مهم‌ترین سرمایه سازمان است که به‌راحتی تجدید نمی‌شود.

در این میان، صنعت فولاد کشور نیز کم و بیش به حوزه دانش اهمیت و توجه دارد، لیکن لازم است برنامه‌ای مدون در راستای ارتقای این عامل رقابتی در سازمان‌ها وجود داشته باشد تا راه را برای توسعه فناوری‌های داخلی مهیا کند. بدون تردید دانش عامل ایجاد سرمایه و منافع مالی است و اهمیت آن در اولویت مسائل صنعت فولاد قرار خواهد داشت.

در اغلب کشورهای پیشرفته جهان، دانش محرک اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت است، آیا در ایران نیز همین‌گونه است؟

بدون تردید دانش، محور اصلی توسعه فناوری، محصولات و خدمات جدید در تمام جهان محسوب می‌شود، چراکه دانش عامل انجام پژوهش، تولید ایده و نوآوری است. همین موارد نیز دلایل منسجمی برای پیشرفت به‌شمار می‌روند.

بدیهی است این عوامل در کشور ما نیز مانند سایر سازمان‌ها و کسب‌وکارهای جهانی، نقش پر اهمیتی در توسعه صنعت بر عهده خواهد داشت. تفاوت میان سطح دانش عملیاتی در ایران و سایر کشورهای جهان، سبب ایجاد تفاوت در سطح کسب‌وکارها و صنایع شده است. بنابراین لازم است به‌منظور خروج از وضعیت فعلی و سرعت بخشیدن به توسعه صنعت و فناوری، موضوع دانش فنی و عملی با درایت خاص کنترل و مدیریت شود. این برنامه نیز در رأس سازمان‌هایی مانند دفتر فناوری ریاست جمهوری، معاونت پژوهش و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش صنعت در حال مدیریت است و در آینده نزدیک شاهد رشد و توسعه دانش فنی و بکارگیری و تجاری‌سازی آن خواهیم بود.

دلایل کم‌توجهی به دانش را در صنایع گوناگون کشور چه می‌دانید؟

در کشور ما موضوع دانش، جزو موضوعات جدید است که نوپا به‌شمار می‌رود و لازم است با حمایت‌های لازم از آن، اهمیت این موضوع را افزایش داده و بستر موفقیت‌های حوزه فناوری را ایجاد کنیم.

دلایل متعددی برای کم‌توجهی به مدیریت دانش در سازمان‌های مختلف و براساس حوزه‌های متفاوت و مناطق گوناگون وجود دارد. اما عمده دلایلی برای کم‌توجهی به مدیریت دانش، مطرح می‌شوند. به‌طور کلی، عوامل مهم بی‌توجهی به مدیریت دانش عبارتند از: نبود فرهنگ‌سازی و اعتقاد در سطح کارکنان شرکت، اعتقاد نداشتن مدیریت ارشد مجموعه به تاثیر مثبت دانش در عملکرد سازمان، بازدهی تقریبا طولانی نظام مدیریت دانش، وجود ریسک در تجاری‌سازه ایده‌ها و بسته‌های دانشی، توجه به روزمرگی‌های سازمان و غفلت از توجه به توسعه فناوری، کارآ نبودن تیم مدیریت دانش در ایجاد بستر توسعه فرهنگ مدیریت دانش، برنامه‌ریزی نادرست و پیش‌بینی نامناسب برای توسعه دانش، تخصیص نیافتن بودجه جداگانه و کافی در راستای اجرای پروژه‌های مدیریت دانش، مقاومت سازمانی در برابر تغییر، عدم‌آشنایی و ناتوانی تیم مدیریت دانش در شناخت درست سازمان و ارتباطات سازمانی، بررسی ناقص سیستم‌های موجود و نبود تطابق میان سیستم‌های جدید با سیستم‌های جاری.



علی محمدی

نگرش فرآیندی به توسعه فناوری می‌تواند دانش سازمان را از چشم‌اندازهای گوناگون نسبت به آن افزایش دهد و زوایای ناپیدای آن را آشکار کند

شرکت فولاد خوزستان تاکنون چه اقداماتی را با هدف توسعه و بهره‌مندی از دانش اجرایی کرده است؟

خوشبختانه شرکت فولاد خوزستان از سال‌های دور و ابتدای دهه ۹۰ با شناخت اهمیت مدیریت دانش در سازمان و نقش آن بر توسعه فناوری و محصولات جدید، اقدام به ایجاد نظام مدیریت دانش در سازمان کرد.

تا سال‌های قبل از ۱۳۹۰، موارد دانشی در شکل و شمایل مقالات و اسناد فنی در آرشیوهای اسناد فنی و در اختیار پژوهشگران و کارشناسان قرار می‌گرفت. اما در ادامه با ایجاد بستر فعالیت مدیریت دانش در سازمان، فرآیند مدیریت دانش KM با بهره‌مندی از اساتید برجسته کشور در حوزه دانش در فولاد خوزستان آغاز به‌کار کرد. طراحی این نظام بیش از ۲ سال به طول انجامید و حاصل آن طراحی و استقرار نرم‌افزار بسیار پیشرفته در حوزه مدیریت دانش شد.

از اواخر سال ۱۳۹۳ نظام مدیریت دانش با تلاش همکاران متخصص مدیریت R&D آغاز به‌کار کرد و با برنامه‌ریزی مدون اقدام به ثبت بسته‌های دانشی، مقالات و اسناد فنی موثر کردند.

پس از ثبت و استفاده از دانش همکاران و تمرکز بر آن، بستر مطلوبی برای توسعه این نظام ایجاد شد اما متاسفانه بر خلاف انتظارات، این نظام بدون ایجاد ساختار سازمانی مناسب و متخصصان لازم، زمان زیادی در چرخه اجرایی سپری نکرد و عملا فعالیت‌های مهم انجام شده نیز فرجام مطلوبی به‌دنبال نداشت.

در اینکه در گذشته چه اقدامی انجام‌شده و چه زمانی از دست رفته جای بررسی و مطالعه وجود دارد اما هم اکنون و با توجه به بلوغ سازمان فولاد خوزستان لازم است دپارتمانی درخور شرکت فولاد خوزستان شامل افراد متخصص و متعهد طراحی و تمامی منابع لازم در اختیار این دپارتمان قرارداده شود تا بتوان با ایجاد بستر لازم، موضوع مدیریت دانش را اجرا و در همین حال، زمینه پیشرفت فناوری و دستیابی به قابلیت رقابت‌پذیری این سازمان را فراهم کرد.

افزایش سرمایه فولاد مبارکه در راه است



رئیس هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع‌معدنی ایران اظهارکرد: در ماه‌های اخیر ارزش بازارگردانی شرکت‌های حوزه صنایع معدنی از جمله فولاد مبارکه (فولاد)، شرکت معدنی و صنعتی چادرملو (کچاد)، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (کگل)، سرمایه‌گذاری معادن و فلزات (ومعادن)، فولاد خوزستان (فخوز) و صنایع ملی مس (فملی) به ۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. این شرکت‌ها علاوه بر بازارگردانی، با افزایش سرمایه اقدام بزرگی در راستای توسعه این بخش کرده‌اند. شرکت ملی مس برنامه افزایش سرمایه ۱۰ هزار میلیارد تومانی خود را اجرایی کرد. پس از آن فولاد مبارکه نیز ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش سرمایه خواهد داشت.

خداداد غریب‌پور، رئیس هیات عامل ایمیدرو درباره وضعیت تولید در ۷ ماه نخست امسال گفت: در این مدت، باوجود همه‌گیری کووید ۱۹ در کشور و با رعایت ضوابط مربوط، با رشد و جهش تولید برخی محصولات از جمله آلومینیوم مواجه بودیم. به‌طوری که تولید این فلز با ۷۰درصد جهش همراه شد.

وی افزود: تولید در زنجیره آهن از جمله کنسانتره، گندله سنگ آهن و آهن اسفنجی به ترتیب ۴، ۸ و ۱۱.۴ درصد افزایش یافت و تولید کاتد مس ۶درصد رشد پیدا کرد.

غریب‌پور در ادامه و درباره نقش معدن و صنایع معدنی در بورس، گفت: در ماه‌های اخیر ارزش بازارگردانی شرکت‌های این حوزه از جمله صنایع مس، مبارکه، چادرملو و گل‌گهر، سرمایه‌گذاری معادن و فلزات، فولاد خوزستان و... به ۸ هزار میلیارد تومان رسیده است.

افزود: این شرکت‌ها علاوه بر بازارگردانی، با افزایش سرمایه گام بزرگی در راستای توسعه این بخش برداشته‌اند. رئیس هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع‌معدنی ایران در ادامه گفت: شرکت چادرملو بیش از ۵۸۰۰ میلیارد تومان افزایش سرمایه داشت. شرکت ملی مس افزایش سرمایه ۱۰هزار میلیارد تومانی داشته و پس از آن، فولاد مبارکه نیز ۱۰هزار میلیارد تومان افزایش سرمایه خواهد داشت.

رئیس هیات عامل ایمیدرو با تاکید بر اینکه در زنجیره معدن و صنایع معدنی خبرها امیدوارکننده است، گفت: فقط شرکت ملی مس و فولاد مبارکه افزون بر ۴ میلیارد یورو پروژه توسعه‌ای در اختیار دارند که در نهایت به تقویت حقوق سهامداران می‌انجامد. به‌گفته وی، ارزش طرح‌های توسعه شرکت‌های بزرگ معدن و صنایع معدنی، معادل ۴.۵ میلیارد یورو (به صورت ارزی) و ۴۰هزار میلیارد تومان (به صورت ریالی)، است.

غریب‌پور با اعلام اینکه معدن و صنایع معدنی ۲۴درصد بورس را تشکیل می‌دهند، تصریح کرد: آینده این شرکت‌ها از وضعیت کنونی بهتر خواهد بود و بازار رو به رشدی دارند.

تولید فولاد چین از یک میلیارد تن فراتر می‌رود

داده‌های رسمی چین نشان داد تولید فولاد در این کشور در ۱۰ ماه نخست امسال میلادی یک روند افزایشی را به ثبت رسانده است.

به‌گزارش بورس کالای ایران، طبق اعلام انجمن آهن و فولاد چین CISA، تولید فولاد خام این کشور در ژانویه تا اکتبر با رشد ۵.۵ درصدی نسبت به سال گذشته روبه‌رو شده و به ۸۷۴ میلیون تن رسیده است. انجمن آهن و فولاد چین همچنین گفت: میزان تولید چدن این کشور نیز ۴.۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته و به ۷۴۲ میلیون تن رسیده است. این انجمن پیش‌بینی کرد تولید سالانه فولاد خام چین در سال ۲۰۲۰ از یک میلیارد تن فراتر رود و این نشان‌دهنده رشد سالانه ۳ تا ۵ درصدی است.

فقط ۲۰ درصد فولاد تولید شده در بورس عرضه می‌شود

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: در شرایطی که مواد اولیه مورد نیاز تولید فولاد از داخل تامین می‌شود، قیمت فولاد نباید گران باشد.

به‌گزارش تسنیم، لطف‌اله سیاه‌کلی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت بازار فولاد، اظهارکرد: افزایش قیمت محصولاتی مانند فولاد باید متناسب با نرخ تورم باشد و رشد ۸ تا ۱۷ هزار تومانی قیمت فولاد قابل‌قبول نیست، زیرا حتی اگر با نرخ ارز آزاد نیز محاسبه شود، نباید بهای آن بیش از ۱۲ هزار تومان باشد.

نماینده مردم قزوین، آبیک و البرز در مجلس شورای اسلامی با طرح این سوال که چرا قیمت فولاد بیش از بهای تمام‌شده عرضه می‌شود، افزود: در شرایطی که مواد اولیه مورد نیاز تولید فولاد و معادن آن در داخل کشور بوده و تولید آن ارزبری نداشته و از گاز، نفت و کارگر ارزان استفاده می‌شود، چرا قیمت فولاد گران است؟!

وی اضافه کرد: دیوان محاسبات، بازرسان کل کشور و نهادهای نظارتی باید به موضوع فولاد ورود کرده و با متخلفان برخورد کنند، چراکه ظلم آشکار به مصرف‌کننده است.



عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با بیان اینکه فولاد عرضه شده در سامانه بهین‌یاب به‌دست مصرف‌کننده واقعی نمی‌رسد، تصریح کرد: فقط ۲۰ درصد از فولادتولید شده در بورس عرضه می‌شود و مشخص نیست ۸۰ درصد باقیمانده چه می‌شود و این به گرانی غیرمنطقی فولاد دامن می‌زند.

سرمایه‌گذاری برای افزایش توان تولید ورق‌های پوشش‌دار

رئیس اداره طرح و برنامه‌ریزی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان چهارمحال و بختیاری، گفت: به‌منظور افزایش توان تولید ورق‌های پوشش‌دار فولادی سرمایه‌گذاری‌های جدید در چهارمحال و بختیاری انجام شد.

به‌گزارش شبکه اطلاع‌رسانی تولید و تجارت ایران(شاتا)، بهنام خسروی افزود: بخش خصوصی برای توسعه صنایع ورق‌های پوشش‌دار این استان ۲ هزار و ۷۱۴ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری می‌کند.

وی با اشاره به پیشرفت فیزیکی ۱۰ درصدی طرح توسعه صنایع ورق‌های پوشش‌دار چهارمحال و بختیاری بیان کرد: این میزان سرمایه‌گذاری در حوزه نورد سرد برای تولید سالانه ۲۹۰ هزار تن ورق ساده کربنی و کم‌آلیاژ در شهرک صنعتی شهرکرد انجام می‌شود.

رئیس اداره طرح و برنامه‌ریزی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان چهارمحال و بختیاری ادامه داد: با بهره‌برداری از این پروژه زمینه اشتغال مستقیم ۴۰۰ نفر فراهم خواهد شد.

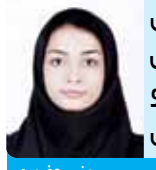


خسروی تصریح کرد: خط تولیدی این واحدصنعتی هم از کشور چین خریداری شده و در حال انتقال به ایران است.

گفتنی است کارخانه تولید ورق فولادی گالوالوم با هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار و سرمایه‌گذاری ارزی ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو و ظرفیت تولید سالانه ۳۳۰ هزار تن ورق پوشش‌دار فولادی از جمله گالوانیزه و گالوالوم زمینه اشتغال ۲۵۰ نفر را فراهم کرده است.

یادداشت

سیاست‌های ارتباطی دانشگاه و معدن



منیر حضوری
روزنامه‌نگار

امروز در قرن ۲۱ برخورداری از دانش در پیشبرد تمامی جنبه‌های زندگی نقش پررنگی دارد. دغدغه مطالعه به فرد می‌آموزد که پیچیدگی موضوعات را دیده، تحلیلی فکر کند، مسئولیت‌پذیر باشد و ایده‌های خود را به‌طور موثر به‌اجرا درآورد. تمرکز بر مطالعه به فرد کمک می‌کند تا مهارت‌های زیادی در زمینه حوزه موردعلاقه خود فراگیرد.

از آنجا که دانشجو با حضور در دانشگاه فرصت می‌یابد تا آگاهی خود را افزایش داده و مهارت‌های متنوعی را فرا گیرد، حتی می‌تواند در رشته‌ای شروع به فعالیت کند که لزوما در آن تحصیل نکرده است. دانشجو می‌تواند با فراگیری مهارت‌های لازم با فرصت‌های جدید و غیرمنتظره‌ای روبه‌رو شود که ممکن بود در صورت بی‌توجهی به اطلاعات در دسترسش قرار نگیرد.

دانشگاه به‌دلیل ایجاد فضایی برای تفکر، سوال، تجزیه و تحلیل و پژوهش می‌تواند افرادی را به جامعه معرفی کند که بیشترین کارآیی را برای رشد اقتصادی و اجتماعی داشته باشند. دانشجو با رشد دانش می‌تواند شغل و امنیت مالی برای خود کسب کند و در نهایت کیفیت زندگی اجتماعی را بهبود ببخشد.

از سوی دیگر مدت‌هاست که تاکید می‌شود از نفت دوری و در مقابل بر معدن تمرکز کنیم. در نتیجه این رویکرد کوه‌ها تکه‌تکه شده و به‌فروش می‌رسند. اگر سفری در جاده‌های کشور داشته باشیم کوه‌های نصفه‌نیمه و سنگ‌های بریده شده را خواهیم دید که با اسم دوری از درآمد نفتی از دل مادر زمین جدا می‌شوند.

از طرف دیگر مواد معدنی بخشی از هر محصولی هستند که ما در زندگی از آن بهره می‌بریم. یک نمونه متداول آن مس است که در سیم‌کشی برق مورداستفاده قرار می‌گیرد یا می‌توان به تیتانیوم اشاره کرد که برای ساخت قاب هواپیما یا رنگدانه در رنگ کاربرد دارد. همچنین عصر اطلاعات ما را با استفاده از مواد معدنی در محصولاتی از جمله تلفن همراه واداشته است.

اینجاست که نقطه اشتراک معدن و دانشگاه شکل می‌گیرد. اینجاست که متوجه خواهیم شد با بهره از علم و دانش اساتید و فارغ‌التحصیلان رشته معدن و زمین‌شناسی می‌توانیم بهره‌برداری عادلانه و پایدار از مادر زمین داشته باشیم. به‌طور حتم بشر برای تامین نیازهای خود باید از منابع طبیعی بهره‌برداری کند اما بیاییم با تکیه بر دانش روز و بهره‌گیری از فضای علمی دانشگاه برای نسل آینده نیز کوه و سنگ بگذاریم. نوادگان ما نیز حق دیدن مناظر طبیعی و بهره‌برداری از مواد معدنی را دارند. سیاست‌گذاری در راستای توسعه پایدار و تمرکز بر اهداف آن موجب می‌شود سیاست‌های توسعه کوتاه‌مدت نباشد و از تمامی ظرفیت‌ها و بازیگران موجود استفاده شود.

خبر

صدور مجوز استخراج ۵ معدن در ایلام

معاون امور معادن سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ایلام گفت: در سال جهش تولید، ۵ معدن جدید در ایلام مجوز استخراج گرفته‌اند.

به گزارش دنیای معدن، نبی‌الله سماواتی اظهار کرد: در استان ایلام ۵۳ معدن غنی و فعال وجود دارد که بیش از ۱۵ نوع ماده معدنی متفاوت از آنها استخراج می‌شود.

معاون امور معادن سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ایلام با اشاره به اینکه بیش از ۶۲۰ معدن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایلام فعال هستند، گفت: تلاش برای اشتغال و رونق در بخش معادن استان ایلام در سال جاری بیشتر می‌شود.

وی افزود: گچ، آهک، شن، ماسه، مارن، آلوویوم و بنتومین یا قیر طبیعی ازجمله ذخایری هستند که از معادن ایلام استخراج می‌شوند. سماواتی با اشاره به اینکه مطالعات سازمان ایمیدرو روی اکتشافات جدید در استان امیدبخش بوده، گفت: وجود معادن غنی بنتومین و قیر طبیعی در ایلام یک موقعیت اقتصادی ایده‌آل است و ظرفیت اشتغالزایی زیادی دارد.



ارتباط معدن و دانشگاه حلقه‌ای مفقوده

عکس: مهدی کاوه‌ای

منیر حضوری
editor@smtnews.ir

دانشجویان، صاحبان افکاری نو و خلاق به‌عنوان سازندگان صنعت، معدن و اقتصاد هر کشوری به‌حساب می‌آیند. دانشگاه محل برخورد افکار، نقد سازنده و فضایی برای فراگیری و رشد است. از طرف دیگر صنعتکاران و معدنکاران برای توسعه بلندمدت باید از سرمایه انسانی و دانش دانشجویان و اساتید بهره ببرند. در حالی که بنیان معادن و صنایع در کشورهای پیشرفته بر دانشگاه بنا شده، این قاعده در برخی کشورهای درحال توسعه از جمله ایران حاکم نیست و با آنچه که در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته اتفاق می‌افتد، فاصله معناداری دارد.

روزنامه صمت در این پرونده خود به‌مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو به اهمیت بهره از دانشگاه در بخش معدن پرداخته و این سوال اساسی را مطرح کرده که اقتصاد معدن تا چه حد از دانش دانشجویان و ارتباط با دانشگاه‌ها بهره برده است.

ارتباط ناگسستنی دانشگاه و صنعت

امیربیژن یثربی، برگزیده بنیاد ملی نخبگان کشور در علوم زمین با بیان اینکه برای بررسی ارتباط دانشگاه و معدن باید به ارتباط دانشگاه و صنعت نگاه کرد به صمت گفت: برای بررسی بهتر میزان ارتباط دانشگاه و صنعت ابتدا باید این موضوع را در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته بررسی کرد تا از استانداردهای کشورهای پیشرفته آگاه شد. صنعتکاران در این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که برای حل مشکلات خود باید به دانشگاه روی آورند. به این ترتیب بسیاری از مسائل و مشکلات صنعت در دانشگاه حل و راهکارهای علمی به بخش صنعت منعکس می‌شود. از آنجا که دانشگاه‌ها هم با صنعت ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند، می‌توان گفت ارتباط دانشگاه و صنعت در کشورهای پیشرفته ناگسستنی است.

رابطه دوسر برد

برگزیده بنیاد ملی نخبگان کشور در علوم زمین با بیان اینکه در کشورهای دیگر دانشگاه کلیدواژه اساسی است، تصریح کرد: این مهم را نمی‌توان کتمان کرد که زادگاه علم در هر کشوری دانشگاه است. در نتیجه صنعت با برون‌سپاری حل مشکلات به دانشگاه‌ها مسائل خود را حل و فصل کرده و مسیر علمی توسعه را می‌یابد. در واقع در کشورهای توسعه‌یافته ارتباط میان صنعت و دانشگاه موجب پیشرفت علم، صنعت و در ادامه کاهش هزینه تولید شده است. یثربی با تاکید بر اینکه علم یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش هزینه تولید است، خاطرنشان کرد: ارتباط میان صنعت و دانشگاه یک رابطه برد-برد است؛ به این صورت که صنعت برای توسعه و کاهش هزینه‌های خود به دانش و دانشگاه وابسته است و دانشگاه نیز برای برپایی خود به بودجه صنعت نیاز دارد. او ادامه داد: جالب است که یکی از مهم‌ترین فاکتورها و معیارها برای اینکه دانشگاهی در رتبه‌های برتر جهانی قرار گیرد، تعداد پروژه‌هایی است که از صنعت دریافت کرده است. این مهم نشان می‌دهد که هر دو بخش به یکدیگر نیاز دارند.



دنبال مقصر نگردیم

برگزیده بنیاد ملی نخبگان کشور در علوم زمین در ادامه به بخش معدن پرداخت و با بیان اینکه حلقه مفقوده‌ای بین معدن و دانشگاه در کشور ما وجود دارد، تصریح کرد: با اینکه در بخش معاونت پژوهشی تمامی دانشگاه‌های کشور مدیر ارتباط با صنعت و معدن وجود دارد، سوال مهم این است که چقدر این بخش توانسته موفق عمل کند؟ با بررسی‌ها متوجه خواهیم شد که متاسفانه صنعت معدن و دانشگاه در کشور ما ارتباط چندانی ندارند. در این زمینه صنعت تقصیر را گردن دانشگاه و دانشگاه هم تقصیر را گردن بخش صنعت انداخته است. او با اشاره به سابقه کاری خود در هر دو زمینه گفت: از آنجا که چند سال در دانشگاه تدریس کرده و به‌واسطه کاری با صنعتگران معدنی و دانشگاهی در ارتباط بوده‌ام، باور دارم که هر دو به‌نوعی حق دارند اما اینکه به‌دنبال مقصر بگردیم، مشکلی را حل نخواهد کرد. یثربی با اشاره به ارتباط ضعیف دانشگاه و صنعت معدن در کشور تصریح کرد: هرچند تغییراتی در این زمینه رخ داده و چند سالی است که شاهد همکاری برخی هلدینگ‌های بزرگ معدنی کشور به‌ویژه در صنعت سنگ‌آهن با دانشگاه‌های کشور هستیم اما انتظار ما بیش از اینها است.

نقش کمرنگ دانش‌بنیان‌ها

برگزیده بنیاد ملی نخبگان کشور در علوم زمین با اشاره به اهمیت توجه به دانش‌بنیان‌ها تصریح کرد: با اینکه حوزه دانش‌بنیان‌ها امروزه بسیار مهم است، متاسفانه بخش معدن در ارتباط‌گیری با آن تلاش ناچیزی داشته است که البته علت اصلی آن نبود ارتباط معدن با دانشگاه است. از آنجا که این موضوع در بخش معدن نسبت به سایر صنایع پررنگ‌تر است، می‌تواند مضراتی را برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. یثربی با اشاره به اقدامات اخیر در این زمینه گفت: به‌تازگی دانشگاه صنعتی شریف در حوزه دانش‌بنیان و فعالیت‌های معدنی وارد شده است. این را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم که آغازی پربار باشد. او در نهایت تاکید کرد: برای کاهش مشکلات صنعت معدن باید توجه بیشتری به دانشگاه شود. امیدوارم هلدینگ‌های بزرگ معدنی برای حل مشکل بخش معدن ارتباط خود را با تمامی دانشگاه‌های کشور گسترش دهند.

> امیربیژن یثربی: ارتباط میان صنعت و دانشگاه یک رابطه برد-برد است؛ به این صورت که صنعت برای توسعه و کاهش هزینه‌های خود به دانشگاه وابسته است و دانشگاه نیز برای برپایی خود به بودجه صنعت نیاز دارد

رابطه معادن و صنایع وابسته به دانشجو



سیامک اخطاری، فعال صادراتی و مشاور بین‌المللی حوزه سنگ با اشاره به وضعیت کشورهای توسعه‌یافته به صمت گفت: این کشورها با ایجاد فضا برای طرح مسائل و مشکلات روز صنعتی و معدنی در دانشگاه‌ها شرایط تعریف پایان‌نامه‌های تحقیقاتی را فراهم می‌کنند. این پایان‌نامه‌ها در میان‌مدت و بلندمدت به شکل سیستماتیک و منظم در مسیر ایجاد راه‌حل یا تجاری‌سازی هدایت می‌شوند. به این ترتیب دانشجو در مسیر کسب دانش وارد کانال عمل‌گرایی و اجرایی شده و در این روند فاصله دانشگاه و صنعت به حداقل می‌رسد.

این فعال صادراتی و مشاور بین‌المللی حوزه سنگ با اشاره به نقش دانشگاه در رشد بهره‌وری ادامه داد: توجه به نقش دانش و دانشگاه موجب افزایش بهره‌وری در راستای رشد تولید ناخالص ملی می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری در هر کشوری، تمرکز بر تحقیق و توسعه، تولید فکر و اندیشه و دانش است. اگر دانشگاه‌های کشور فهرستی از مشکلاتی که هم‌اکنون معادن و صنایع وابسته با آن درگیر هستند، را در اختیار داشته باشند، در عمل می‌توان به نیروهای جوان و خلاق برای رسیدن به اهداف عالی پیشرفت و توسعه صنعتی جهت داد.

اخطاری با اشاره به نقش تشکل‌های صنفی تصریح کرد: تشکل‌های صنفی می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی معدن و صنعت با دانشگاه عمل کنند. آنها می‌توانند در زمینه‌های مختلف مدیریت اجرایی، مدیریت منابع انسانی، پردازش داده و اطلاعات، مکانیزه و هوشمندسازی، طرح‌های کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری، سیستم‌های مانیتورینگ و نظارتی، امور اکتشاف و آزمایشگاهی به‌شکلی دانشگاه را درگیر پروژه‌های معدنی و صنعتی کرده و مقدمات شناسایی و ورود نخبگان و استعدادهای دانشجویی به بخش معدن و صنعت را فراهم کنند.

این فعال صادراتی و مشاور بین‌المللی حوزه سنگ ادامه داد: دانشگاه باید با احساس پویایی موثر به‌شکلی هدفمند خود را با واقعیات و مشکلات صنعتی و معدنی کشور مرتبط بداند. برپایی کارگاه‌های مشترک دانشگاهی و صنعتی، برگزاری نشست‌ها و ایجاد اتاق فکر متعدد و مشترک راه را برای ارتقای این پیوند پویا باز خواهد کرد.

او ادامه داد: جامعه معدنی و صنعتی می‌تواند با تعمیق روابط به شکل کمی و کیفی با دانشگاه زمینه تبادل‌نظر و تشریک مساعی را در پورتال‌هایی که به همین منظور طراحی می‌شوند، فراهم کند تا شاهد ارتباط موثر برای پیشبرد اهداف معدنی و صنعتی در کشور باشیم.

> سیامک اخطاری: کشورهای پیشرفته با ایجاد فضا برای طرح مسائل و مشکلات روز صنعتی و معدنی در دانشگاه‌ها شرایط تعریف پایان‌نامه‌های تحقیقاتی را فراهم می‌کنند

حرکت پایه‌های صنعت با توجه به بخش معدن



نیما کریم، دانشجوی دکترای معدن دانشگاه صنعتی امیرکبیر با اشاره به اینکه معدن به‌عنوان صنعت مادر شناخته می‌شود به صمت گفت: براساس گزارش سازمان ملل متحد جمعیت جهان در سال ۲۰۱۹ میلادی حدود ۷.۶ میلیارد نفر بوده که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۸.۶ میلیارد نفر برسد. در واقع هر سال به اندازه جمعیت کشور ایران به جمعیت جهان افزوده می‌شود. از آنجا که بیشترین رشد جمعیت در قاره آسیا و افریقا اتفاق می‌افتد، باید به توسعه بخش معدن بیش از اینها توجه کرد. او تاکید کرد: بخش معدن می‌تواند پایه‌های صنعت یک کشور را به حرکت درآورد و در توسعه زیرساخت‌ها نقش مهمی ایفا کند؛ بنابراین توجه به ارتباط معدن و دانشگاه امری ضروری است.

رشد زنجیره ارزش با تکیه بر دانش

این دانشجوی رشته معدن با اشاره به موضوع زنجیره ارزش اظهار کرد: وقتی ماده اولیه از معدن استخراج می‌شود، یک زنجیره را طی کرده تا به محصول نهایی تبدیل می‌شود. طراحی و کنترل این زنجیره و بهره از علوم در طول این زنجیره نشانگر این مهم است که برای تولید محصول نهایی معدنی، اجرای عملیات معدنکاری، بستن و بازسازی معدن باید از دانش روز استفاده کرد. به‌دلیل افزایش جمعیت جهان و تولید زیرساخت‌ها این دانش امروزه بیشتر از گذشته مهم است.

شیلی، مورد مطالعاتی موفق

کریم در نهایت با اشاره به اهمیت بهره از سیستم اتوماسیون اظهار کرد: از آنجا که فعالیت در معادن زیرزمینی ریسک‌های فراوانی دارد و کنترل ایمنی و مواردی از این دست ضرورت دارد، بهتر است از سیستم اتوماسیون برای هماهنگی بهتر بهره برد. به‌طور حتم تا سال ۲۰۵۰ میلادی معدنکاری زیرزمینی موردتوجه دنیاست و برای توسعه آن باید از دانش کافی برخوردار بود. شیلی و افریقای جنوبی متخصصان زیادی در این حوزه دارند و موفق عمل کرده‌اند. ما هم باید بر این موضوع بیشتر تمرکز کنیم. نکته جالب اینکه شیلی با تمرکز بر دانش و تخصص توانسته از یک کشور درحال‌توسعه امروز به کشور توسعه‌یافته تبدیل شود. امروز ۳۰ درصد مس دنیا در شیلی تولید می‌شود و تولید ناخالص ملی این کشور به مس وابسته است. ظرفیت معادن زیرزمینی این کشور بیش از ۳۰ میلیون تن در سال برآورد شده است.

او تصریح کرد: برگزاری سمینار، کنفرانس و نشست‌های علمی میان دانشگاه و معدن می‌تواند باعث توسعه روابط این دو حوزه شود.

> نیما کریم: شیلی با تمرکز بر دانش و تخصص توانسته از یک کشور در حال توسعه، امروز به کشور توسعه‌یافته تبدیل شود

اهمیت توجه به اکتشاف عمقی با تکیه بر دانش



جلیل قلمقاش، عضو انجمن زمین‌شناسی ایران به صمت گفت: در ۶۰ سال گذشته سطح کشور را با دقت ۱:۲۵۰ هزارم و ۱۰۰ هزارم پیمایش و تلاش کرده‌ایم ذخایر معدنی را در سطح شناسایی کنیم اما از آنجایی‌که دنیا به سمت اکتشافات عمقی رفته، ما ناگزیریم اطلاعات معدنی‌مان را در عمق افزایش دهیم. او تصریح کرد: وقتی به دروس زمین‌شناسی در آموزش و پرورش و مقاطع تحصیلی مختلف کم توجه شود، در آینده خسارت آن را خواهیم دید.

دقت کم مطالعات بخش معدن

قلمقاش تصریح کرد: باید مطالعات دقیق‌تری در سطح داشته باشیم؛ به این خاطر که ارزان‌ترین و سریع‌ترین روش است. به این ترتیب پیشنهاد تسریع فرآیند برداشت و تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی و ژئوشیمیایی با مقیاس ۱:۲۵ هزارم را دارم. قلمقاش با بیان اینکه در ۳۰ سال گذشته نتوانسته‌ایم کشف بزرگی در کشور داشته باشیم، اظهار کرد: دقت مطالعات ما افت کرده و ما نتوانسته‌ایم از دقت ۱:۱۰۰هزارم جلوتر برویم. باوجود رشد رشته‌های دانشگاهی و تعداد زیاد دانشجویان، متاسفانه دقت مطالعات عمومی ما از این عدد جلوتر نرفته است. عضو انجمن زمین‌شناسی ایران با تاکید بر اینکه آینده بهتر در گرو منابع انسانی توانمند است، ادامه داد: این مهم کلیدی برای رشد معادن است. آنچه که امروز زمین‌شناسان باید در زمینه آن کار کنند تهیه نقشه سه‌بعدی زمین‌شناسی کشور براساس اطلاعات سطحی و عمومی موجود در کشور است که البته این مهم به سرمایه مناسب و همت سازمان زمین‌شناسی نیازمند است.

تکیه بر دانش‌آموختگان جوان

قلمقاش با اشاره به آمار اشتغال و بیکاری در حوزه معدن در کشور گفت: براساس داده‌های بانک مرکزی در ۱۰ سال گذشته متوسط نرخ بیکاری ما ۱۱.۷۱ درصد بوده است. به‌طور متوسط ۵۳ درصد تحصیلکردگان شاغل و ۴۷ درصد بیکار بوده‌اند و بیشترین نرخ اشتغال هم به علوم پزشکی مربوط بوده است. قلمقاش با اشاره به اهمیت بهره از تحصیلکردگان و دانشجویان در رشد بخش معدن گفت: مهم‌ترین راهبرد برای آینده بهتر در کشور اتکا به دانش‌آموختگان جوان و نخبه کشور است. ما اهداف زیادی در آینده داریم اما برای ساختن بهتر آن بزرگ‌ترین هدف باید ایجاد فضا و حمایت از جوانان و اندیشه‌های آنها باشد. باید بدانیم بدون برنامه‌ریزی برای این آینده‌سازان نمی‌توانیم آینده خوبی داشته باشیم.

> نیما کریم: شیلی با تمرکز بر دانش و تخصص توانسته از یک کشور در حال توسعه، امروز به کشور توسعه‌یافته تبدیل شود

سخن پایانی...

ارتباط میان صنعت و معدن با دانشگاه یک رابطه برد-برد است؛ به این صورت که صنعت و معدن برای توسعه و کاهش هزینه‌های خود به دانش و دانشگاه وابسته هستند و دانشگاه نیز برای تداوم عملکرد به بودجه صنعت و معدن نیاز دارد.

کارشناسان باور دارند کشورهای پیشرفته با ایجاد فضا برای طرح مسائل و مشکلات روز صنعتی و معدنی در دانشگاه‌ها، شرایط تعریف پایان‌نامه‌های تحقیقاتی را فراهم می‌کنند. این پایان‌نامه‌ها در میان‌مدت و بلندمدت به شکل سیستماتیک و منظم در مسیر ایجاد راه‌حل یا تجاری‌سازی هدایت می‌شوند، این در حالی است که ما در این زمینه ضعیف عمل کرده‌ایم. به این معنی که ارتباط معدن و دانشگاه آنطور که باید و شاید شکل نگرفته است. اگر دانشگاه‌های کشور فهرستی از مشکلاتی که هم‌اکنون معادن و صنایع وابسته با آن درگیر هستند، را در اختیار داشته باشند، در عمل می‌توان به نیروهای جوان و خلاق برای رسیدن به اهداف عالی پیشرفت و توسعه صنعتی جهت داد و شاهد توسعه کشور بود.

کارشناسان باور دارند برای کاهش مشکلات صنعت معدن باید توجه بیشتری به دانشگاه شود. در این راستا برپایی کارگاه‌های مشترک دانشگاهی و صنعتی، برگزاری نشست‌ها و ایجاد اتاق فکر متعدد و مشترک راه را برای ارتقای این پیوند پویا باز خواهد کرد. در پایان امید است هلدینگ‌های بزرگ معدنی برای حل مشکل بخش معدن ارتباط خود را با دانشگاه‌های کشور گسترش دهند.

کاهش تعداد چک‌های برگشتی به مبادله‌ای



گـزارش بانک مرکزی از آمار چک‌هـای مبادله‌ای در مهر ۹۹ نشـان می‌دهد نسبت تعداد چک‌های برگشتی به مبادله‌ای در این ماه نسـبت به شـهریور، ۹.۸ درصد کاهش یافته اسـت. به‌گزارش بانک مرکزی، شیوع کرونا در ایران از اواخر بهمن ۹۸ سبب شد بسیاری از واحدهای اقتصادی تعطیل یا نیمه‌تعطیل شـوند، موضوعی که در تسـویه تعهـدات مالـی آنهـا به‌ویژه وصـول چک‌های صادرشـده ازسوی آنها نیز تاثیرگذار بود. به همین دلیل، دولت برخی از تنبیه‌های مربوط به چک برگشتی را برای ۳ ماه به حالت تعلیق درآورد تا در صورت برگشت چک در روزهای کرونایی، فعالان اقتصادی دچار مشکلات زیادی نشـوند. بر همین اسـاس و همانطور که انتظار می‌رفت، گـزارش بانک مرکزی از آمار چک‌های مبادله‌ای در مهر ۹۹ مشابه ماه‌های قبل، نشان‌دهنده رقم قابل‌توجه تعداد و مبلغ چک‌های برگشـتی بعد از یک سال روند کاهشی بوده اسـت. مطابق گزارش بانک مرکزی، در مهر ۱۳۹۹ در کل کشور افزون بر ۸.۹ میلیون چک به ارزشی حدود ۲۱۷۰ هزار میلیارد ریال مبادله‌شـد که نسـبت به مـاه قبـل از نظـر تعـداد و مبلـغ بـه ترتیب ۵.۸ درصـد کاهش و ۶.۹ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در مهر ۱۳۹۹، در کل کشور بیش از ۸.۱ میلیون چک به ارزشـی حـدود ۱۹۵۶ هـزار میلیارد ریال وصول شد که نسـبت به ماه قبل از نظر تعداد و مبلغ به ترتیب ۴.۸ درصـد کاهش و ۷.۱ درصـد افزایش نشـان می‌دهد. از کل تعداد و مبلغ چک‌های مبادله شـده در ماه یادشـده به ترتیب ۹۱.۷ درصد و ۹۰.۱ درصد وصول شـده است. درصد تعداد و مبلغ چک‌های وصول شـده در شـهریور ۱۳۹۹ بـه ترتیـب معادل ۹۰.۸ درصـد و ۸۹.۹ درصد و در مهـر ماه ۱۳۹۸ بـه ترتیـب برابـر ۹۱.۶ درصـد و ۸۷.۸ درصـد بوده اسـت. در مهر ۱۳۹۹، در کل کشـور افزون بر ۷۳۴ هزار چـک بـه ارزشـی حـدود ۲۱۴ هـزار میلیارد ریال برگشـت داده شده که نسبت به ماه قبل از نظـر تعداد ۱۵ درصد کاهـش و از نظر مبلغ ۴.۵ درصد افزایش نشان می‌دهد.

براسـاس ایـن گزارش، از کل تعـداد و مبلغ چک‌های مبادله شـده در ماه یادشـده (مهر ۹۹) بـه ترتیـب ۸.۳ درصد و ۹.۹ درصد برگشـت داده شـده اسـت. تعداد و مبلغ چک‌های برگشـت داده شـده نسبت به چک‌های مبادله شـده در شهریور امسـال به ترتیب معادل ۹.۲ و ۱۰.۱ درصد و در مهر ماه ۹۸ به ترتیب برابـر ۸.۴ و ۱۲.۲ درصد بوده است. به‌عبارت دیگر، تعداد چک‌های برگشت داده شده نسبت به چک‌های مبادله شده در مهر ۹۹ در مقایسـه با شهریور ماه امسـال ۹.۸ درصد کاهش یافته اسـت. کارشناسـان اعتقاد دارند با اجرای بندهای عقب افتـاده قانون جدید چک از جمله ثبت اطلاعات چک در سـامانه صیاد و چک الکترونیک ازسـوی بانک مرکزی، شـاهد کاهش چشمگیر تعداد و مبلغ چک‌های برگشتی نسبت به مبادله‌ای در ماه‌های آینده خواهیم بود.

گروه خبر
editor@smtnews.ir

افزایش سرمایه بیمه آسیا در انتظار رأی سهامداران

سـرانجام پس از ماه‌های تـلاش و پیگیری، سـازمان بورس و اوراق بهـادار تهران در یک بیانیه رسـمی، از ثبـت و موافقت بـا افزایش سـرمایه بیمه آسیا خبر داد و با انتشار گزارش بیانیـه ثبـت افزایـش سـرمایه و همچنیـن گزارش سـازمان حسابرسـی کل کشور، طی روزهای باقیمانده آذرماه سهامداران به مجمع دعوت خواهند شـد. دسـتور این مجمع مهم تصمیم‌گیری درباره افزایش سـرمایه شـرکت بیمه آسـیا از ۲۳۰ میلیارد تومان فعلی به ۲۵ هـزار و ۴۱۴ میلیـارد و ۳۹۰ میلیـون تومان خواهد بود. به‌گزارش دنیای بیمه، این افزایش سـرمایه از محـل تجدید ارزیابـی دارایی‌های شـرکت (امـلاک و زمین‌های بیمه آسـیا) در سراسـر کشور انجام می‌شـود که هیات مدیره شرکت بیمه آسـیا هدف از افزایش سرمایه را اصلاح سـاختار مالی اعلام کـرده و می‌گوید: سـهم اتکایی واگذاری اجبـاری از ۲۵ به ۱۰ درصد در رشـته‌های غیرزندگی و از ۵۰ درصد به ۲۰ درصد در رشته‌های بیمه زندگی در افق ۱۴۰۰ خواهد رسید.

در مقام عمل این تصمیم، دست هیات مدیره بیمه آسیا را برای اعمال مدیریت ریسک بازتر خواهد گذاشـت تـا آنها حـق بیمه‌های تولید شده با ریسـک کمتر را نزد شرکت نگه دارند و منابع ناشی از حق بیمه‌ها (درآمد حق بیمه) را برابر آیین‌نامه‌های بیمه مرکزی و برنامه‌های از پیش طراحی شـده مدیریت شرکت، صرف سـرمایه‌گذاری کنند که این مهـم در نهایت سودآوری پایدار بیمه آسیا را تضمین می‌کند. علاوه بر اینکه همچنان بیمه آسیا در پرداخت خسـارت‌ها و عمل به تعهدات خـود در قبال بیمه‌گذاران در مقام نخست صنعت بیمه حفظ خواهد کرد.

حمایت بانک صنعت و معدن از تولیدکنندگان استان سمنان

بنابر اعلام روابط‌عمومی اسـتانداری سـمنان با پیگیری‌های علیرضا آشـناگر، اسـتاندار سـمنان، مدیریت بانـک صنعت و معدن کشور با پرداخت تسهیلات ۳ تا ۵ هزار میلیارد ریالی به واحدهای صنعتی و تولیدی استان موافقت کرد. به‌گزارش ایرنا، علیرضا آشـناگر در گفت‌وگوی ویدئو کنفرانسـی با مدیرعامل بانک صنعت و معدن کشـور گفت: استان سمنان۳ منطقه ویژه اقتصادی و ۲۵ شـهرک صنعتی دارد و سمنان جزو استان‌های صنعتی کشور به‌شمار می‌رود.

وی ادامـه داد: پرداخت تسـهیلات ۵ هزار میلیـارد ریالی از سـوی بانـک صنعت و معدن مشـکلات واحدهـای تولیدی و صنعتیِ خواهان تسـهیلات استان سمنان را رفع خواهد کرد و شرکت‌های خوشنام در دریافت این میزان تسهیلات در اولویت قرار دارند. اسـتاندار سـمنان خاطرنشـان کرد: استان سمنان به‌دلیل برخورداری از ظرفیت‌های اقتصادی قابل‌توجه بخشی از بار اشتغال استان‌های همجوار را هم به دوش می‌کشد.

وی با بیان اینکه بانک‌های عامل اسـتان در سال‌های گذشته برای توسـعه اقتصادی اسـتان نقش غیرقابل انکاری داشتند، ادامه داد: بانک صنعت و معدن از بانک‌های فعال و موفق استان سمنان در بخش‌های مختلف به‌شمار می‌رود.

آشـناگر اضافه کرد: تعـدادی از واحدهای صنعتی و تولیدی اسـتان سـمنان که به اصطلاح بازاری خوش‌حسـاب به شمار می‌رونـد خواهان دریافت تسـهیلات هسـتند کـه از موافقت مدیریـت بانـک صنعـت و معدن کشـور بـرای پرداخت این تسهیلات نهایت قدردانی را دارم.

آشـناگر افزایـش اختیارات مدیریت اسـتانی بانک صنعت و معدن اسـتان سمنان را برای گره‌گشایی از مشکلات واحدهای تولیدی و صنعتی خواستار شد. استاندار سمنان تصریح کرد: با برگزاری نشست‌های کارشناسی برای عملیاتی شدن تفاهمنامه بین اسـتانداری سـمنان، بانک صنعت و معـدن و بنیاد برکت اقدام می‌شـود. استان سـمنان با داشـتن حدود هزار و ۸۴۰ پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و معدنی با سرمایه‌گذاری حـدود ۷۶ هزار میلیارد ریال و اشـتغال برای بیش از ۶۸ هزار و ۸۰۰ نفـر، یکی از قطب‌های صنعتی و معدنی شـرق کشـور به‌شمار می‌رود.

اخبار

عرضه اولیه سهام لیزینگ اقتصادنوین

سهام شرکت لیزینگ اقتصادنوین به‌زودی در بـازار بورس اوراق بهادار عرضه می‌شـود. به‌گـزارش روابط‌عمومی بانـک اقتصادنوین، علیرضـا بلگـوری با اشـاره بـه اقدامات این بانک در رعایـت الزامات ابلاغـی مواد ۱۶ و ۱۷ قانـون رفـع موانع تولید، گفـت: در این زمینه، شـرکت‌هایی کـه امـکان عرضه در بـازار بـورس و فرابورس را داشـتند انتخاب شدند که با هماهنگی سازمان بورس و اوراق بهادار اقدامات لازم در راسـتای واگذاری این شرکت‌ها در حال انجام و پیگیری است.

او افزود: در ایـن زمینه اقدامات اولیه برای پذیرش شـرکت لیزینـگ اقتصادنوین انجام شده است و درحال‌حاضر در انتظار درج نماد و بلافاصله تکمیل مدارک و عرضه سهام این شرکت هستیم و پیش‌بینی می‌کنیم در آینده نزدیک به انجام خواهد رسید. مدیرعامل بانک اقتصادنوین همچنین درباره وضعیت عملیاتی و سـودآوری شـرکت لیزینـگ اقتصادنوین گفت: از منظر سودآوری، سود خالص شرکت در ۶ماهه منتهی به پایان شـهریور امسال در مقایسـه با دوره مشابه سـال قبل ۴۸ درصد رشد داشته اسـت. سود عملیاتی این شرکت نیز در ۶ماه نخست امسال در مقایسه با دوره مشابه سال قبل رشـدی حدود ۵۵ درصد را تجربه کرده اسـت. مبلغ تسهیلات ارائه‌شده در حـوزه خودروهـای سـبک و سـنگین و تجهیزات نیز با رشـدی افزون بر ۲۸۵ درصد نسـبت به دوره مشابه سـال قبل همراه بوده اسـت. این در حالی اسـت که با وجود رشد قابل‌توجه تسـهیلات اعطایی و شـرایط ویژه ناشی از شیوع کرونا و رکود کسب‌وکار، نسبت معوقات به مانده تسهیلات طی دوره یادشده نسـبت به دوره مشابه سـال قبل بهبودیافته اسـت. مدیرعامل بانک اقتصادنوین همچنین از اقدامات انجام‌شده در برای پذیرش شرکت پرداخت نوین آرین که از شـرکت‌های فعال در حوزه صنعت PSP کشـور است، در بازار فرابورس خبر داد.

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۵۸-۹۹

شرکت پتروشیمی شازند (سهامی عام)

موضوع: تهیه نقشه های ساخت از قطعات یدکی در مجتمع پتروشیمی شازند

شـرکت پتروشـیمی شـازند (سـهامی عام) در نظر دارد موضوع فوق‌الذکـر را از طریق برگـزاری مناقصه عمومی و طبق شـرایط خصوصی و الزامات و مشخصات تعیین شده، به پیمانکار واجد شـرایط واگذار نماید. لذا از شرکت‌های ذیصلاح که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشـته و دارای سـابقه و تجربه مفید و مرتبط می‌باشـند دعوت می‌گـردد از تاریخ درج آگهی تا مـورخ **۹۹/۰۹/۲۵** (به غیـر از روزهای تعطیـل)، ضمن معرفی نماینـده مطلع و آگاه با همراه داشـتن کلیه مدارک مورد نیاز در بنـد (ب) جهت تحویل مدارک و خرید اسـناد مناقصه و تکمیل فـرم تقاضا به نشـانی اراک، کیلومتر ۲۲ جـاده بروجرد، مجتمع پتروشیمی شازند، دفتر امور پیمانها و برآورد مراجعه و در صورت نیاز به اطلاعات بیشـتر با شماره تلفن **۶۵- ۳۲۶۳۳۱۶۳-۰۸۶** تماس حاصل نمایند.

الف) شرح کار

تهیه نقشـه سـاخت تعداد ۶۰۰ عدد کـد MESC از قطعات یدکی مجتمع پتروشـیمی شازند در دو شکل کتابچه مدون فنی (شناسـنامه فنی) و سـیستم نرم‌افزاری که براساس شمارهMESC و PART NO برای هر قطعه قابل شناسایی باشد.

ب) مدارک مورد نیاز:

۱- تصاویر اساسـنامه، آگهی تأسـیس، ثبت شـرکت و آخرین تصمیمات و تغییرات مندرج در روزنامه رسمی.

۲- فهرست سوابق کارهای انجام شده یا درحال انجام و یا مشابه موضوع مناقصه با ارائه گواهی و رضایت‌نامه از کارفرمایان قبلی.

۳- تصویـر گواهی‌نامه ثبت‌نام مؤدیـان مالیاتی (کد اقتصادی) و شناسـه ملی، نشانی و کدپستی و شماره تلفن (فاکس) تماس.

۴- ارائه گردش مالی شـرکت، مفاصاحسـاب قراردادهای انجام شـده، گواهی ارزش‌افزوده، کپی ضمانت‌نامه‌های اخذ شـده طی یکسـال گذشته

۵- تصویر شناسـنامه و کارت ملی (پشت و رو) صاحبان امضای مجاز شرکت.

۶- گواهـی صلاحیت ایمنی پیمانکار با اعتبار زمانی و مرتبط از وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی.

۷- سایر مدارک وگواهی‌های معتبر و مرتبط با موضوع مناقصه که در ارزیابی توانمندی و تأیید صلاحیت متقاضی موثر باشد.

توجـه: در صورت نقص و عدم تکمیل مـدارک مذکور ارزیابی متقاضیان قابل بررسـی نخواهد بود. همچنین ارائه مدارک و عدم تأیید صلاحیـت، هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و به اسناد و مدارکی که جهت شرکت در مناقصه بعد از مدت مقرر در آگهی ارائه گردد، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ج)سایر شرایط مناقصه:

۱- واگذاری اسـناد مناقصه: پس از ارائه مدارک مندرج در بند ب در مقابل واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/- ریال به حساب جاری شماره ۰۱۰۵۷۶۳۷۸۰۰۰۰ به نام شـرکت پتروشـیمی شازند نزد بانک ملی شـعبه پتروشیمی تحویل شرکت‌کنندگان خواهد شد یادآور می‌شود مبلغ مذکور در صورت عدم تأیید پیمانکار مسترد نخواهد شد.

۲- مبلغ تضمین شـرکت در مناقصه: ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی قابل واریز به صورت نقدی به حسـاب صدرالاشاره و یا ارائه چک تضمینـی بانکی و یـا ضمانت‌نامه بانکی ثبت شـده در سـامانه پیام‌رسانی الکترونیکی مالی بانک مرکزی (سیام) با اعتبار سه ماه به نام شرکت پتروشیمی شازند.

۳- پیمانکار باید دارای شـخصیت حقوقی، توان فنی مناسب با برنامه‌ریـزی و توانایی مالی لازم جهت ارائه ضمانت‌نامه‌های مورد نیاز شـرکت در مناقصه و یا عقد قرارداد را طبق مقررات و ضوابط این شرکت داشته باشد.

۴- پرداخت هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی شازند

نوبت دوم شماره مجوز ۱۳۹۹.۵.۲۷

«آگهی ارزیابی کیفی تولیدکنندگان»

شـرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شـازند در نظر دارد کالاهـای موضوع بند «یک» آگهی حاضر را از طریـق برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای از تولید کننده واجد شرایط خریداری و تامین نماید.

۱) موضوع مناقصه:

الف) شرح مختصر کالا:

ردیف	شماره مناقصه (تجدید)	شرح مختصر کالا	تعداد	برآورد هزینه انجام موضوع مناقصه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)
۱	RNL-9948004-MH	دستکش کف دوبل کارگاهی	۱۰۰/۰۰۰ جفت	۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰

ب) شرایط متقاضی:

۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره اقتصادی، توانایی مالی، سابقه کار مفید و مرتبط با موضوع مناقصه.

۲- داشتن کد ملی/ شناسه ملی جهت شرکت در مناقصه الزامی است.

۳- داشتن حسن سابقه و ارائه گواهینامه های مورد نظر از خریداران قبلی و اعلام اسامی خریداران قبلی در صورت لزوم.

۴- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (در صورت تایید در ارزیابی کیفی مناقصه‌گران) و همچنین تضمین انجام تعهدات (در صورت برنده شـدن در مناقصـه) مطابق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی موضوع تصویب‌نامه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲ / ت مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲.

۵- داشـتن صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضاء جامعه حسـابداران رسـمی، مطابق با ماده ۲ آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی، جهت مناقصه ردیف «۱» الزامی می‌باشد.

۲) نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند واقع در استان مرکزی اراک، کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد

۳) مهلت و محل دریافت فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی: متقاضیانی شـرایط اولیـه (بند ب) بوده و آمادگـی لازم جهت انجام مناقصـه مذکور را دارند می‌توانند پس از انتشـار آگهی نوبت دوم (۳ روز پس از انتشـار آگهی نوبت اول) به مدت ۵ روز کاری ضمن ارسال تقاضای شرکت در مناقصه مورد نظر از طریق نمابر **۰۸۶-۳۳۶۷۲۰۱۳** فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی را از پایگاه اینترنتی این شرکت به آدرس **WWW.IKORC.ir** دریافت و براساس آن مدارک لازمه را تکمیل و صرفا بر روی لوح فشرده (CD) به این شرکت تحویل یا ارسال نمایند.

۴) زمان و محل تحویل اسناد ارزیابی کیفی (تکمیل شده توسط متقاضیان): زمان تحویل اسـناد ارزیابی کیفی توسـط مناقصه‌گران، ۲ هفته پس از آخرین مهلت ارسـال تقاضای شـرکت در مناقصه می‌باشـد. ضمنا محل تحویل یـا ارسـال لوح فشـرده (CD) حـاوی فرم‌ها و مدارک تکمیل شـده، به نشـانی اراک - کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد - سـه‌راهی شـازند - شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند- اداره تدارکات و امور کالا - ساختمان ب - طبقه همکف اتاق ۱۱۸ کدپسـتی ۳۸۶۷۱-۴۱۱۱۱ - تلفن: **۴۲ و۳۳۴۹۲۸۴۰** (عظیمی) می باشد. بدیهی است به مدارک ارسالی بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا دادن پیشنهاد و ارائه اسناد و مدارک هیچگونه حقی برای متقاضی ایجاد نمی‌کند لازم به ذکر است دستگاه مناقصه‌گزار پس از وصول لوح فشرده حاوی اسناد ارزیابی کیفی ظرف مدت ۱ ماه نسبت به اعلام اسامی واجدین شرایط اقدام خواهد نمود.

توجه: مناقصه‌گران نخسـت با مراجعه به سـایت این شرکت (همزمان با انتشار آگهی نوبت دوم) می‌بایسـت ۲ برگ فـرم ارزیابی کیفی را اخذ و پس از تکمیل به همـراه مدارک مربوطه، صرفا بر روی لوح فشـرده (CD) درج و در موعد مقرر به آدرس این شـرکت ارسال یا تحویل نمایند، این شـرکت نیز پس از ارزیابی کیفی متقاضیان، از شرکت‌هایی که حداقل امتیاز قابل قبول را کسب نموده باشند، جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آورد.

توصیه: بیشنهاد می‌گردد شرکت‌های متقاضی در اسرع وقت نسبت به ثبت نام در سامانه تامین الکترونیکی کالای نفت (EP) اقدام نمایند.

آدرس اینترنتی: WWW.IKORC.ir

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ — تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند

www.Gostaresh.news

۸۸ ۷۲۲ ۷۳۳

آخرین خبرها و تازه‌ترین تحلیل‌ها را در پایگاه خبری «گسترش نیوز» دنبال کنید

یادداشت

ما هنوز علم اقتصاد را قبول نداریم



پیمان مولوی
اقتصاددان

این روزها بحث چین بسیار داغ شده است؛ هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخلی! در سطح جهانی چین به آرامی در حال خارج شدن از نقش قبلی است و آماده برای تغییر براساس چرخه کندراتیف و هژمون. چرخه کندراتیف، از «دوره‌های طولانی» صحبت می‌کند که مشخص‌کننده رابطه انسان و محیط مادی‌اش در طول تاریخ است.

چرخه کندراتیف که از ترقی بریتانیا و به نقطه اوج رسیدن آن شروع شد، در سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۹۶ میلادی رو به افول نهاد. پس از آن امریکا با صنایع شیمیایی و غذایی مدرن این راه را تا سال ۲۰۰۰ پیمود و حالا براساس نوبت چین در حال گذر از این چرخه است.

این در حالی است که در بحبوحه جنگ تجاری بین امریکا و چین کمتر کسی را می‌بینید که بدون تعصب، راوی «توسعه فکری» در چین باشد؛ همانطور که بسیاری با تعصب در دهه‌های گذشته رشد ایالات متحده را زیر سوال بردند و فرصت‌های بسیاری را از اقتصاد گرفتند.

اما چین و حرکت این کشور بر مدار توسعه خود داستانی جالب دارد.

بسیاری چین را هنوز کشوری کمونیست می‌نامند؛ این اطلاق یا عامدانه است یا از سر ناآگاهی! برای درک بهتر شرایط امروز چین باید دید تحول و اراده تحول‌خواهی چگونه در کشوری با جمعیت میلیاردی توانسته به اینجا ختم شود.

در سال ۱۹۸۰ میلادی گروهی از اقتصاددانان رفرمیست از جمله «اکسو موکیائو» گزارش و سندی را که حاوی خطوط اصلی اصلاحات در چین بود، منتشر کردند. این سند شامل برنامه اصلاحات و سازماندهی بنگاه‌ها مطابق با کارآیی اقتصادی، تولید کالا، نقش بازار در کنار برنامه و تمرکززدایی اقتصادی بیشتر، برای استفاده مقامات رسمی بود.

لی شیانیان، رئیس‌جمهوری اسبق و عضو حزب کمونیست چین پس از مطالعه این سند نوشته بود: «من متن را ۲ بار خواندم و از آن سر درنیاوردم! »

این حکایت نشان از وضعیت اسفناک دانش اقتصادی و رشته اقتصاد در سرآغاز دوره اصلاحات در چین دارد. رشته اقتصاد در این کشور از سال‌های ۱۹۵۰ میلادی به محاق رفته بود و حالا چین برای مدرن شدن و توسعه به آن نیاز داشت.

کار با تجدید ساختار این رشته آغاز شد و تمام قدرت سیاسی نیز بی‌چون و چرا از این تجدید ساختار حمایت کردند. لین، اقتصاددان معروف آکسفورد در این باره جمله مهمی دارد و می‌گوید: «در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی اشباع نظری وجود دارد (در حوزه اقتصاد) و پیشنهادات عملی، رهبرانی را که نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند اصلاحات اساسی را آغاز کنند تحت فشار قرار داده است. در مقابل چین رهبرانی دارد که برای اصلاحات بی‌تاب هستند اما فاقد ضرورت نظری و برنامه کار! »

سیر تحولات به‌گونه‌ای پیش رفت که شاید این روزها تعداد اساتید اقتصاد در چین به اندازه بریتانیا باشد. از سوی دیگر دپارتمان‌های اقتصادی تشکیل شد که از نئولیبرالیسم تا رویکردهای سوسیالیسم بازارمحور همه و همه به مرور ظرف ۳۰ سال اقتصاد چین را به لحاظ فکری تغذیه کردند.

چین خلاف بسیاری از کشورها که همه‌چیزدان هستند، با آغوش باز نظرات مختلف اقتصادی را جویا شد. در این میان بنیاد فورد و انجمن اقتصاد امریکا بازیگران کلیدی استقرار رشته اقتصاد در چین بودند؛ یعنی عملا چین برای انتقال از «اقتصاد نافرجام» به اقتصاد بازارمحور از رقیب خود کمک گرفت. البته این بازی برای هر دو منفعت داشت و بازار یک میلیاردی چین برای سرمایه‌گذاران امریکایی بسیار جذاب بود.

رهبری انجمن اقتصاد امریکا برعهده «گریگوری چاو» استاد اقتصاد پرینستون و وی از شاگردان میلتون فریدمن بود. خود فریدمن برای سخنرانی به چین دعوت شد. تخصص فریدمن تحلیل قیمت‌ها و نیز جهت‌گیری ضدتورمی بنیادگرایانه بود و این برای چینی‌ها جذابیت داشت، چراکه آنها سال‌ها با تورم درگیر بودند. اصلاحات قیمتی در چین در رأس برنامه‌ها قرار گرفت و به مرور در سال ۱۹۸۴ میلادی رفرمیست‌ها بر طرفداران برنامه‌ریزی متمرکز پیروز شدند و به مرور قیمت‌های غیربازاری از اقتصاد چین رخت بربست. وقتی مسیر مشخص شد با جدیت و بدون فوت وقت تغییر آغاز شد و دیگر هر روز برنامه‌ها زیر سوال نفرت و سنگ جلوی پای توسعه قرار نگرفت. این روند ناشی از وحدت فکری در سیاست چین بود.

اقتصاد چین به بسیاری از اندیشکده‌های بزرگ جهان نزدیک شد؛ از موسسه اطلس، اندیشکده یونیرول و موسسه منهتن گرفته تا بسیاری از اندیشکده‌های دیگر و این کشور میزبانی اجلاس‌های بزرگ اقتصادی را برعهده گرفت. برنامه‌های مدیریت اجرایی چین به‌صورت اقدام مشترک امریکایی-اروپایی از سال ۱۹۸۴ میلادی آغاز شد و تا سال ۲۰۰۵ میلادی بیش از ۶۰ هزار شرکت در چین مبتنی بر آموزش غربی ایجاد شدند. در سال‌های ۱۹۹۰ میلادی اقتصاد غربی جای خود را به اقتصاد مدرن داد. بیشتر کتاب‌های دانشگاهی در این سال‌ها از ناشران امریکایی بودند و در سال ۲۰۰۰ میلادی یک‌چهارم دانشجویان چینی یا اقتصاد می‌خواندند یا مدیریت. شاید اگر بپرسید فرمانده توسعه اقتصاد چین کیست، باید بگویم علم اقتصاد. چینی‌ها علم اقتصاد را به جایگاه فرماندهی رساندند، بدون تعصب از جهان یاد گرفتند و بدون ادعا ۴ دهه کار کردند. در مقابل ما چه می‌کنیم؟ ما هنوز علم اقتصاد را قبول نداریم، هنوز خود را عالم در تمامی مباحث و بی‌نیاز به جهان می‌بینیم، راه تجربه و خطا را برگزیده‌ایم و هنوز چشم‌انداز را روشن ترسیم نکرده‌ایم؛ نه برای خود و نه جامعه.

استقرار مدیریت دانش در بانکداری

گروه بانک و بیمه
editor@smtnews.ir

پیتر دراکر، از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان مدیریت در جهان معتقد است برای حضور در فضای رقابتی و حتی شاید برای زنده ماندن در این رقابت، کسب‌وکارها باید خود را به دانشکاران مجهز کنند. به تعبیری دیگر سازمان‌های قرن بیست‌ویکمی به‌جای سرمایه انسانی، دانشکار دارند و دانش سازمان است که مهم‌ترین منبع و سرمایه آن محسوب می‌شود. صنعت بانکداری نیز از این قاعده مستثنا نیست. این صنعت متمرکز بر مشتری است؛ بنابراین بانک‌ها برای برآورده کردن انتظارات مشتری باید دانش مشتریان را به‌دست آورند و از آن استفاده کنند و محصولات و خدمات خود را توسعه دهند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که استقرار راهکارهای مدیریت دانش در بانک‌ها، نخستین بار در سال ۱۹۹۶ در بانک جهانی آغاز شده و در ادامه توسط بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته مانند بریتانیا، پرتغال، اسپانیا، ترکیه، ژاپن، کانادا و ایالات متحده امریکا و آلمان دنبال شد و سپس به دیگر مناطق دنیا گسترش یافت. اواسط دهه گذشته، استقرار مدیریت دانش در برخی از بانک‌های کشورهای در حال توسعه مانند مالزی، لیبی، موریس، تونس، لبنان و امارات متحده عربی آغاز شد و سپس به مصر، افریقای جنوبی، پاکستان و اندونزی گسترش یافت. بسیاری از صاحب‌نظران بانکی بر این باورند که امروزه یکی از عوامل محدودیت‌زا برای همکاری بانک‌های اروپایی با بانک‌های ایرانی، عقب بودن بانک‌های ایرانی از استانداردهای جهانی است. این عقب ماندن تنها به‌دلیل تحریم نیست بلکه در عقب ماندن دانش بانکداری ریشه دارد.



عکس: آیدا فریدی

> امروزه یکی از عوامل محدودیت‌زا برای همکاری بانک‌های اروپایی با بانک‌های ایرانی، عقب بودن بانک‌های ایرانی از استانداردهای جهانی است. این عقب ماندن تنها به‌دلیل تحریم نیست، بلکه در عقب ماندن از دانش بانکداری ریشه دارد

تحول در آموزش بانکداری



محمد امیدی‌نژاد- کارشناس بانکی: شکاف دانش بانکداری کشور با دانش بانکداری بین‌الملل قابل‌توجه است. تجربه برجام نشان داد بانک‌های خارجی از همکاری با بانک‌های کشور به‌علت تطبیق نداشتن با مقررات، استانداردها و رویه‌های بین‌المللی بانکداری در برخی حوزه‌ها امتناع می‌ورزند؛ بنابراین توجه بیشتر به امر آموزش بانکداری در کشور ضروری است. در ادامه برخی نکات مرتبط با مدیریت آموزشی بانک‌ها ارائه می‌شود:

۱- آموزش (education) و کارآموزی (training) دو واژه مرتبط اما متفاوت هستند. هر شغل بانکی نیازمند تحصیلات دانشگاهی خاصی است. مراد از education این است که فرد تحصیلات مرتبط را در دانشگاه گذرانده و با دانش نظری آشنا شده است. مراد از training این است که فرد در هنگام خدمت در دوره‌های کارآموزی بانک شرکت می‌کند تا یاد بگیرد چگونه از دانش نظری خود در عمل استفاده کند. در نظام‌های مالی پیشرفته، گواهینامه‌های آموزشی حرفه‌ای (professional qualifications) متناسب با مشاغل مختلف بانکی تعریف شده و به‌طور هدفمند نیازهای آموزشی کارکنان بانک‌ها مرتفع می‌شود. معمولا یک نهاد مرجع با همکاری دانشگاه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای چنین برنامه‌هایی را طرح‌ریزی می‌کند. مرکز آموزش مالی اسلامی مالزی، موسسه بانکداری و مالی بحرین، دانشکده مالی و مدیریت فرانکفورت آلمان، موسسه مالی سوئیس و... از جمله نهادهایی هستند که نقش کلیدی در رفع نیاز آموزش حرفه‌ای نظام بانکی کشور خود ایفا می‌کنند.

در ایران نیز ۳ سال بعد از تاسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران (موسسه علوم بانکی سابق) به همین منظور تشکیل شد. بسیاری از مدیران خوشنام نظام بانکی کشور فارغ‌التحصیلان همین نهاد آموزشی بوده‌اند.

پدیده فارغ‌التحصیلان بیکار و در عین حال کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه‌های مختلف اقتصادی حقیقت امروز بازار کار کشور است. یک تجربه جالب در سرمایه‌گذاری انسانی، استخدام نیروی انسانی در سنین پایین توسط بانک‌های کشور قبل از دهه ۸۰ بود. بدیهی است که نیروی انسانی در سنین پایین از انگیزه‌های یادگیری بالاتری برخوردار است. افراد علاقه‌مند به ادامه تحصیل از روز اول مسیر شغلی و تحصیلی همسویی داشتند و معمولا انتخاب اول‌شان برای ادامه تحصیل موسسه عالی آموزش بانکداری بود. حقیقتا، این مورد موفقی از ارتباط صنعت و دانشگاه بود که به‌دلایل مختلف نه فقط در صنعت بانکداری بلکه در صنایع دیگر نیز تضعیف شده است.

۲- نیروی انسانی بزرگ‌ترین سرمایه ما است. این سخن کلیشه‌ای در بسیاری از گردهمایی‌ها از جانب مدیران ارشد بانک‌ها خطاب به کارکنان بیان می‌شود، اما واقعیت این است که نیروی انسانی آموزش‌ندیده بزرگ‌ترین ریسک بانک‌ها است که به‌تنهایی می‌تواند تمام سرمایه بانک را هدر دهد. از این نظر بی‌توجهی به نقش و کارکرد مدیریت آموزش در بانک بسیار زیانبار است. بدون تردید، درصد بالایی از موفقیت یک برنامه آموزشی به انگیزه فراگیران برای یادگیری وابسته است. اگر نیروی انسانی به این نتیجه برسد که عملکرد وی تاثیری بر حقوق و مزایای او ندارد، از انگیزه لازم برای یادگیری برخوردار نخواهد بود. از این نظر اشکالات نظام ارزیابی عملکرد، نظام حقوق و دستمزد و نظام انتصابات و ارتقا تاثیر منفی بر انگیزه یادگیری کارکنان بانک‌ها دارد.

۳- آموزش یک نیاز شغلی است، نه یک امتیاز شغلی. این ایده غلطی است که برای تعداد ساعات آموزشی نیروی انسانی طی سنوات خدمت سقف ساعات آموزشی یا سقف امتیاز آموزشی تعریف می‌شود. آموزش سرمایه‌گذاری است و سقف آن به بازدهی آن در عمل بستگی دارد. هدف پر کردن ساعات آموزشی نیست؛ هدف بهبود عملکرد کارکنان است.

۴- یک طوطی را هم می‌توان آموزش داد، اما تفاوت دانش طولی با انسان این است که توسعه نمی‌یابد. توسعه منابع انسانی بانک‌ها منوط به ایجاد شرایطی است که فرد بتواند از آموخته‌های خود در عمل استفاده کند. اگر نظام مدیریتی بانک دانش‌محور نباشد، وقت نیروی انسانی بانک در برنامه‌های آموزشی هدر می‌رود.

۵- استقرار فرهنگ یادگیری در سازمان بدون مشارکت فعال مدیران ارشد در تدوین برنامه آموزشی میسر نیست. باید برای مدیران ارشد بانک‌ها اهداف آموزشی تعریف کرد. ابزارها و شیوه‌های آموزشی بسیار متنوع است. تجربه‌های برتر بین‌المللی حاکی از آن است که کلاس‌های آموزشی به شکل سنتی دانشگاهی کمتر مورد استفاده بانک‌ها قرار می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال بسیاری از نیازهای آموزشی از طریق طراحی خودآموز برای کارکنان قابل رفع است. آموزش هنگام خدمت (on-the-job training) یکی دیگر از شیوه‌های موثر آموزشی است که طی آن کارکنان تازه‌کار از کارکنان ارشد روش‌های عملی انجام امور را می‌آموزند. موفقیت مدیریت آموزشی بانک‌ها در اجرای این‌گونه برنامه‌های آموزشی منوط به مشارکت فعال مدیران ارشد است.

جنبشی نو در صنعت بانکداری



مهدیه نوروزیان- کارشناس برنامه‌ریزی: موج ویرانگر تحولات ناشی از فناوری‌های دیجیتالی در سال‌های اخیر بسیاری از صنایع و کسب‌وکارهای سنتی را متحول کرده است. دامنه کاربرد و تاثیرات «تحول ناشی از فناوری‌های دیجیتالی» کم‌کم در حال رسیدن به صنعت بانکداری است. با این حال خبر بد این است که بانک‌های دنیا (نه فقط ایران) برای حرکتِ پابه‌پای تحولات سریع فناوری، مجبور به رقابت با نوآوران چابک استارت‌آپی فعال در حوزه خدمات بانکداری شده‌اند. حالا دیگر بانک‌ها تنها موجودیت‌های فعال در حوزه‌های مالی و اعتباری و پرداخت نیستند و هجوم استارت‌آپ‌های نوآور و چابک به حوزه کاری آنها -به‌ویژه در همکاری با کسب‌وکارهای سایر صنایع- باعث پدید آمدن جنبشی نو در صنعت بانکداری شده است.

اگر فلسفه وجودی بانک‌ها را «ایفای نقش وساطت از طریق دو ماموریتِ افتتاح حساب و خرید سپرده‌های مردم و اعطای تسهیلات و فروش منابع مالی به متقاضیان دریافت سرمایه» تعریف کنیم، در عمل در وضعیت موجود صنعت بانکداری ایران، هیچ یک از این دو ماموریت اصلی از طریق کانال‌های دیجیتالی صورت نمی‌پذیرد و آنچه از طریق کانال‌های متنوع دیجیتالی بانک‌ها -از جمله اینترنت بانک، همراه بانک و...- ارائه می‌شود تنها خدمات متنوع روی سپرده‌ها و پذیرندگی تراکنش‌های مشتریان است.

گرچه بانک‌های ایرانی در زمینه «بانکداری الکترونیکی» تا حدودی موفق بوده‌اند، اما هنوز نتوانسته‌اند «بانکداری دیجیتالی» را آنچنان که باید، به‌خدمت خود و مشتریان‌شان درآورند.

شاید مهم‌ترین دلایل این امر، کم‌رنگ بودن مدل‌های کسب‌وکار کارمزدمحور در صنعت بانکداری ایران از یک سو و نبود طراحی مدل‌های کسب‌وکار ارزش‌آفرین برای مشتریانِ محصولات و خدمات الکترونیکی بانکی از سوی دیگر باشد. در حال حاضر به‌جای آنکه مشتریان برای بانک‌ها تعریف کنند به چه محصولات و خدمات بانکی نیاز دارند، بانک‌ها برای مشتریان تعریف می‌کنند که چه محصولات و خدماتی در دسترس آنها قرار دارد، این در حالی است که لازمه بانکداری دیجیتالی، طراحی محصول و خدمات بانکداری مبتنی بر شناخت کامل از نیازها و مشکلات تک‌تک مشتریان بانک است.

بنابراین «مشتری‌محوری با کمک بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال در طراحی محصولات و خدمات بانکی نوآورانه» حلقه مفقوده بانک‌های ایرانی برای موفقیت در زمینه بانکداری دیجیتالی است. لازمه دیجیتالی شدن بانکداری، علاوه بر تحول محصولات و خدماتِ سمت مشتری، ایجاد تغییراتی در معماری سازمانیِ بانک است و تنها راه تحقق این بخش نیز توجه به دانش روز در این عرصه است.

به‌صورت کلی نقطه آغاز حرکت بانک‌ها به‌سوی بانکداری دیجیتالی، درک نیازها و چالش‌های مشتریان همگام با توسعه فناوری است.

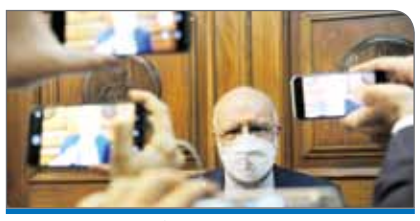
پایه دیگر تحول دیجیتالی بانکداری، توجه به این اصل کلیدی است که بانک دیجیتال دیگر در گستره مرزهای فعلی صنعت بانکداری نمی‌گنجد و در نتیجه بانکی که قصد دارد دیجیتالی شود، باید فراتر از آنچه امروز بانکداری نامیده می‌شود، فکر کند و دست به عمل بزند.

سخن پایانی...

امروزه مدیریت دانش ابزاری کاربردی در محیط تجارت الکترونیک از جمله بانکداری الکترونیک است، زیرا مدیریت دانش تاکنون بیشترین سهم و تاثیر را بر تجارت الکترونیک به‌ویژه خدمات بانکداری الکترونیک داشته است. در همین راستا بانک‌ها در پی ایجاد بسترهای الکترونیکی مناسب برای افزایش خدمات به مشتریان از طریق مدیریت دانش هستند؛ به‌عبارت دیگر مدیریت دانش بخش مکمل مدیریت روابط مشتری و ارائه خدمات الکترونیکی است که امروزه بیشتر سازمان‌ها تمرکز خود را روی ارزش دانش و اطلاعات به‌عنوان پایه قدرت و مزیت رقابتی، معطوف کرده‌اند. مدیریت دانش، بانک‌ها را قادر می‌سازد تا دیدگاه‌ها، بازار و مخاطبان را درک کرده و بتوانند شکاف‌ها و فرصت‌ها برای ارائه خدمات الکترونیک را شناسایی کنند. در این بین فناوری پردازش اطلاعات و توسعه بانکداری الکترونیک نیز از مؤلفه مدیریت دانش در نظام بانکداری به‌شمار می‌رود.

خبر روز

اجماع اوپک‌پلاس بر کاهش تولید نفت



دوازدهمین نشست وزیران نفت و انرژی کشورهای تولیدکننده عضو و غیرعضو اوپک شامگاه پنجشنبه با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد.

به گزارش شانا، دوازدهمین نشست وزیران نفت و انرژی تولیدکنندگان عضو و غیرعضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) از طریق ویدیوکنفرانس با حضور ۲۳ کشور عضو و انتشار بیانیه‌ای به‌کار خود پایان داد.

در این نشست از عملکرد مثبت اعضا در پایبندی به توافق کاهش تولید از زمان نشست وزیران اوپک و غیر اوپک در ماه ژوئن و از اقدام سازنده بسیاری از کشورها برای جبران تخلف‌های خود در ماه‌های گذشته بر اساس توافق نشست وزارتی در ماه ژوئن و ماه سپتامبر ۲۰۲۰ استقبال شد و با نگاهی به آینده، بر اهمیت تلاش همه شرکت‌کنندگان در توافقنامه همکاری (DOC) و تولیدکنندگان عمده نفت برای برقراری توازن و تثبیت بازار تاکید شد.

همچنین گفته شد که قرنطینه و محدودیت‌های دوباره و اقدام‌های سختگیرانه‌تر برای مهار ویروس کرونا با تردیدهای بسیار در فصل زمستان، همچنان بر اقتصاد جهانی و بهبود تقاضای نفت تأثیر می‌گذارد.

کشورهای شرکت‌کننده در توافقنامه همکاری نیز تصمیم گرفتند در ماه ژانویه ۲۰۲۱، به‌صورت داوطلبانه تولید را ۵۰۰ هزار بشکه در روز تسهیل کنند و این رقم را از روزانه ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه به ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز برسانند.

افزون بر این، کشورهای شرکت‌کننده در توافقنامه همکاری مشترک توافق کردند که از ماه ژانویه نشست وزیران اوپک و غیر اوپک را - برای ارزیابی شرایط بازار و تصمیم گیری درباره تعدیل بیشتر تولید در ماه بعد از آن - به صورت ماهانه برگزار کنند و تسهیل تولید ماهانه بیشتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز نباشد.

در این نشست همچنین توافق شد که دوره جبران تخلف تعیین‌شده در یازدهمین نشست وزیران اوپک و غیراوپک و پس از آن در سپتامبر ۲۰۲۰ برای دوره ژانویه تا پایان مارس ۲۰۲۱ تمدید شود، تا این اطمینان حاصل شود که همه کشورهای شرکت‌کننده در توافقنامه همکاری تخطی در پایبندی را جبران می‌کنند.

وزیر نفت گفت: بر اساس توافق دوازدهمین نشست وزارتی اوپک‌پلاس، مقدار کاهش عرضه تولیدکنندگان عضو و غیرعضو اوپک در ژانویه ۲۰۲۱ روزانه ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه خواهد بود که با توجه به جلب نظر همه اعضا، تصمیم عاقلانه‌ای است.

زنگنه با بیان اینکه تصمیم نهایی در ماه‌های آینده و در نشست‌های آینده گرفته می‌شود، ادامه داد: هر تصمیمی در این زمینه تابع عرضه و تقاضای بازار خواهد بود و به نظر می‌رسد این تصمیم که با جلب نظر اعضا گرفته شد، عاقلانه است. وی افزود: با توجه به عدم قطعیت‌ها، نشست‌های ماهانه می‌تواند به حفظ ثبات در بازار و تحقق هدف اوپک و غیراوپک برای رسیدن به قیمتی منصفانه در بازار کمک کند. وزیر نفت گفت: توافق کشورهای تولیدکننده عضو و غیرعضو اوپک در آوریل ۲۰۲۰ سبب کاهش یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه‌ای عرضه نفت در جهان شد و با هدف حفظ ثبات نسبی به‌وجود آمده در بازار، اعضای ائتلاف اوپک‌پلاس مذاکره و تصمیم‌گیری می‌کنند. وی گفت: اصل بر این است که به‌منظور حفظ ثبات نسبی بازار، مقدار کاهش تولید بیشتر از رقم ۵ میلیون و ۷۰۰ میلیون بشکه‌ای باشد که براساس توافق اوپک‌پلاس در آوریل ۲۰۲۰ قرار شده بود از ابتدای ۲۰۲۱ در دستور کار اعضا قرار گیرد.

وزیر نفت با اشاره به تأثیرگذاری کرونا بر رشد اقتصادی جهان، ادامه داد: اگرچه تحلیل‌ها حاکی از آن است که رشد اقتصادی که به‌دنبال شیوع کرونا به منفی چهار درصد رسید، در سال ۲۰۲۱ به مثبت چهار درصد برسد، اما اینها همه برآوردهاست و باید دید در واقعیت رشد اقتصادی جهان چه مسیری را طی خواهد کرد.

زنگنه با بیان اینکه اصرار اوپک بر آن است که کاهش تولید به‌ویژه در ماه‌های ابتدایی ۲۰۲۱ بیش از میزان توافق‌شده از پیش باشد، گفت: اگرچه بحث جبران ازسوی بعضی از اعضا که مطابق برنامه تولید خود را کاهش ندادند مطرح است، اما به هر حال باید این نکته را نیز مدنظر داشت که از آوریل ۲۰۲۰ تاکنون و به‌واسطه تصمیم اوپک‌پلاس، در مجموع یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه نفت کمتری در جهان عرضه شده است.

آموزش، شاه‌کلید کسب سود در بازار سهام

سهند اینانلو
editor@smtnews.ir

طبق اعلام سازمان بورس و اوراق بهادار، پس از ماه‌ها انتظار سرانجام مبلغی که وعده داده شده بود از صندوق توسعه ملی (یک درصد از کل منابع صندوق) با هدف بازارگردانی و ایجاد تعادل در بازار سهام تهران، به حساب صندوق تثبیت بازار واریز شده است. البته این مبلغ هنوز وارد چرخه معاملات بورس نشده و نمی‌توان تاثیرات فنی استفاده از آن را نیز مورد سنجش قرار داد اما حتی انتشار خبر واریز این پول هم باعث شد اهالی بازار سرمایه با قوت قلب بیشتری در صف‌های خرید بایستند. کارشناسان بر این باورند که این خبر خوب در موقع مناسبی به گوش سهامداران رسیده، چراکه بازار صعودی بود و رشد خوبی را در بورس شاهد بودیم، حالا با در نظر گرفتن تزریق پول به صندوق تثبیت، انتظار می‌رود روند رو به رشد بازار با شدت بیشتری ادامه داشته باشد. اما مسئله‌ای که در این بین مطرح است، موضوع ایجاد «ثبات» در بازار است که دولت را وادار کرده برای برداشت از صندوق توسعه ملی اقدام کند. با توجه به اهمیت ایجاد ثبات در بازار باید به این نکته تاکید کرد که ثبات یکی از عوامل رونق بازار است و مسئولان باید با استفاده از ابزارهایی مانند بازارگردان‌ها اقدام به تثبیت بازار کنند. اما تنها مقامات بورسی این وظیفه را ندارند، بلکه سهامداران (حقیقی و حقوقی) نیز باید با تجدیدنظر اساسی در نحوه رفتارشان به این روند کمک کنند تا هم باعث برهم خوردن تعادل بازار نشوند و هم سرمایه‌های خود را در معرض خطر نابودی قرار ندهند. برای مثال، کارشناسان معتقدند رفتارهای هیجانی و توده‌ای در تمام بازارهای بورس جهان وجود دارد و یک امر اجتناب‌ناپذیر است اما به‌دلیل ورود ناگهانی تعداد زیادی از نوسهامداران به بورس تهران، شاهد موج‌های شدیدی از رفتارهای احساسی در بازار هستیم که بزرگ‌ترین ضرر را متوجه سهامداران حقیقی می‌کند، چراکه باتجربه‌ها و حقوقی‌ها (به‌دلیل تجربه بالا و همچنین سرمایه‌های سنگین) از چنین وضعیت‌هایی هم سود خوبی به‌دست می‌آورند. در این بین، تنها بازنده تشدید فضای هیجانی در بازار نوسهامدارانی هستند که یا اصلا آموزش ندیده‌اند یا با مراجعه به مراکز غیرمعتبر آموزشی بازار را وارونه درک کرده‌اند.


عکس: آیدا فریدی

بسیاری از مردم تنها با تشویق دولت و بدون دانش کافی وارد بازار بورس شدند. در حقیقت بازار با ورود تعداد زیادی از سهامداران جدید که در علم مالی رفتاری به آن رفتار گله‌ای می‌گویند، مواجه شد و طبیعی است که امروز ریزش و اصلاح شدید بازار را از چشم دولت ببینند

صندوق توسعه ملی به کمک بازار سرمایه آمد

رئیس هیات عامل صندوق تثبیت بازار سرمایه ۶ آذر از واریز هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی به صندوق تثبیت بازار سرمایه خبر داد و گفت: منابع اختصاص داده شده به صندوق تثبیت بازار سرمایه به‌نوعی تسهیلات است که بازپرداخت آن به‌طور سالانه و با نرخ بهره ۱۲ درصد است. به گفته محمدابراهیم آقابابایی، صندوق توسعه ملی در بخش نخست هزار میلیارد تومان نزد صندوق تثبیت بازار سرمایه با نرخ سود ۱۲ درصد و به مدت ۵ ساله سپرده‌گذاری کرده که زمان تعیین‌شده قابل تمدید خواهد بود.

این اتفاق می‌تواند برای بازار سرمایه مثبت باشد و در شرایط ضروری، برای افزایش نقدشوندگی و بازارگردانی سهام استفاده شود، همچنین صندوق تثبیت بازار سرمایه تعهد به بازپرداخت اصل منابع در پایان سررسید و سود حاصل از آن را دارد.

پرداخت تاوان طمعکاری بعضی‌ها، از محل سرمایه‌های ملی

عماد عظیمی، کارشناس بازار سرمایه با یادآوری روزهای ریزشی بورس به صمت گفت: بحث استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای ایجاد ثبات در بازار سهام از همان روزهای اولی که استارت ریزش‌های سنگین بازار زده شده بود، ورد زبان‌ها شد و بسیاری از کارشناسان و فعالان بازار در رد یا تایید این تصمیم اظهارنظر می‌کردند. همان زمان هم برای من سوال بود که به چه شکلی قرار است این مبغ واریز شود؟ آیا قرار است این حجم بالای پول به کارگزاری‌ها داده شود تا تقاضا برای سهام را در سطح بالایی نگه دارند؟ یا اینکه قرار است شیوه دیگری در نظر گرفته شود؟

این کارشناس بورس با اشاره به نظرات منتقدان این اقدام، یادآور شد: یکی از ایرادهایی که به این طرح وارد می‌شد مسئله احتمال تشدید تورم به‌دلیل افزایش نقدینگی بود که بیشتر از سوی تحلیلگران اقتصادی مطرح می‌شد. این دسته از منتقدان با تاکید بر چرایی اختصاص این پول برای جبران ندانم‌کاری‌های برخی سهامداران تازه‌کار، هدف از تاسیس صندوق توسعه ملی را به مسئولان یادآوری می‌کردند، چراکه طبق قانون منابع این صندوق تنها باید در مواردی که منجر به توسعه زیرساخت‌های کشور می‌شود، هزینه شود. این‌درحالی است که حالا بخشی از این سرمایه ملی، قربانی رفتارهای سهوی و عمدی سهامدارانی می‌شود که با نبود آگاهی و دانش لازم وارد بازار سرمایه شده و ضرر کرده‌اند.



درهمین حال تزریق یک درصد منابع صندوق توسعه ملی به بازار سرمایه موافقانی هم دارد. عظیمی در این‌باره گفت: موافقان اجرای این طرح با تاکید بر لزوم حفظ تعادل بازار، از تصمیم مقامات استقبال می‌کنند. این دسته از افراد معتقدند با این کار بازار از شوک روانی ضررهای سنگین بیرون خواهد آمد و هیجان فروش سهامداران متضرر نیز کاهش یافته و موجب افت فشار عرضه خواهدشد. این دسته از سهامداران و فعالان اقتصادی با امید تثبیت بازار و بازگشت روند صعودی شاخص کل از اجرای این طرح حمایت می‌کنند.

وی در ادامه تصریح کرد: حالا که این مبلغ به حساب صندوق تثبیت بازار سرمایه واریز شده، دیگر بحث درباره مثبت یا منفی بودن این عملکرد کارآیی ندارد اما این پرسش مطرح می‌شود که اصلا دلیل انجام چنین اقداماتی از سوی مقامات دولتی چیست؟

عظیمی ادامه داد: به اعتقاد من، یکی از مهم‌ترین دلایل انتظار افراد از دولت برای جبران ضررهای آنها در حوزه‌های مختلف است. اگر خاطرمان باشد این اتفاق درباره موسسات مالی و اعتباری هم تکرار شد و مردم از دولت انتظار حمایت و بازپس دادن سرمایه هایشان را داشتند. البته این توقع بجا بود، چراکه در سیستم بانکی باید یک مقداری از منابع بانک‌ها در اختیار بانک مرکزی قرار بگیرد تا برای استفاده در مقاطع بحرانی ذخیره شود که با عنوان نرخ ذخیره قانونی شناخته می‌شود.

اما استفاده از چنین منابعی (نرخ ذخیره قانونی یا صندوق توسعه ملی) قاعده و قانون خودش را دارد و به اعتقاد من دولت نباید تاوان طمعکاری یا کم‌دانشی برخی افراد را با استفاده از منابع توسعه‌ای کشور بپردازد. دقیقا همین اتفاق در بورس تهران نیز تکرار شد.

این کارشناس و فعال بازار سرمایه درباره شرایط پرداخت این پول به صندوق تثبیت بازار توضیح داد و بیان کرد: قرار است این اعتبار با یک نرخ سود ۱۲ درصدی و به صورت وام (۵ ساله) در اختیار سازمان بورس قرار گیرد تا پس از پایان دوره ۵ ساله این مبلغ با احتساب سودی که ذکر شد به صندوق توسعه ملی بازگردانده شود.

عظیمی در پایان با اشاره به رشد بازار به‌دنبال اعلام این خبر گفت: اما این خبر روی هم رفته می‌تواند سهامداران را تشویق به سرمایه‌گذاری دوباره کند و بازار نیز متعاقبا رشد به‌نسبت خوبی را تجربه خواهد کرد. اما سهامداران باید توجه داشته باشند که دیگر فرصتی برای اشتباه نیست و نباید با رفتارهای بی‌محابا و بدون دوراندیشی و کسب دانش لازم برای ورود به بازارهای جدید، دارایی خود را به خطر بیندازند که بار دیگر دولت وادار به جبران ضررهای آنها از محل سرمایه‌های ملی نشود.

افراد غیرحرفه‌ای، اغلب سهامی را خریداری می‌کنند که رشد خودش را کرده و حالا انتظار می‌رود ارزش آن رو به افول بگذارد

چگونه ثبات بهم می‌خورد؟

حمیده صادقی، کارشناس ارشد بازار سرمایه با اشاره به سودی که خریداران روزهای ریزشی بازار کسب کرده‌اند، به صمت گفت: از زمانی که شاخص کل در ۲۱ آبان به کمترین مقدار خود رسیده بود، تا امروز شاخص کل نزدیک به ۲۰ درصد رشد داشته اما نکته جالب این است که برخی فعالان بازار سرمایه در کف‌های قیمتی و در روزهایی که اوج ناامیدی بورس بود، اقدام به خرید کردند و امروز اغلب آن سهامداران به سود رسیده‌اند. این کارشناس ارشد بورس با انتقاد از رفتار اغلب سهامداران بورسی اظهار کرد: متاسفانه اغلب عادت کرده‌ایم که در بازارهای قرمز، سهم خود را بفروشیم و در روزهای سبز بازار هم فقط سهام بخریم. اغلب سرمایه‌گذاران، حاضر نیستند سهام ارزان را بخرند، چراکه معمولا چنین توجیه می‌کنند اگر فلان سهم خوب بود اینقدر ریزش نمی‌کرد، صف فروش سنگینی نداشت یا بقیه سهامداران هم سهام آن نماد را می‌خریدند. اما وقتی صف خرید همان سهم، چند روز پیاپی شلوغ شود، همین سهامداران با دستپاچگی برای خرید آن اقدام می‌کنند و جالب اینجاست که هرچه قیمت بالاتر برود، افراد بیشتری در صف خرید همان سهم کم ارزش چند روز قبل می‌ایستند. صادقی با آوردن مثالی نحوه رفتار سهامداران نابلد را تشریح کرد و گفت: برای درک بهتر این موضوع یک مثال ساده می‌زنم؛ فرض کنید شما معامله‌گر ملک هستید، طبیعتا باید وقتی خانه‌ها ارزان هستند و مشتری ندارند (صف فروش هستند) ملک موردنظر را بخرید و زمانی که همه به‌دنبال خرید هستند و قیمت‌ها رشد کرده (صف خرید شده) بفروشید. اما چرا اغلب افراد، برعکس عمل می‌کنند؟ وقتی همه در حال خرید هستند، آنها نیز می‌خرند و وقتی همه در صف فروش می‌ایستند، آنها نیز می‌فروشند. وی با توضیح درباره مفهومی با عنوان «رفتار گله‌ای»، به صمت گفت: این رفتار به اصطلاح «گله‌ای» واکنشی احساسی است که همیشه باعث زیان سهامدار خواهد شد. نمونه بارز آن بحث قدرت خریدار و فروشنده در بورس است. افراد غیرحرفه‌ای، اغلب سهامی را خریداری می‌کنند که رشد خودش را کرده و حالا انتظار آن می‌رود که ارزشش رو به افول بگذارد. دلیلش هم این است که نه بر مبنای «تحلیل»، بلکه تحت‌تاثیر «تبلیغ» خرید کرده‌اند. او افزود: سهمی که در پیج‌ها، کانال‌ها و اخبار تبلیغ می‌شود، اغلب سهامی است که در حال کشیدن نفس‌های آخر است و این دست سهامداران با خرید سهم این نمادها در حقیقت آخرین قطره‌های خون را به آن سهم تزریق می‌کنند. صادقی در پایان با اشاره به واکنش‌های احساسی سهامداران، توصیه کرد: توصیه‌ای که در این زمینه می‌توانم به سهامداران داشته باشم این است که در روزهای منفی بازار ترسو و در مقاطع مثبت دستپاچه و طمع کار نباشند. به محض اینکه بازار سبز شد، بدون در نظر گرفتن پیامدها به‌دنبال سیگنال نباشند و تا منفی شد هم بدون درنگ در صف فروش نایستند. به‌جای رفتاری چنین احساسی بهتر است با مطالعه و مشاهده بیشتر معامله‌گری را درک کنند و تمام تمرکز خود را روی این موضوع بگذارند که چه چیز را می‌خرند یا چه چیزی می‌فروشند!



نقش آموزش در بورس و بازارهای مالی

شهیر محمدنیا، کارشناس بازار سرمایه نیز با تاکید بر نقش آموزش در بورس و بازارهای مالی یادآور شد: سرازیر شدن نقدینگی به بازاری به‌شدت تخصصی و پرریسک، نیازمند دانش و تجربه فراوان است. این کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با صمت با اشاره به نقش نهادهای دولتی در مدیریت حجم بالای سرمایه‌های ورودی به بازار سرمایه گفت: در این شرایط به‌جای تشویق عموم جامعه به سمت این بازار، باید در گام نخست برای ایمن‌سازی و واکسینه کردن سرمایه‌های جدید بسترسازی شود. به همین منظور، مهم‌ترین اقدامی که این نهادهای تاثیرگذار باید برای آن تلاش و سرمایه‌گذاری کنند، آموزش افراد فعال و تازه‌واردان در این عرصه است. به‌عبارت دیگر، بیشترین تاثیرگذاری که دولت و سازمان‌های ذی‌ربط با بورس می‌توانند داشته باشند، تمرکز بر بخش مدیریت وضعیت موجود، حمایت و ایجاد بستر برای صنف آموزشگاه‌های معتبر و با سابقه و همچنین حمایت از افراد و شرکت‌هایی است که قصد فعالیت در بخش آموزش را دارند. محمدنیا با اشاره به بروز مشکلاتی که می‌تواند تاثیرات جبران‌ناپذیری بر بازار سرمایه بگذارد، گفت: در زمینه آموزش، سازمان بورس فعالیت‌هایی را شروع کرده و به‌عنوان نمونه، زبانه آموزش جدیدا به سایت اصلی معاملات یعنی tsetmc اضافه شده و تولید محتوای آموزشی رسانه‌ای نیز با جدیت بیشتری در حال انجام است. این فعالیت‌ها خوب است اما کافی نیست و باید علاوه بر اعمال تلاش‌های بیشتری در این زمین، افراد نیز برای آموزش تمایل داشته باشند. وی مشکل اصلی که بعد از ریزش مرداد، بازار با آن روبه‌روشده را کاهش اعتماد مردم به بورس دانست و گفت: بسیاری از مردم تنها با تشویق دولت و بدون دانش کافی وارد این وادی شدند. درحقیقت بازار با ورود تعداد زیادی از سهامداران جدید که در علم مالی رفتاری به آن رفتار گله‌ای می‌گویند، مواجه شد و طبیعی است که امروز ریزش و اصلاح شدید بازار را از چشم دولت ببینند، چون دانش کافی در این زمینه ندارند و نمی‌دانند فراز و نشیب‌ها در ذات بازار سهام است.



اگر دولت مردم را تشویق به یادگیری و سپس فعالیت در بازار سرمایه می‌کرد اکنون بازار مشکل عدم‌اعتماد ندارد و معاملاتی منطقی‌تر و به دور از هیجان را شاهدیم. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به اعتراضات و تجمعات اعتراضی اخیر، گفت: این عملکرد از یک بُعد بحق است و از بُعد دیگر غیرمنطقی. در گذشته تجمعات فراوانی داشته‌ایم. محور اعتراض‌های قبلی نقد به سازمان بورس، قوانین و محدودیت‌ها بود. البته کاملا منطقی و اصولی بود و برخورد سازمان هم مناسب و در راستای ایراد نقدهای اصولی و منطقی بود اما متاسفانه تجمعات اخیر درخواست‌های غیرمنطقی و غیرمعقولی را در برداشت. درخواست جبران زیان و حمایت دستوری از بورس در هیچ جای علم اقتصاد پذیرفته‌شده نیست. وی افزود: بنابراین از این پس، سازمان‌ها و نهادهای تاثیرگذار باید از اعمال‌نظرهای هیجانی و براساس منافع مقطعی پرهیز کرده و سعی در تشویق فعالان به آموزش و فراگیری اصولی معامله‌گری کنند.

سخن پایانی...

بورس همواره یکی از بسترهای سودآور برای سرمایه‌گذاری بوده است اما عموم افراد جامعه با آن آشنایی نداشتند. تعداد فعالان این بازار همیشه محدود بود و بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در جامعه به سمت سپرده‌های بانکی و بازارهای طلا و ارز می‌رفت. به‌تازگی اقبال مردم به بازار سرمایه بیشتر شده است و این مسئله، ضرورت آموزش بورس را بیش از پیش می‌کند. ضرورت و اهمیت آموزش بورس را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد. در سطح فردی و شخصی، استفاده از خدمات آموزش بورس، تضمین کاهش ریسک سرمایه‌گذاری است. در حقیقت، فعالان بازار باید قبل از هر موضوعی، روی کسب دانش و مهارت سرمایه‌گذاری کنند. بورس سازکارها و ادبیات مخصوص به خود را دارد. ابزارهای معاملاتی و پایگاه‌های کسب اطلاعات این بازار ویژه هستند و یادگیری نحوه کار با آنها کاملا ضروری است. حتی افرادی که قصد سرمایه‌گذاری غیرمستقیم دارند (از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری یا استفاده از خدمات سبدگردانی)، بهتر است با مفاهیم ابتدایی و اساسی بورس آشنا باشند. در مرحله بعد، فردی که می‌خواهد در بازار سرمایه فعالیت کند باید مهارت تحلیل داشته باشد و بتواند زمان مناسب برای خرید و فروش سهم‌ها را تشخیص دهد. این مهارت از طریق شرکت در کلاس‌های آموزش بورس به‌دست می‌آید. بُعد دیگر ضرورت آموزش بورس، به تاثیر سرمایه‌گذاران بر وضعیت بازار مرتبط می‌شود. قیمت‌ها در بازار تحت‌تاثیر عرضه و تقاضا هستند و رفتار هیجانی و ناآگاهانه افراد در این بازار، می‌تواند برای همه سرمایه‌گذاران آسیب‌رسان باشد.

یادداشت

چگونه به بورس تکیه کنیم؟



محسن سیف‌زاده
کارشناس بازار سرمایه

افزایش حجم نقدینگی در بازارسرمایه یکی از اتفاقات مثبتی است که می‌تواند باعث پویایی بیشتر این بازار شود. اما متاسفانه در ۳، ۴ ماه اخیر، عنصر اعتماد بین سهامداران شدیدا تضعیف شده و همین امر کار را کمی سخت می‌کند. اگر می‌خواهیم بازار بورس بانشاطی داشته باشیم تا نقش محوری در اقتصاد ایفا کند، باید سعی کنیم این اعتماد به مردم برگردد. در واقع باید امنیت سرمایه‌گذاری در بازار تضمین شود به‌گونه‌ای که اگر هم سود کمی عاید افراد می‌شود، حداقل سرمایه‌شان از بین نرود.

▣ بروزرسانی قوانین

نباید فراموش کرد که قوانین کنونی در بازار سرمایه مربوط به زمانی است که بورس تهران بسیار کوچک‌تر بوده اما امروز شاهدیم که شرایط به‌طور کامل تغییر کرده است، به طبع قوانین هم باید اصلاح شوند تا بازار منعطف‌تر، پویاتر و چابک‌تری داشته باشیم. البته این تغییر قوانین نباید به‌گونه‌ای انجام شود که هر روز و هر ساعت شاهد تغییرات آنی قوانین باشیم، چراکه این دست اقدامات ثبات بورس را به مخاطره می‌اندازد.

▣ نظارت بر قوانین

البته تنها وضع قوانین خوب و کارآمد کافی نیست، بلکه باید به اجرای این اصول و قواعد نیز نظارت کامل و دقیقی انجام شود تا راه هرگونه تخلف و سوءاستفاده‌ای بر افراد سودجو بسته شود. متاسفانه عده‌ای با رانت اطلاعاتی پول‌های کلانی از بازار بورس عایدشان می‌شود، این مشکل نیز با نظارت دقیق نهادهای ناظر می‌تواند برطرف شود. برای اجرای دقیق این نظارت باید یک نهاد ناظر در داخل بورس و یکی خارج از بازار وجود داشته باشد تا بتوانند با تکیه بر دسترسی گسترده اطلاعاتی معاملات کلان در بازار سرمایه را با شفافیت رصد کنند.

▣ بازارگردان

نکته مهم دیگر، فعالیت بازارگردان‌ها برای هر نماد و شرکت بورسی است که خوشبختانه استارت اجرای این طرح زده شده اما هنوز بسیاری از نمادها بازارگردان معرفی نکرده‌اند که باید هرچه زودتر در این راستا اقدام کنند. به‌ویژه برای نمادهای مهم و تعیین‌کننده بازار باید بازارگردان‌های قوی تعیین شود، چراکه بسیاری از سهامداران تصمیمات خود را با نگاه به وضعیت این شرکت‌های بورسی می‌گیرند.

▣ هدایت نقدینگی به سمت تولید

این نقدینگی که از بانک‌ها خارج‌شده و به سوی بورس آمده باید به سمت تولید هدایت شود، نه اینکه در حساب کارگزاری‌های بورسی قرار بگیرد تا برای فعالیت‌های سفته‌بازانه و نوسان‌گیری از بازار بورس استفاده شود. ادامه این روند، آسیب‌های بزرگی به اقتصاد ما می‌زند که جبران آن بسیار سخت است. اصلا هدف از ایجاد بورس این بوده که نقدینگی را به سمت تولید هدایت کند پس باید سازکاری پیش‌بینی شود که بتواند سرمایه‌های جذب شده در بورس را به سمت بخش تولید سوق دهد تا این سفته‌بازی‌ها اتفاق نیفتد. با توجه به مواردی که مطرح شد، بازار بورس ما امکان این را ندارد که با یک شیفت حرکتی اساسی از بانک‌محوری به سوی بورس‌محوری برویم اما اگر تمهیدات اندیشیده شود و به‌خوبی هم اجرا شود می‌توان انتظار داشت که بازار سهام ما به یک تکیه‌گاه محکمی برای بخش تولید کشورمان تبدیل شود. نکته مهم این است که اگر به سمت بورس‌محوری حرکت کنیم منافع زیادی متوجه اقتصاد کشورمان خواهد شد، توجه کنید که اگر سرمایه از بانک‌هایی که پول بی‌پشتوانه چاپ می‌کنند، خارج شود به نفع همه است، چراکه ادامه این رویه منجر به افزایش نقدینگی و تشدید تورم می‌شود. در مقابل اگر سرمایه با رعایت شروطی که ذکر کردم وارد بورس شود، به‌طور قطع باعث تقویت تولید می‌شود و نرخ بیکاری هم کاهش شدیدی خواهد داشت. قطعا برای اجرای درست این برنامه سازمان‌ها و نهادهای مختلفی باید دست به‌دست هم بدهند تا شرایط برای این تغییر بزرگ و حیاتی فراهم شود، البته نباید از نقش قوه قضاییه نیز غافل شد، حتی می‌توان در این قوه، بخشی را برای نظارت و رسیدگی به تخلفات بورس ایجاد کرد تا افراد نتوانند با استفاده از رانت اطلاعاتی در بازار اختلال ایجاد کرده و سودهای کلان کسب کنند.

شنبه
۱۵ آذر ۱۳۹۹- ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ - ۵ دسامبر ۲۰۲۰-شماره ۱۶۷۴-پیاپی ۲۹۹۲

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر: عاطفه خسروی

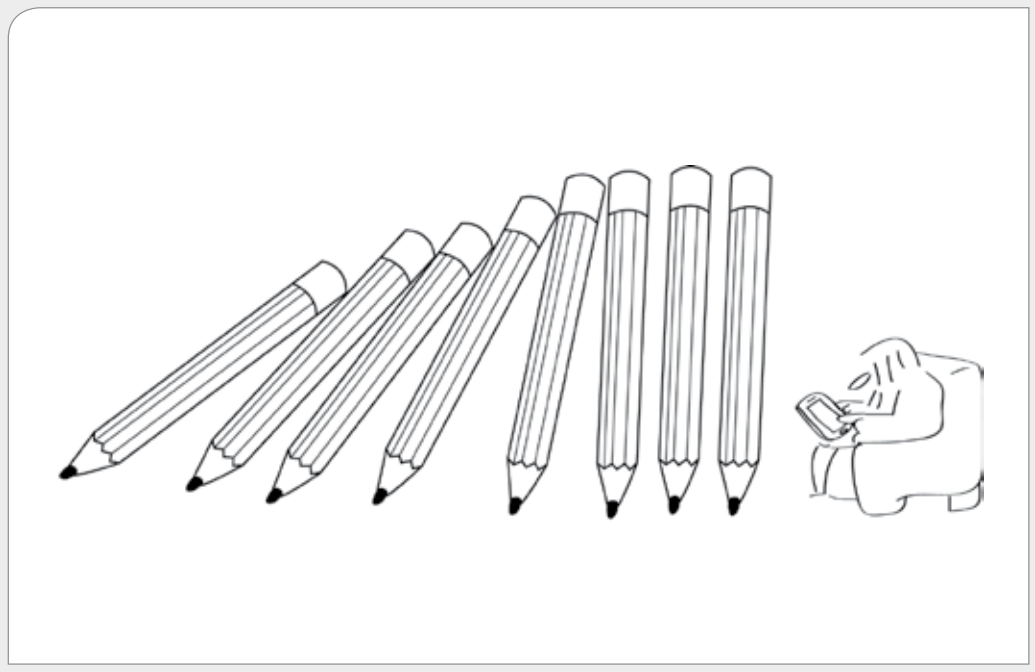
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰- پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲ - نمابر آگهی ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: شرکت چاپ رواق روشن‌مهر

info@smtnews.ir
www.smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با ۶۳ امتیاز رتبه ۲
در میان روزنامه های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

نقش و عملکرد دانشگاه‌ها در بحران کرونا



دانشگاه‌ها از زمان شیوع کرونا تا امروز توانستند نیمه دوم سال تحصیلی ۹۹-۹۸ را با تمام فراز و فرودها به‌خوبی به پایان برسانند و سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹ را نیز با تجربه آنچه که در ترم قبل گذرانده بودند، آغاز کنند

وقتی سروکله ویروس کرونا از ووهان چین پیدا شد، اوایل اسفند بود و برخی دانشگاه‌ها ترم جدید تحصیلی را آغاز کرده بودند. با شدت گرفتن شیوع کرونا خبر تعطیلی دانشگاه‌ها که یکی از مراکز پررفت‌وآمد محسوب می‌شود، یکی پس از دیگری به گوش رسید و خوابگاه‌ها تخلیه و تعطیل شدند. اما تعطیلی آموزش راه‌حل مناسب و مطلوبی برای جمعیت ۳ میلیونی دانشجویی کشور نبود؛ بنابراین وزارت علوم و حتی آموزش و پرورش برگ برنده خود را که همان آموزش از طریق ابزارهای الکترونیکی است، رو کردند. دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های سطح یک اقدامات متفاوتی برای متوقف نشدن آموزش انجام دادند. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نیز در آیین آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ با اشاره به نقش مهم دانشگاه‌ها برای عبور از بحران‌هایی نظیر کرونا و همچنین توسعه کشور گفت: امیدواریم حمایت‌های دولت در برنامه توسعه هفتم از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بیشتر از گذشته شود تا بتوانیم علاوه بر حرکت در مسیر اهداف موردنظر، به توسعه کشور نیز کمک کنیم. اما اینکه میزان موفقیت آموزش مجازی تا چه حد بود و دانش‌آموزان و دانشجویان چقدر از این روش آموزشی بهره برده و راضی بودند موضوع مهم دیگری است.

تاکید بر حمایت از علوم پایه و بنیادی



نیلی احمدآبادی، رئیس دانشگاه تهران: شیوع ویروس کرونا یک بار دیگر جایگاه و نقش ویژه علم و دانش را آشکار کرد و نشان داد که به‌اصطلاح برخی از انگاره‌ها و باورهای غلط علم به‌ویژه علوم پایه و بنیادی تا چه میزان می‌تواند برای کشور و جهان آسیب‌زا باشد. از همین منظر است که نتیجه سرمایه‌گذاری‌های کشور و دانشگاه‌ها و البته کم‌کاری در علوم پایه و بنیادین مشخص می‌شود و نشان می‌دهد که فقط به نتیجه فوری، ملموس و کابردی در حوزه علم و دانش بسنده کرده‌ایم. این علوم کمتر موردتوجه نخبگان و سیاست‌گذاران است. در واقع برای توجه و استقبال کم جوانان از علوم پایه و کاربردی دلایل متعددی می‌توان ذکر کرد اما قطعا جایگاه و منزلت و آینده شغلی می‌تواند از دلایل مهم کاهش گرایش به این علوم باشد. برای مثال تعداد شرکت‌کنندگان در کنکور جاری در گروه ریاضی حدود ۱۵۰ هزار نفر بوده، در حالی که در گروه علوم تجربی ۵۹۴ هزار و علوم انسانی ۳۴۱ هزار نفر داوطلب شرکت کردند. این در حالی است که دانشگاه‌ها در این مدت کوتاه به‌خوبی نشان دادند که از توانمندی‌های بسیار بارز و غنی برخوردارند و دانش‌آموختگان آنها در حوزه‌های مختلف از جمله در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان خدمات بسیار مفیدی در مقابله با ویروس کرونا ارائه کردند که شاید یکی از بارزترین عملکردهای این نهادها ارائه دروس به روش مجازی بود. در این مسیر اقدام ارزشمند دولت و در اختیار قرار دادن اینترنت رایگان توسط اپراتورها و برخی تامین‌کنندگان اینترنت، تا پایان خرداد تحمل شرایط را برای دانشجویان راحت کرد. در ترم جاری که آموزش‌ها همچنان به‌صورت مجازی است، تقاضای دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشجویان و خانواده‌های آنها در اختیار قرار دادن اینترنت رایگان برای استفاده از سامانه‌های آموزشی دانشگاه‌ها است. باید به این نکته توجه داشت که در دسترس نبودن اینترنت رایگان برای دانشجویان باتوجه به حجم برنامه‌های آموزشی، بار سنگین مالی به دوش آنها به‌ویژه دانشجویان کم‌بضاعت می‌گذارد که می‌تواند موجب اختلال در یادگیری دانشجویان شود.

موفقیت در توسعه آموزش مجازی



علی خاکی صدیق- معاون آموزشی وزارت علوم: بعد از اینکه ویروس کرونا در کشور شیوع پیدا کرد، یعنی از همان ابتدای اسفند، سیاست وزارت علوم این بود که به سمت آموزش‌های مجازی حرکت کند. افزایش اختیارات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هم از دیگر سیاست‌های وزارت علوم بود، چراکه وقتی وارد حوزه یادگیری الکترونیک شدیم، این مراکز از نظر کارکرد زیرساخت‌ها، تسلط اعضای هیات علمی به مباحث و سایر مسائل با یکدیگر تفاوت‌هایی داشتند؛ به‌طوری که ما دانشگاه‌ها و موسساتی داشتیم که بیش از ۲ دهه تجربه آموزش مجازی داشتند و دوره‌های آموزش الکترونیکی را برگزار می‌کردند و در سوی دیگر مراکزی وجود داشتند که هیچ یک از این امکانات را در اختیار نداشتند. بنابراین نمی‌توان فرمول یکسان و واحدی را درباره نحوه ارائه آموزش الکترونیکی در همه دانشگاه‌ها ارائه داد؛ در نتیجه تصمیم بر این شد که این اختیار تصمیم‌گیری را به خود دانشگاه‌ها واگذار کنیم و وزارت علوم بر چارچوب‌های کلی آن نظارت داشته باشد و خوشبختانه در حال حاضر دانشگاه‌ها و موسساتی را داریم که از همان هفته‌های اول و دوم اسفند آموزش‌های الکترونیک خود را آغاز کردند و دانشگاه‌هایی نیز این اقدام را از نیمه دوم فروردین آغاز کردند که در نهایت همه دانشگاه‌ها به این چرخه متصل شده و تاکنون بیش از ۹۲ درصد آموزش‌ها به شکل الکترونیک پوشش داده شده است. باتوجه به اینکه ارائه آموزش‌های مجازی تجربه اول دانشگاه‌ها بود، به‌طبع نقاط ضعف و قوت زیادی داشت، اما براساس گزارش‌های دریافتی هر قدر که به سمت جلو می‌رویم ضعف‌های این آموزش‌ها کمتر می‌شود. براساس آمار اعلام شده ازسوی یونسکو در کل دنیا حدود یک میلیارد و ۱۹۰ میلیون نفر از آموزش مجازی استفاده کرده‌اند که البته این آمار، آموزش عالی و آموزش قبل از دانشگاه را نیز شامل می‌شود و ۱۴۶ کشور آموزش خود را به‌دلیل شیوع کرونا تعطیل کردند. البته این آمار تعطیلی‌ها تا یک ماه پیش به ۱۹۲ کشور می‌رسید اما اخیرا برخی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در برخی کشورها فعالیت‌های آموزشی خود را آغاز کردند و این آمار کاهش پیدا کرده است. بسیاری از آموزش‌های مجازی ارائه شده در دنیا شامل آموزش‌های دانشگاه‌ها می‌شود، چراکه قبل از دانشگاه آموزش حضوری چندان مشکلی ندارد و این مقاطع چندان درگیر مسائل خوابگاه، سلف، مسافرت‌های بین‌شهری، بین‌کشوری و حتی بین قاره‌ای نیز نیستند. همچنین براساس نظرسنجی که یک ماه پیش و در قالب ارسال یک پرسشنامه در دانشگاه‌های دنیا انجام شد، حدود ۱۰ درصد دانشگاه‌ها عنوان کردند که فعالیت آنها تحت تاثیر شیوع ویروس کرونا قرار گرفته و ۳۰ درصد این مراکز عنوان کردند که دانشگاه‌های خود را به‌صورت نیمه‌باز نگاه داشته و فعالیت‌های این مراکز را محدود کردند. ۵۹ درصد آنها نیز عنوان کردند که در دوران شیوع کرونا به‌طور کامل تعطیل شدند. درباره نحوه آموزش دانشجویان نیز حدود ۲ درصد دانشگاه‌های دنیا تاکید دارند که این آموزش برای آنها تاثیری نداشته و ۶۷ درصد آنها نیز گفتند از آموزش جایگزین استفاده کرده‌اند و ۲۶ درصد نیز تاکید کردند که در حال آماده کردن زیرساخت‌های ارائه آموزش‌های مجازی هستند و تنها ۷ درصد دانشگاه‌ها عنوان کردند که به‌طور کامل آموزش آنها تعطیل شده است. درباره ایران نیز براساس آمار از ۳۰۰ موسسه آموزش عالی غیردولتی در کشور فقط ۷ موسسه مجوز فعالیت الکترونیکی داشتند و کمتر از ۱۰ درصد دانشگاه‌های دولتی ما نیز از این شیوه آموزش استفاده می‌کردند. سایر دانشگاه‌ها در کشور اصلا زیرساخت الکترونیکی نداشتند و تعداد دانشجویان تحت پوشش آموزش‌های الکترونیکی تا بهمن ۹۸ به نیم درصد هم نمی‌رسید، اما بعد از شیوع کرونا ویروس از ۲۰ اسفند تمامی دانشگاه‌ها به‌طور جدی وارد این نوع آموزش شدند.

از فضای مجازی

آینده توسعه‌یافتگی



محمود سریع‌القلم - پژوهشگر: ۷ کشور چین، امریکا، روسیه، ژاپن، هند، کانادا و امارات با اظهار علاقه، اقداماتی در جهت سرمایه‌گذاری برای استخراج منابع طبیعی از فضای ماورای جو را آغاز کرده‌اند. بهره‌برداری از منابع طبیعی فضای ماورا جو نه‌تنها محرکی برای ارتقای سطح دانش و فناوری به‌شمار می‌رود، بلکه موقعیت و پرستیژ یک کشور را در کلوب خاصی از کشورها قرار می‌دهد. کشف مجهولات در فضا، خود به خود سطح فکر دانشمندان و سیاستمداران یک کشور را به درجه‌ای ارتقا می‌دهد که شکاف قابل‌توجهی با سیاستمداران دیگر کشورها ایجاد می‌کند.

توانمندی‌های ۳ کشور چین، روسیه و امریکا در حوزه فضا شاخص بوده و ظرفیت‌های امریکا نیز در میان این ۳ کشور که به‌طور مستقیم ۳۶۰ هزار نفر و غیرمستقیم ۲ میلیون نفر را در استخدام دارد، منحصر به فرد است. هرچند معاهده فضای ماورای جو ابعاد مبهمی دارد اما واقعیت سیاست بین‌الملل این است که مانند بسیاری از توافقات بین‌المللی، آنهایی که دارای منابع مالی و فناوری بیشتری هستند، درست یا غلط، «حق» فراتری از دیگران دارند.

اما چرا استفاده از منابع طبیعی و فضای ماورای جو؟

۱۰۷ سال پیش، جمعیت جهان ۱.۷ میلیارد نفر بود. طی کمی بیش از یک قرن، جمعیت جهان به ۷.۷ میلیارد نفر رسیده است. پیش‌بینی سازمان ملل برای سال ۲۱۰۰، جمعیتی معادل ۱۱ میلیارد نفر است، این در حالی است که براساس آمار طی ۴ دهه، نیمی از تمام منابع نفت جهان استفاده شده است. به‌علاوه اینکه فشار زیست‌محیطی، فرسایش منابع طبیعی، بیابان‌زایی و تخریب جنگل‌ها چندین برابر و تعداد سونامی، زلزله، سیل، توفان و آتش‌سوزی‌ها ۲.۵ برابر شده است. تقاضا برای آبیاری ۴ برابر شده و گفته می‌شود یک میلیارد نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. براساس پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۸۰ میلادی، ۳.۲ میلیارد نفر با مشکل جدی آب روبه‌رو خواهند بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ میلادی، بخش‌هایی از هند، بنگلادش، چین و فلوریدای امریکا زیر آب بروند.

باوجود این وضع بحرانی زیست‌محیطی جهان، براساس برآورها، ۳کشور روسیه، امریکا و استرالیا به میزان بیشتری از منابع طبیعی، منابع سوخت فسیلی و سرزمین قابل‌کشت برخوردار هستند. از این ۳ کشور، روسیه بهترین موقعیت را داراست زیرا منطقه قطب شمال که روسیه بر آن تسلط سرزمینی، نظامی و امنیتی دارد، دست‌نخورده‌ترین منطقه جهان است. ۲۵ درصد نفت موجود جهان نیز در سرزمین‌های قطب شمال واقع است. از سوی دیگر باتوجه به جمعیت کم، این ۳ کشور نسبت به هند و چین، ظرفیت بهتری از نظر مصرف و دسترسی به منابع طبیعی برای بقا و تداوم خود دارند.

به همین دلایل است که کانون استراتژی امریکا در دوره هر رئیس‌جمهوری این خواهد بود که از انباشته شدن ثروت مالی چین جلوگیری کند. نسبت به روسیه نیز امریکا در پی آن است که مانع ورود محتمل این کشور به اقتصاد بین‌الملل شود. در عین حال با محدودیت‌های قانونی از ورود روسیه به عرصه‌های جدید فناوری و تعامل در پروژه‌های مشترک با غربی‌ها ممانعت به‌عمل آورد. از آن‌سو، روسیه و چین تلاش دارند به ثبات سیاست‌گذاری در امریکا لطمه بزنند. رأی حدود ۸۰ میلیونی جو بایدن و ۷۴ میلیونی دونالد ترامپ به لحاظ تئوریک شاید به‌معنای فرازونشیب سیاست‌گذاری و مدیریت باشد. توافق ژاپن، استرالیا، زلاند نو و کره جنوبی برای عضویت در بلوک تجاری و کاهش تعرفه که با مدیریت چین و پس از ۹ سال مذاکره در هفته گذشته به امضا رسید، معنای بسیار تعیین‌کننده‌ای در تغییر بلوک‌های اقتصادی و سیاسی در سطح جهان دارد.

با این همه دولت‌ها برای کسب مشروعیت نیازمند تامین نیازهای اولیه مردم خود هستند؛ بنابراین از خود دائم دو سوال می‌کنند:

۱) چگونه به منابع جدید درآمد برسیم؟ و ۲) چگونه به فناوری برتر دسترسی پیدا کنیم؟ کشورهای ورشکسته‌ای مانند بولیوی، کوبا، بلاروس و کره شمالی دیگر جایگاهی در این پروسه ندارند. امریکا دیگر به نفت خاورمیانه نیازی ندارد، بلکه از درآمد نفت کشورهای این منطقه می‌تواند برای سرمایه‌گذاری در IT و هوش مصنوعی و در نهایت فروش اسلحه استفاده کند. چین با اتکا به افریقا و مسلط شدن بر بازارهای مصرفی جهان به برتری مالی و فناوری خواهد رسید. روسیه خیلی این دو سوال را از خود نمی‌پرسد اما با منابع نفت و گازی که دارد و با ظرفیت قدرت نظامی در حریم جغرافیایی خود سیاستورزی خواهد کرد. در این پروسه هند، برزیل، کره جنوبی و ژاپن در رکن دوم جهانی اما در چارچوب نظم موجود قرار خواهند گرفت.

بنابراین می‌توان گفت یک بار دیگر دوره اول امپریالیستی نظام سرمایه‌داری (۱۸۰۰- ۱۹۵۰ میلادی) برای دستیابی به منابع طبیعی در حال تکرار است؛ اما این بار بازیگران غیرغربی نیز حضور دارند و رقابت برای برتری در نیمه دوم قرن ۲۱ فقط در کره زمین نخواهد بود.

پژوهش

نتایج یک نظرسنجی آموزشی



حسین معماریان- کارشناس آموزش و برنامه‌ریزی: نتایج نظرسنجی از ۵۶۰ دانشجوی مهندسی درباره آموزش غیرحضوری حاکی از آن است که اغلب دانشجویان معتقد بودند در کلاس‌های برخط، عدالت آموزشی به اندازه کلاس‌های حضوری رعایت نشده است. بیشتر شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، با گزاره «مشتاقم بار دیگر تجربه آموزش غیرحضوری را تکرار کنم» مخالفت کردند اما اغلب آنها معتقدند ترکیب آموزش برخط و آموزش حضوری مفیدتر است.

این نظرسنجی با هدف آگاهی از واکنش دانشجویان مهندسی پس از گذشت یک نیم‌سال تحصیلی غیرحضوری و با همکاری کرسی یونسکو و انجمن آموزش مهندسی انجام و در آن ۵۶۰ پاسخ از ۹ دانشگاه ثبت شد که عمده این دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و امیرکبیر تحصیل می‌کردند.

براساس نتایج این نظرسنجی، درصد زیادی از دانشجویان ساعات بسیار کمی را در کلاس‌های برخط حضور داشتند؛ با اینکه واحدهای معمول را اخذ کرده بودند. ۶۷ نفر از شرکت‌کنندگان اعلام کردند کمتر از یک ساعت در هفته مطالعه داشتند و نتایج این نظرسنجی نشان داد اغلب دانشجویان از لپ‌تاپ استفاده می‌کردند.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد به‌طور کلی، در برقراری ارتباط برخط مشکلی وجود نداشته است. همچنین اغلب دانشجویان اعلام کرده‌اند شرایط محل سکونت‌شان برای شرکت در کلاس‌های برخط مناسب بوده است. همچنین اغلب شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی معتقدند در کلاس برخط تعامل بین مدرس و دانشجویان و میان دانشجویان با یکدیگر کمتر از کلاس‌های حضوری بوده است. همچنین در این نظرسنجی اغلب دانشجویان با گزاره «تدریس و ارائه‌های غیرحضوری استادان بهتر از روش حضوری بوده است» مخالف بودند. علاوه بر این، بیشتر آنها با جمله تکالیف و مطالب درسی بارگذاری شده بیشتر از شیوه حضوری بوده، موافقت کرده‌اند. همچنین، آنها مخالفت خود را با جمله «در دروسی که مستلزم فعالیت‌های عملی و آزمایشگاهی بود به مشکلی برنخوردم» اعلام کردند. به‌علاوه اینکه اغلب این دانشجویان مهندسی بیان کردند که سلامت برگزاری امتحان‌های برخط از آزمون‌های حضوری کمتر بوده است.

خوب و بد تجربه آموزش مجازی



عبدالرضا سیم‌چی- عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف: شاید در اخبار و سخنرانی‌ها شنیده باشید که دانشگاه‌های ایران در راه‌اندازی آموزش مجازی موفق عمل کرده‌اند اما این سوال وجود دارد که آیا این رویکرد بر حسب یک تحول درون‌سازمانی بوده یا یک اجبار باعث شده که دانشگاه‌های ما به این سمت هدایت شوند؟ ما به استفاده از بسترهای خارجی وابسته هستیم که به همه امتیازات آنها دسترسی نداریم و این یک زنگ خطر برای آموزش عالی ایران است. سال‌هاست که آموزش برخط در دنیا رایج است. مثلا دانشگاه MIT، بیش از ۲۰ سال است که کورس‌های آنلاین ارائه می‌دهد. دانشگاه‌های ما از قبل به فکر آموزش آنلاین نبوده‌اند یا حداقل آن را خیلی جدی نگرفتند تا بتوانیم یک بستر داخلی برای آموزش مجازی ارائه کنیم.

در ادبیات جهانی، آموزش برخط به ۴ دسته آموزش از راه دور، آموزش مجازی، آموزش الکترونیک و آموزش ترکیبی تقسیم می‌شود. واقعیت این است که مفهوم آموزش برخط این است که محتوای آموزش از قبل برای آموزش آنلاین آماده شده، این در حالی است که در ایران شرایط اضطراری پیش آمد که همکاران ما مجبور شدند آموزش برخط را بدون توجه به بروزرسانی محتواهای درسی آغاز کنند.

ما از ۲۵۰ محقق برجسته کشور پرسیدیم چقدر زمان صرف کردید که مطالب آموزش آنلاین را آماده کنید که ۸۱ درصد اعلام کردند وقت بیشتری نسبت به آموزش حضوری صرف کردند. این نتیجه حاکی از این است که گرچه دانشگاه‌های ما عملکرد خوبی داشتند اما آمادگی این تغییر را نداشتند.

در زمینه کیفیت ارائه مطالب، ۳۵ درصد اعلام کردند کیفیت آموزش‌شان پایین‌تر آمده و این هشداری برای آموزش عالی کشور است. دانشگاه‌های مختلف روش‌های متفاوتی را برای ارزشیابی به‌کار بردند. ۶۲ درصد همکاران اعلام کردند سطح نمرات دانشجو تغییر نکرده است. ۵۳ درصد آنها اعلام کردند در امتحانات تخلف صورت گرفته است. ۱۱ درصد تخلفات گسترده را گزارش کردند و این زنگ خطری برای آموزش عالی است.

آنچه که در دنیا مطرح می‌شود این است که آموزش در دنیا در ۵ بعد تحت تاثیر قرار می‌گیرد. برهمین اساس بدون شک در آینده، استفاده از روش‌های مجازی بسیار گسترده‌تر خواهد شد و در کنار روش‌های سنتی، رشد می‌کند. محتوای آموزش آنلاین به‌شدت افزایش خواهد یافت و بحث مالکیت معنوی مطرح خواهد شد. نکته بسیار مهمی که آموزش عالی ایران نباید از آن غافل شود، افزایش همکاری‌های آموزشی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی میان دانشگاه‌ها است. علاوه بر آن، ارزشیابی دانشجویان، روش جدیدی را می‌طلبد و برنامه‌های درسی به‌صورت ترکیبی با انعطاف‌پذیری بالا و اختصاصی‌شده ارائه خواهد شد. برهمین اساس باید در کشور زیرساخت‌های مناسب برای آموزش برخط تهیه شود. لازم است نرم‌افزارهایی داشته باشیم تا آموزش مجازی ما وابسته به نرم‌افزارهای خارجی نباشد. همکاری‌های بین‌المللی را افزایش دهیم و استادان را توانمند کنیم.

درباره عملکرد دانشگاه‌های ایران در دوران شیوع کرونا نیز می‌توان گفت بی‌شک دانشگاه‌های ایران باتوجه به بودجه و زیرساختی که داشتند بسیار خوب در دوران شیوع کرونا عمل کردند، اما لایه‌های پنهانی هم وجود دارد. بیشتر دانشگاه‌های ایران به‌طور اختصاصی پروژه تعریف کردند؛ مثلا دانشگاه تبریز ۵۰ پروژه، دانشگاه شیراز ۴۵ طرح، دانشگاه فردوسی مشهد ۳۰ پروژه، دانشگاه شریف ۲۲ پروژه، دانشگاه خواجه‌نصیر ۱۵ پروژه و دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳ پروژه تعریف کردند.

۸۰ درصد مقالات نگاشته شده در ایران درباره کووید-۱۹ در زمینه پزشکی است و فقط ۲ درصد این مقالات در حوزه علوم اجتماعی نوشته شده، این در حالی است که آثار اجتماعی کرونا کمتر از آثار پزشکی آن نیست.

اگر ما در دوران اضطرار هستیم، مدیریت فناوری و پژوهش نیز باید در دوران اضطرار باشد. من نشنیده‌ام که دانشگاهی اعلام کند مدیریت پژوهش و فناوری را تغییر داده است. اگر بین وزیر بهداشت و معاون پژوهشی‌اش اتفاقاتی را می‌شنوید، به‌نظر من یکی از عللش این است. در دنیا گرنت‌های پژوهشی بسیاری بر تحقیقات کووید-۱۹ صرف شد. آیا ما در ایران هم این مبالغ را صرف کردیم؟ در کدام یک از دانشگاه‌های ایران یا وزارت علوم اعلام شد که ما گرنت پژوهشی خاصی در سطح ملی برای کرونا تعریف می‌کنیم؟ تنها گرنتی که اعلام شد گرنتی ملی برای همکاری ایران و چین است. آنچه که در دنیا اعلام می‌شود، این است که زیرساخت‌های دیجیتالی پژوهش و مدیریت پژوهش تغییر خواهد کرد. ارتباطات مجازی، هوش مصنوعی به‌شدت گسترش خواهد یافت. تمرکززدایی از ظرفیت‌های پژوهشی و رونق حوزه‌های بین‌رشته‌ای قطعا در دوران پساکرونا رخ می‌دهد که وزارت علوم و بهداشت باید به آن توجه کنند.